



موسسه مطالعات پژوهش های بازرگانی



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines & Agriculture

تحلیل ساختار رقابت در تجارت خارجی ایران

چکیده

۱. مقدمه و اهمیت موضوع
۲. تحلیل رقابت اقتصاد بین المللی ایران
۳. تحلیل رقابت الگوی تجارت صنعتی ایران
۴. تحلیل سیاست تجاری ایران با تاکید بر کارکرد محوزه
۵. تحلیل الگو و ساختار تجارت خارجی ایران و نقش مداخلات دولت
۶. تحلیل آثار سرمایه گذاری خارجی بر ساختار تجارت خارجی
۷. ساختار رقابت در تجارت خارجی ایران
۸. جمع بندی و پیشنهادات

آنچه خواهید خواند...





Contents

۶	چکیده
۱۷	۱. مقدمه
۱۸	۲. تحلیل رقابت اقتصاد بین الملل ایران
۳۹	۴. تحلیل سیاست تجاری ایران با تاکید بر کارکرد مجوزها
۳۹	۴-۱. سیاست تجاری ایران و سازمان جهانی تجارت
۴۰	۴-۲. ناهماهنگی سیاست تجاری ایران و همسو نبودن آنها
۴۲	۴-۳. کارت بازرگانی
۴۲	۴-۳-۱. تاریخچه کارت بازرگانی
۴۳	۴-۳-۲. کاربردهای کارت بازرگانی
۴۳	۴-۳-۳. اختلاف نظر در تعیین مرجع رتبه بندی
۴۴	۴-۳-۴. مشکلات مربوط به رویه فعلی صدور کارت بازرگانی:
۴۵	۴-۳-۵. نحوه مواجهه دولت با موضوع واگذاری کارت بازرگانی
۴۶	۴-۳-۶. مجازات جرم استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر
۴۸	۴-۳-۶. علل تجار جهت سوء استفاده از کارتهای بازرگانی یک بار مصرف
۵۰	۴-۳-۷. جمع بندی و پیشنهادها
۵۱	۵. تحلیل الگو و ساختار تجارت خارجی ایران و نقش و مداخلات دولت



۵۵	۱-۵. الگو و ساختار کلی تجارت ایران
۵۷	۱-۱-۵. تحلیل الگو و ساختار تجارت غیرنفتی ایران
۶۰	۱-۲-۵. روند رابطه مبادله تجارت کالاهای غیرنفتی ایران
۶۲	۲-۵. تحلیل الگو و ساختار صادرات غیرنفتی ایران
۶۲	۱-۲-۵. ساختار صادرات به تفکیک بخش‌های عمده طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹
۶۳	۲-۲-۵. ساختار صادرات غیرنفتی بر حسب اقلام عمده صادراتی
۶۵	۳-۲-۵. تحلیل الگو و ساختار صادرات غیرنفتی بر حسب مهم‌ترین شرکای صادراتی
۶۷	۳-۵. واردات ایران
۶۷	۱-۳-۵. ساختار واردات بر حسب نوع مصرف
۶۹	۲-۳-۵. تحلیل الگو و ساختار واردات بر حسب اقلام عمده وارداتی
۷۱	۳-۳-۵. تحلیل الگو و ساختار واردات بر حسب مهم‌ترین مبادی وارداتی
۷۲	۴-۳-۵. تحلیل تمرکز بالای شرکای تجاری خاص در مبادلات تجاری (صادرات و واردات)
۷۳	۴-۵. تحلیل الگو و ساختار تجارت غیررسمی (قاچاق)
۷۵	۵-۵. تحلیل الگو و ساختار صادرات (تنوع کالایی و ترکیب بنگاه‌های صادراتی: خصوصی و دولتی)
۷۶	۶. تحلیل آثار سرمایه مستقیم خارجی بر ساختار تجارت خارجی
۸۰	۷. ساختار رقابت در تجارت خارجی ایران
۸۳	منابع و مآخذ



چکیده

جنبه‌های مختلفی دارد که مفهوم خاص آن در تمایز ساختار بازارها در طیف رقابت تا انحصار است. البته رقابت یک مفهوم تطبیقی نیز دارد که توانایی یا عملکرد یک شرکت، بنگاه اقتصادی، یک بخش اقتصادی یا یک کشور را در زمینه عرضه کالا یا خدمات به یک بازار مشخص نشان می‌دهد. امروزه رقابت مفهوم و حوزه چندسطحی/ لایه و گسترده‌تری دارد و در تبیین آن ده‌ها عامل دخالت دارند. رقابت مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کنند. سطح بهره‌وری نیز به نوبه خود سطح رفاه مردم را در کشورها مشخص می‌کند. به دیگر بیان می‌توان گفت اقتصادهایی که رقابت پذیرتر هستند، سطح بالاتری از رفاه را برای شهروندان به ارمغان می‌آورند.

پژوهش حاضر در شش محور شامل «رقابت جهانی اقتصاد بین الملل ایران»، «رقابت در الگوی تجارت صنعتی ایران»، «سیاست تجاری با تاکید بر کارکرد مجوزها»، «تحلیل الگو و ساختار تجارت خارجی ایران: نقش و مداخلات دولت»، «آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر ساختار تجارت از رویکرد رقابت» و «ارتباط سیاست تجاری با سیاست‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی از منظر رقابت» مطابق به روزترین آمار در دسترس تحلیل و ارزیابی می‌شود.

۱) از مطالعه رقابت اقتصاد ایران نتیجه می‌شود اقتصاد بین الملل ایران ضعف جدی در رقابت جهانی داشته و مسیر حرکت آن در یک دهه گذشته رو به تنزل (افول) بوده است. موقعی رقابت مناسب برای اقتصاد بین الملل ایران تحقق می‌یابد که وضعیت ۱۲ مولفه توأمان هم جهت و همسو با وضع مطلوب باشند؛ در واقع «نهادهای کارآمد»، «زیرساخت‌های گسترده و مناسب»، «ثبات محیط اقتصاد کلان»، «بهداشت و آموزش با کیفیت»، «مهارت‌ها و دانش تخصصی بالا و با کیفیت»، «کارآمدی بازار کالا»، «کارایی و انعطاف پذیری بازار کار»، «بازار مالی توسعه یافته»، «سطح بالای آمادگی جذب فن آوری»، «بزرگی اندازه بازارها و تخصصی شدن تجارت»، «کسب و کارهای پیچیده و توسعه یافته» و «خلاقیت و نوآوری» در جامعه نهادینه و درون‌زا شده باشد. حال آنکه طی دهه اخیر بسیاری از این مولفه‌ها برای ایران بدتر شده است.

۲) ارزیابی از عملکرد رقابت صنعتی (CIP) ایران، ابعاد سه‌گانه و ۸ زیرشاخص آن در مقیاس جهانی و حتی منطقه‌ای، گویای فاصله و شکاف بالا از آنچه که هست و آنچه که باید باشد، را نشان می‌دهد. این شکاف و فاصله در شاخص CIP ریشه در سه مولفه ظرفیت تولید و صادرات کالاهای صنعتی، روزآمدی و تعمیق فناوریانه صنعتی و نفوذ جهانی در صنایع ایران دارد. با وجود آن که در سه دهه گذشته شاخص CIP ایران پرنوسان و بی ثبات بوده و چشم‌انداز آن مناسب ارزیابی نمی‌شود. چراکه بیم آن می‌رود با انواع محدودیت‌های فراروی



اقتصاد صنعتی ایران بویژه با تشدید تحریم‌ها، چشم‌انداز CIPI ایران نامساعدتر شود. دستکم ۱۲ مولفه شامل استعداد، سیاست‌ها و زیرساخت‌های نوآوری، مزیت هزینه‌ای، سیاست‌های انرژی، زیرساخت‌های فیزیکی، چارچوب قانونی، بهره‌وری نیروی کار، شبکه تامین‌کنندگان، زیرساخت‌های آموزشی، نظام اقتصادی-تجاری-مالی و مالیاتی، جذابیت بازارهای محلی و نظام بهداشت، عملکرد رقابت صنعتی، جابجایی و ارتقای رتبه CIPI کشورها تاثیرگذار است. مجموعه عواملی که در جذب فناوری و نوآوری بالا، افزایش عملکرد صادرات و رقابت تعیین‌کننده بوده، عبارتست از: عوامل تولید قابل دسترس، سیاست‌های دولت، کیفیت آموزش و نظام آموزشی و زیرساخت‌ها. بنابراین به منظور ارتقای شاخص CIPI ایران تمهیدات، تدابیر و سیاست‌های مناسب در هر ۴ مجموعه عوامل پیش‌گفته صورت پذیرد. برای بهبود، لازم است که سیاست‌ها و اقدامات موجود در کشور مورد بازبینی، و «بازبینی نقش و کارکردهای سازمان مالکیت معنوی برای توسعه دانش بنیان»، «اهرم سازی FDI برای توسعه فناوری»، «تقاضا محورکردن برنامه‌های دانشگاهی»، «پیاده سازی نظام نامه پیوست فناوری» و «تقویت تنظیمات بخش مستقل» توجه جدی شود؛ نهایتاً ارتقای شاخص CIPI و ابعاد سه‌گانه آن برای ایران تا ۳۰ رتبه بهبود، مستلزم به‌کارگیری عوامل بنیادین بهره‌وری، فن‌آوری و نوآوری با حذف انواع موانع پیش‌رو فعلیت یافتن ظرفیت تولید و صادرات صنایع محقق می‌شود.

۳) سازمان جهانی تجارت مهم‌ترین نهاد بین‌المللی است که بر فعالیت‌های اقتصادی و خصوصاً تجاری کشورها اثرگذار است. هدف این سازمان ایجاد یک نظام قانونمند تجاری بین اعضا برای افزایش اشتغال، درآمد، تقاضای موثر و سطح زندگی در محیطی قابل پیش‌بینی، مطمئن و شفاف عنوان شده به طوری که توسعه تجارت روندی پایدار داشته و با حفظ محیط زیست مغایر نباشد. از سه دهه گذشته، ایران گام‌های بلندی در جهت نزدیک کردن نظام تجاری با مقررات این سازمان که هم‌اکنون به یکی از بزرگترین و مؤثرترین نهادهای بین‌المللی در زمینه سیاستگذاری تجارت جهانی تبدیل شده، آغاز کرده است. در این راستا و به منظور تعامل توسعه‌مند با اقتصاد جهانی و نظام تجاری چندجانبه، ایران طی سال‌های اخیر اقدامات مثبت و تاثیرگذاری را در عرصه تجارت و اقتصاد کشور انجام داده که از آن جمله می‌توان به اقداماتی نظیر حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن به معادل‌های تعرفه‌ای، تصویب قانون تجمیع عوارض وارداتی، حذف بیش از ۹۰ درصد مجوزهای ورود، تجدیدنظر در قانون مالیات‌های مستقیم، کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکتها، تصویب قانون سرمایه‌گذاری خارجی، تصویب قانون تجارت الکترونیک، اصلاح مقررات صادرات و واردات، تسهیل تجاری و راه‌اندازی مرکز اطلاع‌رسانی بازرگانی، ایجاد مدیریت و نظام تک‌نرخ ارز، مکانیزه کردن امور گمرکی، تدوین رژیم تجاری و پیگیری مذاکرات ترجیحی تجارت آزاد در سطح دوجانبه و منطقه‌ای و تنظیم برنامه‌های توسعه، اشاره کرد.



۴) از چالش‌های اساسی سیاست تجاری کشور، ناهماهنگی سیاستهای اقتصادی و همسوسازی آنها، بویژه سیاست تجاری نامناسب، بی‌ثباتی ارز و نظام ارزی ناهماهنگ و نرخ بالای تورم است که مطالعات متعددی بر این موضوع صحنه گذاشته‌اند. در میان سیاستهای اقتصادی مرتبط با تجارت، سیاستهای ارزی، پولی و مالی نقش برجسته‌ای ایفاء می‌نمایند. این سیاستها ضمن تاثیرگذاری بر یکدیگر آثار خود را بر پیشبرد یا متوقف‌سازی اثرات سیاست تجاری بر جای می‌گذارند. از این رو سازگاری بین سیاستها از پیچیده‌ترین اقدامات اقتصادی در عرصه سیاستگذاری با توجه به اهداف برنامه‌های توسعه است. در سالهای پس از انقلاب و تاکنون، در بسیاری مقاطع رژیم ارزی کشور بر مبنای نظام چند نرخي استوار بود که همین امر شکاف بین دو نرخ ارز رسمی و بازار آزاد را در طول زمان افزایش می‌داد، به نحوی که اختلاف بین این دو نرخ در برخی ادوار به بالاترین حد رسیده است. آنچه در رژیم ارزی فعلی حائز اهمیت است، پایداری نرخ ارز و نحوه تعدیل یا مدیریت آن در شرایط تورمی است. حتی در شرایط تحقق درآمدنفتی برای تثبیت نرخ ارز و در صورت عدم کنترل تورم داخلی، قیمت کالاهای داخلی در مقایسه با واردات افزایش یافته و در نهایت تقاضا برای واردات افزایش می‌یابد؛ و ضرورت کسب درآمد ارزی بیشتری را بوجود می‌آورد. از دیگر سو، افزایش قیمت‌های داخلی منجر به افزایش هزینه تولید و بالا رفتن قیمت صادرات غیرنفتی، مشکلات رقابتی در عرصه بین‌المللی و کاهش صادرات در دهه ۱۳۹۰ منجر گردید. بدین ترتیب با توجه به شرایط تورمی در جامعه، دو نگرش عمده وجود دارد؛ نگرش اول آنکه در چنین شرایطی سیاست افزایش نرخ برابری ارز که آثار آن در بهبود تراز پرداختها (افزایش صادرات و کاهش واردات) ظاهر می‌شود، دنبال شود. در مقابل مخالفین این سیاست معتقدند که حتی اگر در کوتاه‌مدت بهبود در تراز پرداخت صورت گیرد، پایدار نخواهد بود و در بلندمدت به وخیم‌تر شدن تراز پرداختها می‌انجامد به‌ویژه آنکه ۸۵ درصد واردات کشور را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهند و افزایش نرخ ارز منجر به افزایش قیمت کالاهای تولیدی و از جمله کالاهای صادراتی رقابت‌پذیر می‌شود. با توجه به مجموعه مطالعات، کنترل تورم در مقایسه با تعدیل نرخ ارز از اولویت بالاتری برخوردار بوده و همین امر ضرورت اتخاذ سیاست پولی و مالی مناسب و سازگار با سیاست تجاری منطقی را به وجود می‌آورد.

۵) در خصوص تحلیل کارکرد مجوزهای مربوط به بازیگران تجارت: کارت بازرگانی، ثبت سفارش و نقش دولت در شکل‌گیری انحصار در حوزه تجارت، هم‌اینک شرط دسترسی به بازار خارجی، منوط به داشتن کارت بازرگانی است. در راستای رفع مشکلات مربوط به تقاضای تجار برای استفاده از کارت‌های بازرگانی یک‌سال مصرف (اجاره‌ای و متعلق به دیگران)، پیشنهادات چندی می‌توان ارائه نمود که توجه دولت بدانها ممکن است حداقل بخش مهمی از نقایص فعلی را از بین ببرد. ۱) حذف صدور کارت‌های بازرگانی و



امتیازات متعلقه بدان، می‌تواند از بروز مشکلات به صورت گسترده جلوگیری نماید. هرچند این نظریه، در کشور مخالفان جدی‌ای دارد که شرایط ویژه کشور را بهانه و دستاویز لزوم توسل به الزام صدور کارت بازرگانی می‌نمایند. اما واقع قضیه آن است که این عده صرفاً به دنبال سیطره دولت بر اقتصاد و بخش بازرگانی خارجی کشور بوده و نمی‌خواهند حرکت‌های مربوط به آزادسازی اقتصادی و تجاری موفقیتی کسب نماید. ۲) همانطور که از بررسی مشکلات به وجود آورنده در رابطه با صدور و تمدید کارت بازرگانی، قابل درک است، حتی در این مساله خرد ظهور پدیده کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای و تضییع حقوق دولت از جانب تجار که شامل فرار مالیاتی، قاچاق سازمان‌یافته، عدم انجام تعهدات ارزی و غیره می‌شود، این امر معلول عواملی دیگر از جمله سیاست‌های معیوب ارزی و تجاری، محیط کسب و کار نامناسب، محیط مقرراتی پیچیده و مبهم و امکان بهره‌برداری اشخاص از کارت سایرین در قالب وکالت‌نامه و صلح‌نامه، علیرغم نامه‌های رسمی دولت و اقدام انجام شده در این خصوص، است. بنابراین اقدام‌های ضروری دولت برای ایجاد ثبات و بهبود محیط کسب و کار در سطح کلان از جمله اصلاح محیط کسب و کار، ثبات قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت اقتصادی و تجاری، اصلاح سیاست تجاری و ارزی، اصلاح رویه‌ها و فرآیندهای جاری در امر صادرات و واردات و کاهش زمان و هزینه تجارت فرامرزی و پیشنهادهایی عملیاتی در سطح خرد مانند اهلیت سنجی متقاضیان کارت بازرگانی، از اقدامات اصلی است که جهت پیشگیری از بروز چنین مشکلاتی لازم الاجرا هستند. ۳) اما با فرض ضرورت صدور و تمدید کارت بازرگانی و در واقع به عنوان ارایه راه حل بهینه دوم، تکمیل الکترونیکی کردن سامانه‌های مورد استفاده دستگاه‌های مختلف (به ویژه سازمان‌های مالیات، گمرک و تامین اجتماعی) مرتبط با صدور و تمدید کارت بازرگانی، علاوه بر کاهش بروز فساد، گامی موثر در راستای کاهش زمان جهت صدور و تمدید کارت بازرگانی با فراهم نمودن امکان محاسبات دقیق ترو به روز ترو گرفتن استعلام به صورت برخط می‌تواند بخشی از این چالش را رفع نماید.

۶) تحلیل الگو و ساختار تجارت خارجی ایران و نقش و مداخلات دولت گویای آن است که: چند سال تحریم‌های یک و چند جانبه شدید علیه اقتصاد ایران اعم از زیرساخت‌های نظام‌های بانکی، بیمه‌ای و حمل و نقل، ساختار واردات و صادرات غیرنفتی را دچار تغییرات جدی کرده است. با چنین شرایطی در فضای بین‌المللی، بررسی و تحلیل ساختار رقابت تجارت خارجی ایران نشان می‌دهد که حجم کل تجارت کالایی غیرنفتی از منظر میزان، ارزش، ارزش واحد به خصوص رابطه مبادله یک دهه گذشته روبه افول است. این کاهش و افول چشمگیر در منافع تجارت خارجی ایران متأثر از ضعف کلی و خاص در ساختار رقابت تجارت ایران در سطوح، لایه‌ها، ابعاد و جنبه‌های مختلف و متنوعی است. در این بین اوضاع ساختار رقابت در تجارت خارجی ایران بمراتب نامناسب‌تر نیز شده است، به طوری که نه تنها اندازه بخش خارجی اقتصاد و



صادرات غیرنفتی کوچک‌تر شده است، بلکه همچنان صادرات غیرنفتی از مجموعه‌ای ضعیف‌های بنیادین از جمله بسته‌تر شدن تجارت، فقدان مزیت رقابتی، فقدان تنوع کالایی، سهم نازل کالاهای صنعتی با فناوری بالاتر، فقدان تنوع شرکا، تداوم افزایش هزینه مبادله و افول انواع رابطه مبادله (قیمتی و درآمدی) تجارت ایران رنج می‌برد.

۷) در یک دهه منتهی به سال ۱۴۰۰ تجارت خارجی ایران دستخوش تحولات اساسی چند وجهی و چند لایه مختلف شده است. این مجموعه عوامل قدرت رقابت تولید داخلی را بیشتر کاهش داده و موجب از دست رفتن بازارهای صادراتی شده است؛ این امر در بلندمدت منجر به بدتر شدن رابطه مبادله و تضعیف تجارت ایران در سطح بین‌الملل و حتی منطقه‌ای شده است. از آنجا که ایران صادرکننده مواد خام اولیه و محصولات واسطه‌ای و نیمه‌ساخته است، بنابراین صادرات و متعاقباً تجارت ایران متأثر از کاهش تقاضای جهانی، کاهش یافته است. از طرفی دیگر ریسک‌های عملیاتی نظیر تعطیلی کسب و کارها و گمرکات، سختی جابه‌جایی و تامین مالی و توقف حوزه خدمات پشتیبانی (لجستیک) و نظایر آن مزید بر علت شده و از کانال افزایش قیمت جهانی اغلب محصولات به دلیل کاهش تولید و به تبع آن کاهش تقاضا، باعث کاهش تقاضا و ارزش تجارت ایران شده است. چنین روندی می‌تواند مبین ضعف زیرساخت‌های تجارت (لجستیک، ترانزیت، بیمه، بازاریابی، حفظ ماندگاری در بازار و نظایر آن)، فقدان استراتژی توسعه تجارت به‌ویژه راهبرد توسعه صادرات، ضعف دیپلماسی اقتصادی-تجاری فعال و پویا و توجه ناکافی به اهمیت تجارت در اقتصاد ایران باشد. درکنار این تغییرات، تحریم‌های یک و چندجانبه شدید علیه تجارت ایران اعم از نظام بانکی، بیمه‌ای و حمل و نقل، ساختار واردات و صادرات را دچار تغییرات جدی کرده است. بنابراین با توجه به تحولات جهانی و تحریم‌ها که عمده‌آثار آن از کانال تجارت بر کشور وارد می‌شود، بررسی عملکرد تجارت در یک دهه گذشته نشان می‌دهد که تحولات چشمگیر قابل توجه روبه کاهشی در این بخش رخ داده که این موارد را می‌توان در تجارت، صادرات غیرنفتی، واردات و تراز تجاری کشور مشاهده کرد.

۸) از مطالعه الگو و ساختار کلی تجارت ایران و از دلایل اصلی افت تجارت ایران طی این سالها علاوه بر مسائل تحریم، تضعیف بنیان‌های تولیدی و به خصوص سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به دلیل استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی و سرکوب توان تولید داخلی، خروج سرمایه و جهش ارزی بوده است. جهش‌های نرخ ارز از طرفی موجب افزایش هزینه مبادله و افزایش هزینه تامین مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید شده است و هر میزان تولید داخلی به این نوع واردات وابستگی بالایی داشته باشد، قدرت رقابت تولید داخلی را بیشتر کاهش می‌دهد و موجب از دست رفتن بازارهای صادراتی می‌شود؛ از طرف دیگر جهش ارزی با ایجاد نااطمینانی در وضعیت بازارها موجب بی‌ثباتی در واردات نیز می‌شود. این امر در بلندمدت منجر به



بدترشدن رابطه مبادله و تضعیف تجارت ایران در سطح بین‌الملل و حتی منطقه‌ای شده است. با بررسی سهم تجارت ایران از تجارت جهانی طی دهه ۱۳۹۰ نتیجه می‌شود سهم ایران از تجارت جهانی با نوسان روبه کاهش بوده و پس از سال ۱۳۹۷ وضعیت تجارت بدتر شده و سهم ایران از تجارت جهانی در سال ۱۳۹۹ به ۲۱۴ درصد سقوط کرده است. چنین روندی می‌تواند مبین ضعف ساختار رقابت کلی تجارت ایران از کانال‌هایی از جمله زیرساخت تجارت (لجستیک، ترانزیت، بیمه، بازاریابی، حفظ ماندگاری در بازار و نظایر آن)، فقدان استراتژی توسعه تجارت به‌ویژه راهبرد توسعه صادرات، ضعف دیپلماسی اقتصادی-تجاری فعال و پویا و توجه ناکافی به اهمیت تجارت در اقتصاد ایران باشد.

۹) تحلیل الگو و ساختار تجارت غیرنفتی ایران و عوامل ساختاری و چرخه‌ای خاص کشورها از جمله تغییر مواضع سیاست پولی در اقتصادهای توسعه‌یافته، تکانه‌های بزرگ اقتصادی، نوسانات مالی و عدم اطمینان ناشی از برگزیت در اتحادیه اروپا نیز در این کاهش تجارت سهم داشته‌اند. بنابراین تغییرات ساختاری رابطه بین تجارت و رشد در سطح بین‌الملل بعد از بحران مالی جهانی و حرکت اقتصادهای بزرگ به سمت حمایت‌گرایی و استفاده بیشتر از اقلام داخلی در توسعه صادرات، صحنه تجارت را با واقعیت‌های جدیدی روبرو ساخته است که کاهش سرعت تجارت جهانی و میزان رشد آن از نمودهای عینی آن است. در کنار این تغییرات، چند سال تحریم‌های یک و چندجانبه شدید علیه تجارت ایران اعم از نظام‌های بانکی، بیمه‌ای و حمل‌ونقل، ساختار واردات و صادرات غیرنفتی کشور را دچار تغییرات جدی کرده است. بررسی ابعاد تجارت حجم کل مبادلات (تجارت) کالایی غیرنفتی ایران از منظر میزان و ارزش، حجم صادرات کالا با احتساب میعانات‌گازی از منظر میزان و ارزش، حجم واردات ایران از ابعاد ارزشی، مقداری و ارزش واحد، تراز تجاری، حساب جاری (تراز تجاری)، شاخص باز بودن تجاری، زنجیره‌های ارزش جهانی: بررسی روند تجارت و زنجیره‌های ارزش جهانی حکایت از بروز تغییرات ساختاری ژرف در وضعیت تجارت جهانی دارد و ضرورت دارد این تغییرات در تحولات ساختاری تجارت کشور مورد توجه قرار گیرد. اخیراً زنجیره‌های ارزش پیچیده‌ای شکل گرفته و فرآیند جهانی‌شدن به نقطه عطف خود رسیده است. عوامل مهمی که در وقوع این تغییرات اثرگذار هستند شامل رشد سهم مصرف در بازارهای نوظهور، کاهش وابستگی اقتصادهای نوظهور به واردات کالاها و نهادهای واسطه‌ای به دلیل ایجاد زنجیره‌های تأمین داخلی فراگیر و تأثیر فناوری نوین بر تغییر شکل زنجیره جهانی ارزش است. توسعه صادرات غیرنفتی نیازمند ظرفیت‌سازی در زنجیره‌های ارزش محصولات رقابت‌پذیر و بهبود فضای کسب‌وکار است. ظرفیت‌سازی در زنجیره‌ها مستلزم حمایت از شرکت‌ها و پروژه‌های بزرگ صادراتی است. ایجاد و توسعه چنین پروژه‌هایی برای کسب تکنولوژی و دانش فنی، به جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی در این زنجیره‌ها نیاز است. بدیهی است مشارکت در زنجیره‌های ارزش و جذب



سرمایه‌های خارجی، انتقال تکنولوژی و دانش فنی نیازمند توجه به دیپلماسی تجاری و تنش‌زدایی در روابط سیاسی و اقتصادی با جهان است. بر این اساس باید متذکر شد که اگرچه تجارت جهانی در کل به سمت ادغام و درهم‌تنیدگی بیشتری پیش رفته است، منتهی تجارت ایران در این سال‌ها در معرض عوامل محیطی بسیاری قرارگرفت و تمامی این تحولات با افزایش عدم قطعیت‌ها، نااطمینانی‌ها و ریسک تجاری، توسعه همکاری و گسترش روابط تجاری ایران را با سایرکشورها تحت الشعاع قرار داده است. برقراری روابط تجاری میان ایران و جهان، افزایش فرایندهای تجاری بعثت افزایش زمان تجارت و هزینه مبادله و همچنین سخت‌تر شدن فرایندهای مالی و بانکی چالش‌های مهم تجارت ایران به واسطه تحریم‌ها بوده است. بعلاوه دولت سیاست‌هایی را به منظور مدیریت منابع ارزی و واردات کشور در پیش گرفت که این سیاست‌ها نیز آثاری را بر حوزه تجارت داشت. اهم این موارد شامل تخصیص دلار ۴۲۰۰۰ ریالی به واردکنندگان قانونی و جلوگیری از عرضه ارز توسط صرافی‌ها با هدف کاهش تقاضای ارز از طریق ممانعت از تبدیل دارایی به ارز، محدودیت استفاده از ارز متقاضی و ارز موردنیاز واردات غیررسمی، ممنوعیت ثبت سفارش، اولویت‌بندی کالا در ۴ گروه مختلف، پیمان‌سازی ارزی و راه‌اندازی بازار ثانویه ارز، قیمت‌گذاری و نظارت بر توزیع کالا و نظایر آن است.

۱۰) روند ابعاد رابطه مبادله تجارت کالاهای غیرنفتی ایران گویای تداوم رابطه مبادله کمتر از یک و کاهش آن نسبت به میانگین دوره، به معنای صادرات کالاهای خام و دارای ارزش افزوده پایین‌تر در مقابل واردات کالاهای با ارزش افزوده بیشتری است. بنابراین بسیار اهمیت دارد در سیاست‌های اقتصادی به صادرات کالا با ارزش افزوده بالاتر توجه ویژه‌ای صورت پذیرد. چهارم، این واقعیت به خوبی بیانگر عدم تحقق شرط مارشال-لرنر در تجارت خارجی ایران و متضررشدن آن در نتیجه جهش‌های ارزی است که در ادبیات تجارت بین‌الملل از آن عدم نفع، به «رشد قهقرا» نام برده شده است.

۱۱) تحلیل الگو و ساختار صادرات غیرنفتی ایران و ساختار صادرات به تفکیک بخش‌های عمده بی‌تردید این ترکیب صادرات و تغییرات آنها که اساساً مبتنی بر منابع طبیعی و سوختی خدادادی است و نظر به فقدان پیچیدگی‌های محصولی، نمی‌توانند برای کشور به رشد درونزا منجر شود؛ در واقع تجارت رشد اقتصادی را حمایت نمی‌کند. مضافاً اشتغال‌زایی پایینی داشته و به بهبود اشتغال در بازار کار نیز منجر نمی‌شود. بعلاوه، ساختار صادرات غیرنفتی بر حسب اقلام عمده و ماهیت اقلام و ساختار تجاری با تمرکز بالا، قدرت چانه‌زنی پایین و آسیب‌پذیری بالای تجارت غیرنفتی ایران را نشان می‌دهد. «فقدان تنوع در اقلام صادراتی با ارزش بالا» و «ضعف عمومی در توانمندی بنگاه‌های صادراتی» از عمده علل توسعه‌نیافتگی در بازارهای هدف صادراتی است. جدا از این موارد، تعاملات تجاری با کشورها، تنش‌زدایی با دنیا، برقراری روابط کارگزاری بانکی با کشورهای هدف، ثبات اقتصادی به‌ویژه در سیاست ارزی، بهبود زیرساخت تجاری و نظایر آن سایر

دلایل مهم تأثیرگذار بر ترکیب صادرات و رقابت پذیری کشور هستند.

۱۲) تحلیل الگو ساختار صادرات غیرنفتی برحسب مهم‌ترین شرکای صادراتی گویای آن است که چین، عراق، امارات، ترکیه و افغانستان سهم ۷۴ درصد از صادرات غیرنفتی دارند که در مقایسه با سال قبل، ۶۳ واحد درصد متمرکزتر شده است. نزدیک سه چهارم از صادرات غیرنفتی منحصراً روانه این پنج بازار می‌شود که وابستگی بالای صادرات غیرنفتی را نشان می‌دهد. تمرکز بیش از حد مناطق هدف صادراتی ایران، آسیب‌پذیری صادرات کشور را افزایش می‌دهد و بدیهی است که در این حالت قدرت چانه‌زنی فعالان و تجار را در این بازارها به مراتب کاهش می‌دهد. مضافاً نظر به این‌که هم‌اینک کالاهای صادراتی با قیمت و ارزش واحد نازل جایگاه مسلط در صادرات غیرنفتی ایران دارند، حداقل بخش مهمی از مسیر توسعه از تحولات و اصلاحات ساختاری صادرات ایران می‌گذرد. طی دوره صادرات ایران به اتحادیه اروپا از لحاظ ارزش واحد صادراتی حداقل دو برابر سایر مناطق و بلوک‌ها بوده است. این ارزش واحد بالای صادراتی ریشه در ماهیت و ساختار صادرات دارد. مضافاً از دیدگاهی می‌توان عنوان داشت که ارتباط تجاری با اتحادیه اروپا نظر به بازاری کاملاً متمایز، همیشه می‌تواند به نفع ایران باشد. درواقع تجارت با آن آثار سرریز و ابعاد جانبی مثبت بالاتری دارد.

۱۳) تحلیل الگو و ساختار واردات برحسب مهم‌ترین مبادی گویای آن است که چین، امارات، ترکیه، هندو آلمان عمده مبادی وارداتی ایران بودند. عمده مبادی وارداتی ایران چین (۲۵)، امارات (۲۵) و ترکیه (۱۱/۳) (جایگزین کره جنوبی)، هندو آلمان، که ۷۲ درصد از واردات سهم دارند که نسبت به سال ۱۳۹۸ (۶۵/۸ درصد)، ۶۲ واحد درصد متمرکزتر شده است. تشدید تحریم‌ها بر روند تجارت با شرکای تجاری آثاری ملموس و متفاوتی را به همراه داشته است. واردات از عمده کشورها در این سال‌ها با کاهش روبرو شد. وابستگی بالای تولیدات در داخل به واردات انواع مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای از مجاری است که با اعمال تحریم‌ها اقتصاد ایران را در معرض تهدیدات بالقوه‌ای قرار می‌دهد. سهم بیش از ۸۰ درصدی این کالاها از واردات گواهی بر این مدعا است. ضمن آنکه لازم است تبعات غیرمستقیم تحریم در تأمین نهاده‌های اولیه و واسطه‌ای از مبادی که از کیفیت پایینی برخوردار بودند را نیز مورد توجه قرارداد. درحالی‌که تأمین نهاده‌های تولید از کشورهای پیشرفته به دلیل اثرات سرریز آن سبب انتقال بهره‌وری در کیفیت محصول نهایی تولیدشده در کشور می‌شوند، تأمین نهاده‌های تولید از سایر مبادی، سبب کاهش کیفیت محصول نهایی و آسیب‌پذیری تولید داخل می‌شود. برای نمونه کاهش کیفیت تولید دارو و خودرو از مصادیق آن هستند. بنابراین ترکیب واردات تغییر چندانی نداشته باشد اما تغییر مبادی، کیفیت کالاهای وارداتی و محصول نهایی را نیز متأثر می‌سازد. همچنین، تحلیل الگو و ساختار واردات برحسب اقلام عمده وارداتی گویای آن است که بخش

قابل توجهی از اقلام مورد اشاره اقلام کالاهای حساس و ضروری و مواد اولیه کشاورزی مرتبط با امنیت غذایی و معیشت جامعه، قطعات صنایع تولید خودرو و اقلام گلوگاهی در زنجیره تولید محصولات پایه فلزی است. بنابراین، تحریم‌ها سبب شده تا اقلام حیاتی و ضروری در صدر واردات کشور قرارگیرند.

۱۴) تحلیل تمرکز بالای شرکای تجاری خاص در مبادلات تجاری (صادرات و واردات) نتیجه می‌شود که تمرکز بالا بر شرکای تجاری خاص در صادرات و واردات از چالش‌های فراروی تجارت کشور است. در مقابل این، متنوع‌سازی شرکای تجاری می‌تواند فرصتی برای توسعه تجارت تلقی شود. مطابق نظریه‌های تجارت نوین از جمله نظریه‌های رشد درونزا، عواملی همچون گوناگونی تولید و صادرات را که نشأت گرفته از علایق مصرف‌کنندگان است، می‌توان عاملی برای رشد و بهبود در بهره‌وری دانست. بمنظور کاهش بی‌ثباتی عملکرد اقتصاد، سیاستگذاران باید به گونه‌ای باشد که نوسانات زیاد در تنوع تولید و صادرات را کاهش، و حتی المقدور در آنها هماهنگی و نظم نسبی فراهم نماید. جهت‌گیری به سیاست‌های تنوع تولید به همراه عواملی همچون سرمایه فیزیکی و انسانی آثار مهمی را بر رشد و بهره‌وری کل عوامل تولید دارد. پس در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، علاوه بر اهمیت دادن به سرمایه فیزیکی به عوامل دیگر سرمایه انسانی، تنوع تولید و تغییرات فناوری توجه شود. تنوع در مبادلات تجاری بر بهره‌وری کل عوامل تولید آثار مثبت معنی‌داری دارد، بنابراین لازم است که در مبادلات به تنوع در ترکیب کالاهای وارداتی و صادراتی و در ترکیب شرکای تجاری توجه شود.

۱۵) تحلیل الگو و ساختار تجارت غیررسمی (قاچاق) و روند ورودی و خروجی آن در مقایسه با تجارت رسمی در دهه ۱۳۹۰ و تغییرات آن، نشان می‌دهد نسبت ارزش کل قاچاق به تجارت رسمی کشور از ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۶ درصد در ۱۳۹۹، به طور متوسط سالانه ۹ درصد کاهش یافته است. این نسبت بیانگر این واقعیت است که به دلیل افزایش نرخ ارز طی دوره و افزایش بهای عمومی کالاهای وارداتی میزان قاچاق کالاهای ورودی به واردات کالاها از ۳۵ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۳۲ درصد در ۱۳۹۹ کاهش یافته است. با توجه به سهم قابل توجه قاچاق از تجارت و نظر به گستردگی ورود کالاهای مختلف از این کانال، بیانگر این مهم است که نخست محیط تجارت رسمی تسهیل، و از تغییر مکرر قوانین و درخواست مجوزهای متعدد برای ورود کالا از مسیر قانونی جلوگیری شود و دوم، تلاطمات بازار و نوسان‌های نرخ ارز کنترل شود. در تجارت غیررسمی مشخصه‌های محیط اقتصادکلان در نوسان نرخ ارز، سیاست تجاری بویژه انواع محدودیت غیرتعرفه‌ای خلق‌الساعه، افزایش اختلاف قیمت داخلی و خارجی، افزایش هزینه تولید و هزینه مبادله در تجارت چالش‌های مهم پیش‌رو شناخته می‌شوند. با این وجود افزایش تعرفه برخی کالاهای وارداتی با هدف حمایت از تولید داخلی و وضع ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها برای ثبت سفارش و ورود کالا و نوسان ارزی

به افزایش قاچاق منجر شد و ضرورت دارد سیاست تسهیل و بهبود رویه در بازار سیاست تجاری و روش حمایت از تولید داخلی مدنظر قرار گیرد.

۱۶) تحلیل الگو ساختار صادرات (تنوع کالایی و ترکیب بنگاه‌های صادراتی: خصوصی و دولتی) نشان می‌دهد که تنها تعداد ۰/۲ درصد از کل اقلام صادراتی (۹ ردیف تعرفه) ارزش ۱۲,۷ میلیارد دلار (با سهم ۲۹ درصدی در صادرات) را در اختیار دارند که این میزان تنها توسط سه شرکت دولتی صادر می‌شوند. در عین حال، هیچ شرکت خصوصی بیش از یک میلیارد دلار صادرات نداشته است. «فقدان تنوع در اقلام صادراتی با ارزش بالا» و «ضعف عمومی در توانمندی بنگاه‌های صادراتی» از عمده علل توسعه نیافتگی بازارهای صادراتی ایران است. جدا از این موارد، تعاملات تجاری با منطقه و کشورها دوست، تنش زدایی با دنیا، برقراری روابط کارگزاری بانکی با کشورهای هدف، ثبات اقتصادی به ویژه در سیاست ارزی، بهبود زیرساخت نرم و سخت و نظایر آن دلایل مهم تأثیرگذار بر ساختار و الگوی صادرات و رقابت پذیری تجارت کشور است.

۱۷) تحلیل آثار سرمایه مستقیم خارجی بر ساختار تجارت خارجی گویای آن است که الگو و ساختار تجارت ایران دهه ۱۳۹۰ عملکرد و کارنامه مناسب و قابل دفاعی نداشته است. از عوامل کلیدی در عقب ماندگی تجارت ایران، عدم تعامل توسعه ایران با جهان و فقدان جذب سرمایه گذاری مولد و کارآمد است. دولتهای بسیاری از کشورهای در حال توسعه به طور فزاینده‌ای در جستجوی بهترین سیاستها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند و این امر به دلیل آثار مثبت مرتبط با آن است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در عین این که می‌تواند آثار مثبتی نظیر دسترسی به بازار، دستیابی به فن‌آوری مدرن، تامین مالی و غیره داشته باشد، اما می‌تواند اثرات منفی نیز به همراه داشته باشد. علاوه، آثار مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور خودکار برای کشور میزبان تسری نمی‌یابد و بستگی به سیاستهای اتخاذ شده توسط کشورها در زمان و مکان مناسب، و دیگر عوامل دارد. در واقع، حجم بالایی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به خودی خود برای برآوردن اهداف ایجاد رشد و کاهش فقر کافی نمی‌باشد. این که هر کشور باید چه سیاستی را اتخاذ نماید بستگی به ویژگیهای خاص آن کشور، اهداف کشور از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و استراتژی اتخاذ شده دارد. البته عوامل مشترکی نیز برای تمامی کشورها موجود است. سیاستهای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیبی از سیاستها است که باید متناسب با استراتژی توسعه کشور اتخاذ شود تا حصول اهداف معینی امکان پذیر باشد. در ارزیابی کلی، سیاستهای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در دو گروه سیاستگذاری (۱) سیاست صنعتی خاص و (۲) سیاست اقتصاد کلان تفکیک کرد و برحسب آن که آیا آنها برای (۱) جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، (۲) ارتقاء سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا (۳) گسترش ارتباطات و آثار انتشاری (سرریزی) بر روی بنگاههای داخلی به کار می‌روند تفکیک نمود. نتایج مطالعات

سرمایه‌گذاری خارجی با تاکید بر ایران نتیجه می‌شود کشورهایی که در توسعه تجارت موفق بوده‌اند، در جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز موفق عمل کرده‌اند. در واقع کشورهای نوظهور و تازه صنعتی شده موفق، به تناسب سهم از تجارت جهانی، سهم از جریان FDI جهانی دارند. در این بین، ایران در بین کشورهای منتخب و در افق بلندمدت منتهی به ۲۰۲۱ عملکرد ناموفقی در جریان تجارت و FDI داشته است. نظر به اینکه رویکرد اصلی، رهنمودهای کلی در چارچوب "جهانی بیندیشیم و به گونه ای سازگار با آن در داخل عمل نماییم" تجلی می‌یابد. در این راستا پیشنهاد می‌شود:

- وضع قوانین و مقررات را به گونه ای سازگار با فعالیت در عرصه جهانی
 - فراهم ساختن زمینه برای جلب سرمایه و انتقال تکنولوژی خارجی
 - تقویت سیاست تنش زدایی و زمینه‌های همگرایی
 - حضور فعال در پیمان‌های منطقه‌ای و جندجانبه جهانی و همکاری با مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای
 - تسهیل و تسریع در خصوصی‌سازی، لغو انحصارات و اصلاح قوانین و مقررات
 - حمایت از آسیب‌دیدگان از مشارکت در فرآیند جهانی شدن
 - همکاری با کشورهای در حال توسعه در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی
 - جلوگیری از بروز شوک‌های اقتصادی
 - بهره‌گیری از فرصت‌های زودگذر با ساختار اجرایی، مدیریتی و سیاستگذاری کارآمد و منعطف
 - کشورها باید اقدام به ظرفیت‌سازی (تحقیق و توسعه، آموزش، و غیره) و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی نمایند. ظرفیت داخلی برای منتفع شدن از سرمایه‌گذاری خارجی نیز ضروری است. شواهدی وجود دارد مبنی بر این‌که در بسیاری از کشورهای با درآمدپائین اولویت ایجاد ظرفیت داخلی به فراموشی سپرده می‌شود، و لذا سبب پائین آمدن جریان سرمایه‌گذاری و کاهش ظرفیت جذب برای دستیابی به آثار انتشاری (سرریز) می‌شوند. پیشنهادها آرایه می‌شود باید سیاست اقتصاد کلان رقابتی و شفافیت برقرار باشد. شواهد و ادبیات موضوع نشان می‌دهد که فساد دولتی موجب کاهش جریانهای رو به داخل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود.
 - تشویق گسترش نهادهای چندملیتی، و تشویق سیاستهای رقابتی
 - جهت جذب سرمایه خارجی بیشتر، به زیرساخت‌های قانونی، تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی، کارایی و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت‌ها و تحقیق و توسعه، بهره‌وری و سطح مهارت نیروی کار توجه کافی بشود.
- نهایتاً، مجموعه این اقدامات توأم با افزایش ثبات سیاسی به جذب سرمایه خارجی و ارتقای آن منجر می‌شود.



۱. مقدمه

در چند دهه گذشته، رقابت در اقتصاد و تجارت جهانی افزایش یافته است. در گذشته، در بسیاری از کشورها صنایع رقابت وجود نداشت. بازارها حمایت می شدند و موقعیت مسلط در بازار قانون بود. حتی در بخش هایی که رقابت وجود داشت، میزان آن شدید نبود و مداخله زیاده و محدودکننده دولت، همانند کارتل ها رقابت را کند می کرد. هنگام مطالعه عدم وجود رقابت در اقتصادهای در حال توسعه، امکان دارد تغییراتی که کشورهای توسعه یافته کرده اند، نادیده گرفته شود. فروپاشی کارتل ها و گروه های تجاری قدرتمند و تشدید رقابت، با پیشرفت های چشمگیر ژاپن و آلمان بعد جنگ جهانی دوم همراه بوده است. هم اکنون صنایع رقابتی ژاپن نظیر خودروسازی و لوازم الکترونیک، به یاری رقابت داخلی شدید توسعه یافته اند. با این حال، توسعه بخش های بزرگ، با وجود موانعی بر سر راه رقابت در حوزه هایی مانند خدمات مالی، صنایع شیمیایی و خرده فروشی محدود شده است. بدین ترتیب صنایع کمی دور از رقابت باقی می مانند. هیچ شرکت و کشوری نمی تواند نیاز به رقابت را نادیده بگیرد. شرکت ها و کشورها باید اهمیت رقابت را درک کنند و در آن مهارت به دست آورند.

نگارنده این گزارش بیش از دو دهه است که به مطالعه موضوع ساختار بازار، انحصار و رقابت تمرکز دارد. طی این مدت تلاش کرده پیچیدگی های آنچه در شرکت ها و صنایع رخ می دهد را به گونه ای مطرح کرد که به بهبود نظریه رقابت و بویژه کاربرد آن در عمل یاری نماید. آنچه در اقتصاد و تجارت ایران روی می دهد اولاً جایگاه ضعیف اقتصاد بین الملل ایران در رقابت شاهد هستیم و ثانیاً مجموعه عوامل داخلی و بیرونی موجب شده شکاف رقابت اقتصاد بین الملل ایران بیشتر شود. قطعاً برای هیئت حاکمه و دست اندرکاران دولتی و خصوصی حوزه تجارت و تمامی ذی نفعان فرض است که نخست تحلیل و شناختی جامع از آنچه هم اکنون در حوزه رقابت اقتصاد بین الملل ایران واقع است، به دست آید و دوم تصویری از آنچه باید به دست آید، ترسیم، و نقشه راه دستیابی به آن ایده ال ساختار رقابت، را پیوسته رصد نماید.

در دهه ۱۳۹۰ ساختار و الگوی تجارت خارجی ایران دستخوش تحولات اساسی چند وجهی و چند لایه شد. در این گزارش به ابعاد مختلف تجارت خارجی ایران و تحلیل ساختار رقابت آن پرداخته می شود.

در ادامه مقدمه، «رقابت جهانی اقتصاد بین الملل ایران» و «ساختار رقابت الگوی تجارت صنعتی ایران» تحلیل و تبیین می شود. سپس «سیاست تجاری با تاکید بر کارکرد مجوزهای تجارت»، «نقش دولت در شکل گیری انحصار در تجارت» بررسی می شود و «آثار سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر ساختار تجارت از رویکرد رقابت» و «ارتباط سیاست تجاری با سیاست های مرتبط با سرمایه گذاری خارجی از منظر رقابت» تحلیل می شود.



در این مطالعه علاوه بر مطالعات داخلی، از مطالعات تطبیقی و تحلیل و یافته‌های مطالعات نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB) و مجمع جهانی اقتصاد (WEF)، و وابسته به سازمان ملل متحد نظیر سازمان توسعه صنعتی (یونیدو UNIDO)؛ و برنامه توسعه ملل متحد (UNDP)، با تاکید بر جایگاه ایران در جهان برای مقاطع سالانه ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ استفاده می‌شود.

۲. تحلیل رقابت اقتصادی بین‌الملل ایران^۱

رقابت یک مفهوم تطبیقی است که توانایی یا عملکرد یک شرکت، بنگاه اقتصادی، یک بخش اقتصادی یا یک کشور را در زمینه عرضه کالا یا خدمات به یک بازار مشخص نشان می‌دهد. امروزه رقابت مفهوم و حوزه‌ی گسترده‌تری دارد و در تبیین آن ده‌ها عامل دخالت دارند. رقابت مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کنند. سطح بهره‌وری نیز به نوبه خود سطح رفاه اقتصادی مردم را در اقتصاد کشورها مشخص می‌کند. به دیگر بیان می‌توان گفت اقتصادهایی که رقابت پذیرتر هستند، سطح بالاتری از رفاه را برای شهروندان به ارمغان می‌آورند.

هدف این بخش از گزارش پاسخ به این پرسش‌ها است که: چه مولفه‌ها، نهادها، سیاست‌ها و عوامل در بهبود توسعه و رقابت جهانی اقتصاد ایران موثر است؟ وضعیت موجود و مطلوب رقابت اقتصادی ایران چگونه است؟ و راهکارهای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب رقابت ایران در جهان کدام هستند؟ در واقع، این مطالعه به دنبال تبیین رقابت و راههای بهبود آن در اقتصاد ایران است. در این راستا، ابتدا چارچوب نظری موضوع از ابعاد و زوایای مختلف ارائه می‌شود. سپس ضمن ارایه و تحلیل وضع موجود، تصویری از وضع مطلوب تبیین شده و راه‌های بهبود رقابت در اقتصاد ایران ارائه می‌شود.

موقعی رقابت اقتصادی مناسب تحقق می‌یابد که دستکم وضعیت ۱۲ مولفه توانمند نزدیک به وضع مطلوب باشند؛ در واقع در آن جامعه یا کشور، نهادهای کارآمد، زیرساخت‌های گسترده و مناسب، ثبات محیط اقتصادکلان، بهداشت و آموزش با کیفیت، مهارت‌ها و دانش تخصصی بالا و با کیفیت، کارآمدی بازار کالا، کارایی و انعطاف‌پذیری بازار کار، بازار مالی توسعه‌یافته، سطح بالای آمادگی جذب فن‌آوری، بزرگی اندازه بازارها و تخصصی‌شدن تجارت، کسب و کارهای پیچیده و توسعه‌یافته و نهایتاً خلاقیت و نوآوری در جامعه نهادینه و درون‌زا شده باشد. در این چارچوب، این مطالعه با هدف تبیین رقابت اقتصادی مناسب و راهکارهای بهبود اقتصاد ایران در مقاطع ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ مطالعه و تدوین یافته است. این مطالعه شامل مقدمه،

۱. در دهه آخر قرن بیستم، تحولانی در نظام اقتصادی بین‌الملل به وقوع پیوست که ضمن بی‌نظیر بودن، موجب انتقال اقتصادی بین‌الملل به نظامی شد که غالب اندیشمندان علوم اجتماعی آن را جهانی‌شدن می‌دانند. موج جدید جهانی‌شدن که در آینده نیز به سرعت آن اضافه می‌شود، مبتنی بر پیشرفت فناوری در حمل و نقل و ارتباطات و اطلاعات است. مضافاً، تحت تاثیر شدید آزادسازی تجاری و همبستگی بین‌کشورها و کوچک‌تر شدن دنیا به علت پیشرفت فناوری قرار دارد.

چارچوب نظری موضوع از ابعاد و زوایای مختلف، روش پژوهش، تحلیل وضع موجود رقابت جهانی ایران و مولفه‌های ۱۲ گانه و تصویر وضع مطلوب، جمع‌بندی با تاکید بر راه‌های بهبود مولفه‌های ۱۲ گانه و متغیرها و سیاستهای مناسب است. خلاصه نتایج حاکی است:

۱. شاخص رقابت اقتصاد ایران با رتبه ۶۹ (۲۰۱۰)، ۸۹ (۲۰۱۸) و ۹۹ (۲۰۱۹) در جهان، با ۲۰ و ۳۰ پله سقوط نسبت به ابتدای دهه ۲۰۱۰، رقابت جهانی ایران در دهه ۲۰۱۰ به شدت روبه تنزل گذاشته و همچنان در مرحله گذار از مرحله مبتنی بر عوامل تولید به مرحله بهبود کارایی است.
۲. وضعیت ایران در ۱۲ مولفه رقابت بنحوی است که ایران در سال ۲۰۱۸ در ۵ مولفه از ۱۲ مولفه شامل کارایی بازار کار، بازار کالا، پویایی کسب و کار، نهادهای ثبات محیط اقتصاد کلان ضعیف‌ترین وضعیت، و تنها در مولفه اندازه بازار وضعیت مناسبی را احراز کرده است. بنابراین این ۵ مولفه وضعیت رقابت ایران در جهان را بشدت کاهش داده است. از مقایسه ۱۲ مولفه رقابت ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ و ۲۰۱۰ نتیجه می‌شود که مولفه‌های با نقاط قوت روبه تحلیل رفته است و بیم آن می‌رود که چشم‌انداز آتی تنها نقطه قوت - اندازه بازار - با تشدید تحریم‌ها روبه وخامت گذارد.
۳. از کل متغیرهای تبیین‌کننده ۱۲ مولفه رقابت ایران، ۵۴ متغیر؛ ۵۲ درصد از ۱۰۴ متغیر مورد نظر در سال ۲۰۱۹، رتبه ایران ۹۹ و بالاتر بوده است. در این بین، وضعیت ۲۰ متغیر با رتبه بالاتر از ۱۲۰ به مراتب ضعیف‌تر ارزیابی می‌شود که بی‌شک در کاهش رقابت جهانی اقتصاد ایران تاثیرگذار بوده است و بنابراین به منظور بهبود و ارتقای رقابت اقتصاد ایران، در مورد تمام متغیرها از جمله ۵۴ متغیر و بالاخص با اولویت ۲۰ متغیر نقطه ضعف، اصلاحات و اقدامات مناسب‌تری انجام پذیرد.

جدول ۱. جایگاه جهانی رقابت ایران در مقایسه با بهترین کشور در دهه ۲۰۱۰

رتبه نخست جهان	رتبه (تغییر)			نمره و امتیاز ارزش عددی (تغییر)			شرح	
	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۰	مولفه های ۱۲ گانه	حوزه کلی
ایالات متحده	۹۹ (-۱۰)	۸۹ (-۲۰)	۶۹	۵۳٫۰ (-۱٫۹)	۵۴٫۹ (+)		شاخص کلی رقابت پذیری جهانی	
فنلاند	۱۲۰ (+۱)	۱۲۱ (-۳۹)	۸۲	۴۲٫۵ (-۱٫۸)	۴۴٫۳ (+)	۳۷٫۴	(۱) نهادها	(۱) الزامات و نیازهای اساسی (محیط کمکی)
سنگاپور	۸۰ (-۴)	۷۶ (-۲)	۷۴	۶۴٫۸ (-۰٫۶)	۶۵٫۴ (-)	۳۷٫۵	(۲) زیرساخت ها	
کره جنوبی	۸۴ (-۴)	۸۰ (+۷)	۸۷	۵۰٫۸ (+۳٫۲)	۴۷٫۶ (+)	۳۸٫۰	(۳) فناوری اطلاعات و ارتباطات	
۳۳ کشور	۱۳۴ (-۱۷)	۱۱۷ (-۷۲)	۴۵	۵۲٫۲ (-۱۴٫۷)	۶۶٫۹ (+)	۴۹٫۶	(۴) ثبات اقتصاد کلان	
۴ کشور	۷۲ (+۱۲)	۸۴ (-۳۰)	۵۴	۸۰٫۴ (+۲٫۹)	۷۷٫۵ (+)	۵۸٫۹	(۵) بهداشت و آموزش	(۲) سرمایه انسانی
سوئیس	۹۲ (-۱)	۹۱ (+۷)	۹۸	۵۷٫۹ (+۰٫۹)	۵۷٫۰ (-)	۳۸٫۰	(۶) مهارت ها و آموزش عالی	
هنگ کنگ	۱۳۳ (+۱)	۱۳۴ (-۳۶)	۹۸	۴۱٫۶ (-۰٫۴)	۴۲٫۰ (-)	۳۸٫۵	(۷) بازار محصول	(۳) بازارها
سنگاپور	۱۴۰ (-۴)	۱۳۶ (-۱)	۱۳۵	۴۱٫۳ (-۱٫۸)	۴۳٫۱ (-)	۳۳٫۷	(۸) بازار نیروی کار	
هنگ کنگ	۱۲۳ (-۲۵)	۹۸ (+۲۲)	۱۲۰	۴۷٫۵ (-۵٫۰)	۵۲٫۵ (-)	۳۲٫۹	(۹) نظام / بازار مالی	
چین	۲۱ (-۲)	۱۹ (+۱)	۲۰	۷۴٫۱ (-۰٫۴)	۷۴٫۵ (+)	۵۰٫۹	(۱۰) اندازه بازار	
ایالات متحده	۱۳۲ (-۱۳)	۱۱۹ (-۳۷)	۸۲	۴۴٫۳ (-۵٫۷)	۵۰٫۰ (-)	۳۳٫۴	(۱۱) پویایی کسب و کار	(۴) اکوسیستم نوآوری
آلمان	۷۱ (-۶)	۶۵ (+۲۶)	۹۱	۳۸٫۰ (-۰٫۴)	۳۷٫۶ (+)	۳۵٫۶	(۱۲) توانایی نوآوری	

ماخذ: نتایج تحقیق به نقل از گزارش رقابت پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد سال های ۲۰۱۰-۲۰۲۰.

رقابت پائین اقتصاد ملی، از چالش های اساسی فراروی بخش خارجی اقتصاد ایران و بازرگانی داخلی و



خارجی کشور ایران است. مفهوم توان رقابت در سطح اقتصاد ملی بر دو عنصر اصلی تکیه دارد: نخست روند مستمر رشد بهره‌وری در اقتصاد و دیگر رشد سهم اقتصاد ملی در تجارت جهانی که البته هر دو این، باید بهبود شاخص‌های رفاه عمومی را در پی داشته باشد. سطح توان رقابت یا رقابتی بودن یک اقتصاد با استفاده از شاخص ترکیبی معیارهای اصلی مربوط، ارزیابی می‌شود. شاخص توان رقابت اقتصاد ملی می‌تواند به عنوان یکی از بهترین نماگرهای توان اقتصاد در عرصه رقابت جهانی شناسایی و محور قرار گیرد. مطالعات نشان می‌دهد که:

۱. هم اکنون اقتصاد ایران با مشکلات و چالش‌های متعددی از جمله کسری بودجه، تورم، ضعف کیفیت و کمیت ارائه خدمات دولتی و بی‌ثباتی در بهره‌مندی مردم از امکانات اولیه، وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام، فساد اداری و مالی، بیکاری، عقب‌افتادگی فن‌آوری، رقابت ناپذیری محصولات داخلی در مقایسه با محصولات مشابه خارجی، فقر گروه‌های آسیب‌پذیر، مصرف بی‌رویه و تضييع شديد محصولات استراتژيك مانند انرژی، گسترش آسیب‌های اجتماعی و نابسامانی‌های اخلاقی در نتیجه فشارهای اقتصادی، روبه‌رو است. در مقابل، ایران از امکانات و منابع تولیدی قابل توجهی برخوردار است. ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت ویژه و استثنایی جغرافیایی، درصد قابل توجه تحصیل‌کرده (سرمایه انسانی داخلی و بین‌المللی عظیم)، برخورداری از بیش از نیم قرن تجربه تولید صنعتی، تنوع آب و هوای اقلیمی و نظایر آن، آنگاه که با کشورهایمانند کره جنوبی و دیگر کشورها که فاقد بسیاری از امکانات طبیعی خدادادی اند، مقایسه شود، ظرفیت بالا را برای رشد و بهبود چشمگیر سطح رفاه جامعه یادآور می‌شود.

۲. تحلیل نتایج شاخص اقتصاد ایران نشان می‌دهد مجموع ابعاد توان رقابت جهانی در اقتصاد کشور در سطحی پایین بوده است.^۱ از سوی دیگر در ارزیابی معیارهای به دست آمده برای اقتصاد ایران، زیرساخت‌های عمومی و زمینه‌های فن‌آوری ارتباطات، قابلیت خوبی برای تقویت توان رقابت داشته و از سوی دیگر حرکت بطئی شرکتها بسوی فن‌آوریهای نوین و خلاقیت، يك نقطه ضعف به شمار می‌رود. مضافاً، نهادهای بخش عمومی و تشخیص و اجرای قانون به عنوان يك مانع مهم برای توان رقابت و بنگاه‌ها مطرح است. در مورد این معیار که مزیت شرکتهای ایرانی در بازار جهانی ناشی از تولیدات با کیفیت و پیشرفته است، وضعیت اقتصاد ایران در حد کشورهای با درآمد پایین است که بیشتر بر منابع طبیعی و قیمت پایین تولیدات (ناشی از ارزانی نیروی کار و نرخ حمایتی و یارانه‌ای)

۱ محاسبه شاخص توان رقابت اقتصاد ایران به دلایلی چند با دشواری روبه‌رو بود که می‌توان به طیف وسیع متغیرها، پیچیدگی وزن‌دهی و ترکیب معیارها و مهمتر از همه سطح بالای تحقیق میدانی (از مدیران عالی‌رتبه بخش دولتی و خصوصی) اشاره کرد.



متکی هستند.

۳. از دیگر مظاهر ضعف توان رقابت اقتصاد ایران می‌توان به دو معیار اشاره کرد: سهم صادرات و واردات کشور از مجموع حجم جهانی آنها، طی دوره ۲۰۲۰-۱۹۹۲ (با لحاظ فرازو فرودهایی) روندی کاهشی داشته، و مرور روندهای ده سال و بیشتر در اقتصاد ایران، بیانگر روند نزولی در مورد نرخ بهره‌وری سرمایه و روند بسیار کند افزایشی در مورد نرخ بهره‌وری نیروی کار است. راهبردهای پیشنهادی برای تقویت توان رقابت عبارتست از:

- راهبرد آموزشی- فرهنگی نسبت به ابعاد تحول جهانی شدن و شیوه صریح و دقیق مواجهه با جهانی شدن؛
- راهبرد کارا، پویا و سالم سازی نهادهای بخش عمومی؛
- راهبرد فرهنگ سازی برای خلاقیت، نوآوری و ایجاد زمینه‌های کارآفرینی؛
- راهبرد توانمندسازی بخش خصوصی کارآمد و تسهیل تعامل جهانی آن (تضمین بازار رقابتی ضابطه‌مند و تمهید زیرساختهای ارتباطات تجاری و اقتصادی).
- راهبرد محوریت و تکیه بر زمینه سازی رشد بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و منابع طبیعی.
- راهبرد پویاشدن و انعطاف بازارهای سرمایه و پول برای کارآفرینان.
- راهبرد تدوین و عملیاتی کردن نظام ملی نوآوری (خوشه‌ها، تامین مالی خطرپذیر، پارک‌های فن‌آوری و نظایر).
- اصلاح قانونی و برخورد قضائی با فرایندها و گلوگاه‌های رانته و انحصاری برای بازکردن محیط رقابت.
- فعال سازی سیاست تجاری براساس مزیت‌های رقابتی و هدفمند نمودن تسهیلات و یارانه‌های تجاری-صنعتی.
- فعال شدن دیپلماسی خارجی بر محور توان رقابت اقتصاد و توسعه تجارت خارجی.

در کنار این موارد تاسیس مرکزی ملی با موضوع «ارتقاء توان رقابت اقتصاد ایران» تاکید می‌شود. این مرکز ارزیابی رقابت جهانی اقتصاد ایران و رصد جامع شاخص‌ها، مولفه‌ها و بنیان‌های رقابت ایران و ضمانت اجرای اقدامات، سیاست‌ها و برنامه‌ها در این خصوص برعهده دارد. در راهبردهای سطح کسب و کار به عناوین اشاره می‌شود: (۱) راهبرد تسهیل ارتباط بخش خصوصی و بنگاه‌های داخلی با بنگاه‌های پیشرو خارجی؛ (۲) راهبرد ارتقاء سطح تخصص و روزآمدی مدیران در بنگاه‌ها و سطح دانش مدیریت؛ (۳) راهبرد کمک به انعطاف و خلاقیت بنگاه‌ها از طریق مقررات، تسهیلات و جوایز؛ و (۴) راهبرد زمینه سازی افزایش قدرت جذب فن‌آوری‌های نوین در بنگاه‌ها.

در جدول (۲)، تصویری از جایگاه ایران در رقابت جهانی ۱۲ مولفه و ۱۰۴ شاخص آن و مقایسه آن با بهترین کشور در سال ۲۰۲۰ ارائه شده است. از متغیرهای تبیین‌کننده ۱۲ مولفه اصلی رقابت ایران در جهان، در ۵۴



متغیر یعنی ۵۲ درصد از ۱۰۴ متغیر مورد بحث در سال ۲۰۲۰، موقعیت و رتبه ایران ۹۹ و بالاتر از ۹۹ بوده است. در این بین، وضعیت ۲۵ متغیر شامل موانع تعرفه‌های تجاری، نسبت سرمایه بانک‌ها، روبه تنزل، تسهیل در استخدام نیروی کار خارجی، روبه کاهش، حمایت از ریسک کارآفرینی، روبه تنزل، نسبت واردات کالا و خدمات از GDP، حکمرانی منافع سهام‌داران، بدن تغییر، حمایت از حقوق مالکیت فکری، روبه تنزل، آزادی انتشار، روبه کاهش، مهارت فارغ التحصیلان، سلامت بانک‌ها، روبه تنزل، زمان شروع یک کسب و کار، روبه تنزل، تورم، روبه تنزل، اتکا به مدیریت حرفه‌ای، روبه تنزل، تمایل به تفویض اختیار، آموزش ضمن خدمت کارکنان، روبه تنزل، ثبات سیاست اعتمادساز دولت، بی تغییر، ظرفیت‌های چند-میزبانی، روبه تنزل، فشار مقررات دولتی، روبه تنزل، کارایی خدمات حمل و نقل هوایی، روبه تنزل و همکاری در روابط کارگر-کارفرما، رتبه ایران بیش از ۱۳۰ در سال ۲۰۲۰ بوده است، حال آن که در سال ۲۰۱۰، ۲۰ متغیر شامل میزان مالکیت خارجی، سهولت دسترسی به وام، میزان موانع تجاری، موانع تعرفه‌ای (متوسط نرخ تعرفه موزون تجاری)، دسترسی به خدمات مالی، دسترسی به سرمایه مخاطره‌آمیز، میزان آموزش کارکنان، حمل و نقل هوایی، تاثیر اقتصادی مقررات مربوط به FDI، استطاعت و کفایت خدمات مالی، انعطاف‌پذیری در تعیین دستمزدها، حمایت قوی از سرمایه‌گذار، مشارکت زنان در نیروی کار، کیفیت عرضه‌کنندگان محلی، شفافیت سیاست‌گذاری دولتی، محدودیت جریان سرمایه، دسترسی به جدیدترین فناوری‌ها، تمایل به تفویض اختیار، تورم و اتکا به مدیریت حرفه‌ای با رتبه بالاتر از ۱۲۰ بمراتب ضعیف‌تر ارزیابی می‌شد. در دهه ۲۰۱۰ نه تنها جهت متغیرها بهبود نیافته، بلکه حتی در موقعیت رقابت اقتصاد ایران بدتر نیز شده است. بنابراین به منظور بهبود و ارتقای رقابت جهانی اقتصاد ایران، در مورد تمامی متغیرها از جمله ۵۴ متغیر در جدول و بالاخص ۲۵ متغیر اول بایستی اصلاحات و اقدامات مناسب‌تری انجام پذیرد.



جدول ۲. جایگاه رقابت جهانی ۱۲ مولفه و ۱۰۴ شاخص آن برای ایران در مقایسه با بهترین کشور: ۲۰۲۰

رتبه نخست	تغییر شاخص	رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	ارکان و حوزه کلی/مولفه های ۱۲ گانه/ اجزای ۱۰۴ گانه آن
ایالات متحده	تنزل	۹۹ (-۱۰)	۵۳٫۰ (-۱٫۹)	-	شاخص کلی رقابت پذیری جهانی
فنلاند	تنزل	۱۲۰ (+۱)	۴۲٫۵ (-۱٫۸)	-	(۱) نهادها
فنلاند	تنزل	۸۲	۷۲٫۶	-	امنیت ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۱۰۷	۴۹٫۱	۳٫۹	۱-۰۵. جرایم سازمان یافته، ۱ تا ۷
۱۴ کشور	تنزل	۷۵	۹۳٫۲	۲٫۵	۱-۰۲. نرخ بی خانمانی در هر ۱۰۰۰۰۰
۲۵ کشور	بی تغییر	۱۰۷	۹۷٫۶	۹۷٫۶	۱-۰۳. رخداد تروریستی ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۸۴	۵۱٫۳	۴٫۱	۱-۰۴. خدمات پلیس قابل اتکا ۱ تا ۷
ژلاندنو	بهبود	۵۶	۵۲٫۸	-	سرمایه اجتماعی ۰ تا ۱۰۰
ژلاندنو	بهبود	۵۱	۵۲٫۸	۵۲٫۸	۱-۰۵. سرمایه اجتماعی ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۱۳۸	۲۴٫۷	-	کنترل ها و موازنه ها
۲ کشور	...	...	۵٫۸	...	۱-۰۶. شفافیت بودجه ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۹۷	۳۴٫۷	۳٫۱	۱-۰۷. استقلال قضایی ۱ تا ۷
فنلاند	تنزل	۱۳۰	۲۲٫۸	۲٫۴	۱-۰۸. کارایی نظام حقوقی در به چالش کشیدن مقررات، ۱ تا ۷
نروژ	تنزل	۱۳۶	۳۵٫۶	۶۴٫۴	۱-۰۹. آزادی انتشار، ۰ تا ۱۰۰
سنگاپور	تنزل	۱۲۴	۳۴٫۸	-	عملکرد بخش عمومی، ۰ تا ۱۰۰
سنگاپور	تنزل	۱۳۳	۲۴٫۰	۲٫۴	۱-۰۱۰. فشار مقررات دولتی، ۱ تا ۷
سنگاپور	تنزل	۱۲۲	۲۷٫۸	۲٫۷	۱-۰۱۱. کارایی نظام حقوقی برای حل و فصل اختلافات، ۱ تا ۷
۳ کشور	بی تغییر	۱۰۲	۵۲٫۸	۰٫۵۳	۱-۰۱۲. مشارکت الکترونیکی، ۰ تا ۱
دانمارک	تنزل	۱۱۶	۲۸٫۰	-	شفافیت
دانمارک	تنزل	۱۱۶	۲۸٫۰	۲۸٫۰	۱-۰۱۳. رخداد فساد، ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۱۲۳	۴۲٫۲	-	حقوق مالکیت، ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۱۲۳	۴۲٫۲	۳٫۵	۱-۰۱۴. حقوق مالکیت، ۱ تا ۷
فنلاند	تنزل	۱۳۶	۲۸٫۹	۲٫۷	۱-۰۱۵. حمایت از حقوق مالکیت فکری، ۱ تا ۷

(I) الزامات و نیازهای اساسی (محیط کمکی)



رتبه نخست	تغییر شاخص	رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	ارکان و حوزه کلی/مولفه های ۱۲ گانه/اجزای ۱۰۴ گانه آن
۵ کشور	بی تغییر	۷۴	۵۰،۰	۱۵،۰	۱۶-۱. کیفیت اداری اراضی
زландنو	بهبود	۱۳۷	۳۷،۰	-	حکمرانی مشارکتی
فنلاند	بهبود	۱۲۵	۴۳،۹	۳،۶	۱۷-۱. قدرت استانداردهای حسابرسی و گزارش دهی، ۱ تا ۷
کنیا	بی تغییر	۱۲۱	۴۰،۰	۴،۰	۱۸-۱. مقررات تعارض منافع، ۰ تا ۱۰
قزاقستان	بی تغییر	۱۳۷	۲۷،۰	۲،۷	۱۹-۱. حکمرانی منافع سهام داران، ۰ تا ۱۰
لوکزامبورگ	بی تغییر	۸۷	۴۹،۷	-	نگاه روبه آینده دولت، ۰ تا ۱۰۰
سوئیس	بی تغییر	۱۳۴	۲۳،۶	۲،۴	۲۰-۱. ثبات سیاست اعتمادساز دولت
سنگاپور	بی تغییر	۱۱۵	۳۱،۹	۲،۹	۲۱-۱. تغییر مسئولانه دولت
ایالات متحده	بی تغییر	۹۵	۳۷،۹	۳،۳	۲۲-۱. نظام حقوقی سازگار با الگوی کسب و کار دیجیتال، ۱ تا ۷
سنگاپور	بی تغییر	۱۲۶	۲۷،۸	۲،۷	۲۳-۱. نگاه بلندمدت دولت، ۱ تا ۷
ایتالیا	بی تغییر	۱۶	۷۵،۷	۷۵،۷	۲۴-۱. مقررات کارایی انرژی، ۰ تا ۱۰۰
آلمان	بی تغییر	۴۷	۵۹،۰	۵۹،۰	۲۵-۱. مقررات قابل تجدید انرژی، ۰ تا ۱۰۰
۶ کشور	بی تغییر	۷۹	۷۲،۴	۲۱	۲۶-۱. عوامل تهدید مرتبط با محیط زیست،
سنگاپور	تنزل	۸۰ (-۴)	۶۴،۸ (-۰،۶)	-	(۲) زیرساخت ها
سنگاپور	بهبود	۸۲	۴۶،۸	-	زیرساخت حمل و نقل
۳ کشور	بهبود	۴۲	۸۵،۴	۸۵،۴	۰۱-۲. مواصلات جاده ای، ۰ تا ۱۰۰
سنگاپور	تنزل	۷۹	۴۸،۱	۳،۹	۰۲-۲. کیفیت زیرساخت جاده، ۱ تا ۷
۲۴ کشور	بهبود	۶۷	۱۳،۸	۵،۵	۰۳-۲. چگالی راه آهن، کیلومتر در ۱۰۰۰ کیلومتر
ژاپن	تنزل	۵۲	۴۴،۶	۳،۷	۰۴-۲. کارایی خدمات قطار، ۱ تا ۷
۸ کشور	بی تغییر	۴۹	۵۹،۰	۸۰۵۳۳	۰۵-۲. مواصلات فرودگاهی
سنگاپور	تنزل	۱۳۲	۳۵،۲	۳،۱	۰۶-۲. کارایی خدمات فرودگاهی، ۱ تا ۷

(د) الزامات و نیازهای اساسی (محیط کمکی)



رتبه نخست	تغییر شاخص	رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	ارکان و حوزه کلی/مولفه‌های ۱۲ گانه/ اجزای ۱۰۴ گانه آن
۵ کشور	بهبود	۴۱	۴۲٫۶	۴۲٫۵	۲-۰۷. مواصلات خطوط کشتی، ۰ تا ۱۰۰
سنگاپور	تنزل	۸۷	۴۵٫۶	۳٫۷	۲-۰۸. کارایی خدمات بنادر دریایی، ۱ تا ۷
ایسلند	تنزل	۷۶	۸۲٫۷	-	زیرساخت رضایت‌مند، ۰ تا ۱۰۰
۶۷ کشور	تنزل	۷۸	۹۹٫۱	۹۹٫۱	۲-۰۹. دسترسی برق، درصد از جمعیت
۱۰ کشور	بهبود	۷۵	۹۲٫۰	۱۱٫۷	۲-۱۰. کیفیت عرضه برق، درصد از تولید
۲۸ کشور	تنزل	۶۸	۸۷٫۴	۱۴٫۳	۲-۱۱. آب آشامیدنی ناامن، درصد از جمعیت
ایسلند	تنزل	۱۰۰	۵۲٫۴	۴٫۱	۲-۱۲. عرضه آب قابل اتکا
کره جنوبی	بهبود	۸۴ (-۴)	۵۰٫۸ (+۳٫۲)	-	(۳) فناوری اطلاعات و ارتباطات سازگار، ۰ تا ۱۰۰
۶۳ کشور	بهبود	۸۵	۹۰٫۴	۱۰۸٫۵	۳-۰۱. تلفن همراه، بازای هر ۱۰۰ نفر
امارات متحده	...	۸۰	۶۸٫۲	۶۸٫۲	۳-۰۲. پهنای باند همراه، بازای ۱۰۰ نفر
سوئیس	تنزل	۶۹	۲۴٫۰	۱۲٫۰	۳-۰۳. اینترنت پهنای باند ثابت، بازای ۱۰۰ نفر
کره جنوبی	...	۱۲۵	۰٫۰	۰٫۰	۳-۰۴. اینترنت فیبر نوری، بازای ۱۰۰ نفر
قطر	بهبود	۶۸	۷۰٫۰	۷۰٫۰	۳-۰۶. کاربران اینترنت، درصد از جمعیت بزرگسال
۳۳ کشور	تنزل	۱۳۴ (-۱۷)	۵۲٫۲ (-۱۴٫۷)	-	(۴) ثبات اقتصاد کلان
۸۸ کشور	تنزل	۱۳۵	۵۴٫۴	۲۰٫۴	۴-۰۱. تورم
۳۴ کشور	بهبود	۶۴	۵۰٫۰	۵۰٫۰	۴-۰۲. پویایی‌های بدهی، ۰ تا ۱۰۰
۴ کشور	بهبود	۷۲ (+۱۲)	۸۰٫۴ (+۲٫۹)	-	(۵) بهداشت و سلامت، ۰ تا ۱۰۰
۴ کشور	بهبود	۷۱	۸۰٫۴	۶۵٫۷	۵-۰۱. امید به زندگی با سلامت، سال‌ها
سوئیس	بهبود	۹۲ (-۱)	۵۷٫۹ (+۰٫۹)	-	(۶) مهارت‌ها و آموزش عالی
سوئیس	بهبود	۸۰	۵۴٫۳	-	نیروی کار فعلی، ۰ تا ۱۰۰

(I) الزامات و نیازهای اساسی (محیط کمکی)

(II) سرمایه انسانی



ارکان و حوزه کلی/مولفه های ۱۲ گانه/ اجزای ۱۰۴ گانه آن						(II) سرمایه انسانی
ارزش	نمره (تغییر)	رتبه(تغییر)	تغییر شاخص	رتبه نخست		
۱۰۰	۶۶٫۷	۶۱	بهبود	آلمان	۱-۶. میانگین سالهای آموزش	
-	۴۱٫۸	۱۱۸	تنزل	سوئیس	مهارت های نیروی کار فعلی، ۰ تا ۱۰۰	
۳٫۱	۳۴٫۳	۱۳۴	تنزل	سوئیس	۲-۶. میزان آموزش کارکنان، ۱ تا ۷	
۳٫۵	۴۱٫۵	۱۱۵	تنزل	سوئیس	۳-۶. کیفیت آموزش محلی، ۱ تا ۷	
۳٫۰	۳۳٫۲	۱۳۶	تنزل	سوئیس	۴-۶. مهارت فارغ التحصیلان، ۱ تا ۷	
۴٫۱	۵۱٫۸	۷۶	تنزل	فنلاند	۵-۶. مهارت های دیجیتالی جمعیت فعال، ۱ تا ۷	
۳٫۹	۴۸٫۱	۱۰۳	تنزل	ایالات متحده	۶-۶. تسهیل شاغلین با مهارت، ۱ تا ۷	
-	۶۱٫۵	۹۳	تنزل	دانمارک	آینده نیروی کار، ۰ تا ۱۰۰	
۱۴٫۹	۸۲٫۷	۵۷	بهبود	۱۱ کشور	۷-۶. زندگی آموزشی مورد انتظار، سال ها	
-	۴۰٫۲	۱۱۵	تنزل	دانمارک	مهارت های آینده نیروی کار، ۰ تا ۱۰۰	
۲٫۶	۲۶٫۷	۱۲۸	تنزل	فنلاند	۸-۶. اندیشه اصلی یادگیری، ۱ تا ۷	
۲۸٫۵	۵۳٫۷	۱۰۴	تنزل	۵ کشور	۹-۶. نسبت معلم در آموزش ابتدایی	
-	۴۱٫۶ (-۰٫۴)	۱۳۳ (+۱)	تنزل	هنگ کنگ	(۷) بازار محصول، ۰ تا ۱۰۰	
-	۴۳٫۴	۱۱۹	تنزل	هنگ کنگ	رقابت داخلی، ۰ تا ۱۰۰	
۲٫۸	۳۰٫۶	۱۳۰	تنزل	سنگاپور	۱-۷. آثار انحرافی مالیاتها و یارانه ها بر رقابت، ۱ تا ۷	
۳٫۸	۴۷٫۴	۶۱	بهبود	سوئیس	۲-۷. میزان دامنه بازار، ۱ تا ۷	
۴٫۱	۵۲٫۲	۱۳۰	تنزل	هنگ کنگ	۳-۷. رقابت در خدمات، ۱ تا ۷	
-	۳۹٫۸	۱۳۹	بهبود	سنگاپور	بازبودن تجارت، ۰ تا ۱۰۰	
۴٫۰	۴۹٫۴	۱۱۹	بهبود	سنگاپور	۴-۷. موانع تجاری غیرتعرفه ای، ۱ تا ۷	
۲۶٫۹۵	۰٫۰	۱۴۱	...	هنگ کنگ	۵-۷. تعرفه های تجاری	
۵٫۲	۶۹٫۴	۸۱	بی تغییر	هنگ کنگ	۶-۷. پیچیدگی تعرفه ها، ۱ تا ۷	
۲٫۶	۴۰٫۶	۷۱	بی تغییر	آلمان	۷-۷. کارایی شفافیت مرزی، ۱ تا ۵	



رتبه نخست	تغییر شاخص	رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	ارکان و حوزه کلی / مولفه های ۱۲ گانه / اجزای ۱۰۴ گانه آن
سنگاپور	تنزل	۱۴۰ (-۴)	۴۱,۳ (-۱,۸)	-	(۸) بازار نیروی کار
سنگاپور	تنزل	۱۳۵	۴۵,۲	-	انعطاف پذیری، ۰ تا ۱۰۰
۸ کشور	بهبود	۱۰۵	۶۰,۲	۲۳,۱	۸-۰۱. هزینه های، هفته های حقوق
هنگ کنگ	تنزل	۱۱۲	۳۸,۸	۳,۳	۸-۰۲. رویه های استخدام و اخراج، ۱ تا ۷
سنگاپور	تنزل	۱۳۲	۴۲,۵	۳,۶	۸-۰۳. همکاری در روابط کارگروکارفرما، ۱ تا ۷
استونی	تنزل	۱۲۷	۵۳,۱	۴,۲	۸-۰۴. انعطاف در تعیین دستمزدها، ۱ تا ۷
سوئیس	تنزل	۱۱۱	۲۴,۷	۲,۵	۸-۰۵. سیاست های بازار کار فعال، ۱ تا ۷
۲ کشور	بهبود	۹۳	۶۴,۰	۶۴,۰	۸-۰۶. حقوق کارگران، ۰ تا ۱۰۰
آلبانی	تنزل	۱۳۹	۳۰,۴	۲,۸	۸-۰۷. تسهیل در استخدام نیروی کار خارجی، ۱ تا ۷
ایالات متحده	تنزل	۱۱۶	۴۷,۸	۳,۹	۸-۰۸. تحرک نیروی کار داخلی، ۱ تا ۷
دانمارک	تنزل	۱۳۹	۳۷,۵	-	شایستگی و انگیزش، ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۱۳۵	۳۵,۲	۳,۱	۸-۰۹. اتکا به مدیریت حرفه ای، ۱ تا ۷
هنگ کنگ	تنزل	۱۲۶	۳۷,۴	۳,۲	۸-۱۰. پرداخت و بهره وری، ۱ تا ۷
۴ کشور	بهبود	۱۳۴	۲,۲	۰,۲۲	۸-۱۱. نسبت دستمزد حقوق زنان به مردان، درصد
۲۴ کشور	بی تغییر	۱۱۲	۷۵,۱	۲۵,۹	۸-۱۲. نرخ مالیات نیروی کار، درصد
هنگ کنگ	تنزل	۱۲۳ (-۲۵)	۴۷,۵ (-۵,۰)	-	(۹) نظام / بازار تامین مالی، ۰ تا ۱۰۰
ایالات متحده	تنزل	۸۸	۳۲,۸	-	تعمیق، ۰ تا ۱۰۰
۳۰ کشور	تنزل	۵۳	۶۶,۲	۶۲,۹	۹-۰۱. اعتبار داخلی به بخش خصوصی، درصد از GDP
فنلاند	تنزل	۱۲۶	۳۰,۸	۲,۹	۹-۰۲. تامین مالی SMEs، ۱ تا ۷

(III) بازارها



رتبه نخست	تغییر شاخص	رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	ارکان و حوزه کلی / مولفه های ۱۲ گانه / اجرای ۱۰۴ گانه آن	
ایالات متحده	تنزل	۱۲۱	۲۰,۷	۲,۲	۰۳-۹. دسترسی به سرمایه مشترک، ۱ تا ۷	(III) بازارها
۱۵ کشور	تنزل	۶۹	۲۴,۶	۲۴,۶	۰۴-۹. سرمایه ای شدن بازار، درصد از GDP	
۱۷ کشور	تنزل	۸۴	۲۱,۵	۱,۳	۰۵-۹. پرمیوم تامین، از GDP	
فنلاند	تنزل	۱۳۷	۶۶,۰	-	ثبات، ۰ تا ۱۰۰	
فنلاند	تنزل	۱۳۶	۲۹,۹	۲,۸	۰۶-۹. بانک های بی صدا، ۱ تا ۷	
۳ کشور	تنزل	۱۱۴	۷۸,۰	۱۱,۴	۰۷-۹. دیون غیر عملکردی	
۹۸ کشور	بی تغییر	۱۲۲	۹۳,۷	۴,۴	۰۸-۹. شکاف اعتباری، درصد	
۷۴ کشور	تنزل	۱۴۱	۶۲,۳	۵,۱	۰۹-۹. نسبت سرمایه تنظیم بانک ها، درصد از کل دارایی ها	
چین	تنزل	۲۱ (-۲)	۷۴,۱ (-۰,۴)	-	(۱۰) اندازه بازار	
چین	...	۱۸	۱۴۳۲	۱۴۳۲	۰۱-۱۰. تولید ناخالص داخلی، به \$PPP	
هنگ کنگ	...	۱۳۸	۱۵,۹	۱۵,۹	۰۲-۱۰. واردات کالا و خدمات، درصد از GDP	
ایالات متحده		۱۳۲ (-۱۳)	۴۴,۳ (-۵,۷)	-	(۱۱) پویایی کسب و کار	(IV) اکوسیستم نوآوری
ایالات متحده	تنزل	۱۲۷	۴۹,۶	-	الزامات اداری، ۰ تا ۱۰۰	
۲ کشور	بهبود	۳۲	۹۹,۴	۱,۲	۰۱-۱۱. هزینه شروع یک کسب و کار، درصد از سرانه GNI	
ژلاندنو	تنزل	۱۳۶	۲۷,۶	۷۲,۵	۰۲-۱۱. زمان شروع یک کسب و کار، روزها	(IV) اکوسیستم نوآوری
ژاپن	بهبود	۷۱	۳۹,۹	۳۷,۱	۰۳-۱۱. نرخ پوشش حل اختلاف، به دلار	
۶ کشور	بی تغییر	۱۲۰	۳۱,۳	۵,۰	۰۴-۱۱. نظام مقررات حل اختلاف، ۰ تا ۱۶	
اسرائیل	تنزل	۱۳۱	۳۹,۱	-	فرهنگ کارآفرینی، ۰ تا ۱۰۰	
اسرائیل	تنزل	۱۳۸	۳۳,۶	۳,۰	۰۵-۱۱. اقتدار بسوی ریسک کارآفرینی، ۱ تا ۷	
دانمارک	تنزل	۱۳۴	۳۷,۹	۳,۳	۰۶-۱۱. تمایل به تفویض اختیار، ۱ تا ۷	



رتبه نخست	تغییر شاخص	رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	ارکان و حوزه کلی / مولفه های ۱۲ گانه / اجزای ۱۰۴ گانه آن
اسرائیل	تنزل	۹۰	۴۷,۱	۳,۸	۱۱-۰۷. رشد کمپانی های نوآور
اسرائیل	تنزل	۱۱۳	۳۷,۹	۳,۳	۱۱-۰۸. جذابیت حکم شدگی کمپانی ها، ۱ تا ۷
آلمان	بهبود	۷۱ (-۶)	۳۸,۰ (-۰,۴)	-	(۱۲) توانایی نوآوری
سنگاپور	تنزل	۱۲۶	۳۰,۴	-	تعامل و تنوع، ۰ تا ۱۰۰
سنگاپور	تنزل	۱۲۷	۴۵,۴	۳,۷	۱۲-۰۱. تنوع نیروی کار، ۱۰ تا ۷
ایتالیا	تنزل	۹۲	۴۲,۱	۳,۵	۱۲-۰۲. وضعیت توسعه خوشه ها، ۱ تا ۷
۵ کشور	بهبود	۹۰	۲,۲	۰,۰۷	۱۲-۰۳. همکاری مشترک بین المللی
اسرائیل	تنزل	۱۳۴	۳۲,۰	۲,۹	۱۲-۰۴. کالیراسیون چندملیتی، ۱ تا ۷
ژاپن	بهبود	۴۷	۳۵,۹	-	تحقیق و توسعه، ۰ تا ۱۰۰
۹ کشور	بهبود	۴۲	۸۲,۵	۲۶۱,۰	۱۲-۰۵. انتشارات علمی، امتیاز
۸ کشور	بهبود	۹۹	۱,۹	۰,۱۱	۱۲-۰۶. کاربردهای اختراع، بازی هر ۱ میلیون نفر
۷ کشور	تنزل	۸۶	۸,۴	۰,۳	۱۲-۰۷. هزینه های تحقیق و توسعه، درصد از GDP
۷ کشور	بهبود	۱۵	۵۰,۹	۰,۲۰	۱۲-۰۸. عملکرد نهادهای تحقیقاتی، ۰ تا ۱۰۰
لوکزامبورگ	بهبود	۶۲	۵۷,۳	-	تجاری سازی، ۰ تا ۱۰۰
کره جنوبی	تنزل	۸۳	۴۰,۸	۳,۴	۱۲-۰۹. پیچیدگی خریداران، ۱۰ تا ۷
۷ کشور	بهبود	۵۳	۷۳,۸	۹۴۸,۸۵	۱۲-۱۰. کاربردهای علائم تجاری، بازای هر ۱ میلیون نفر

(۱۷) کوئستیم نوآوری

ماخذ: نتایج تحقیق به نقل از گزارش رقابت پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد سال های ۲۰۱۰-۲۰۲۰.

۳. تحلیل رقابت الگوی تجارت صنعتی ایران

ارزیابی از عملکرد رقابت صنعتی ایران، ابعاد سه گانه و ۸ زیرشاخص آن در مقیاس جهانی و حتی منطقه ای، گویای فاصله و شکاف بالا از آنچه که هست و آنچه که باید باشد، را نشان می دهد. شکاف کارنامه / شاخص و نمره / امتیاز عددی شاخص عملکرد رقابت صنعتی (CPI) ایران و ترکیه، دو همسایه در مجاورت یکدیگر بسیار

فاصله دارد. برای مثال، نمره عددی CIPI ترکیه تا ۲/۶ برابر ایران، و نیز ترکیه با رتبه ۲۹ در مقایسه با ایران با رتبه ۵۸، ۲۹ رتبه در جایگاه برتر قرار دارد. این شکاف و فاصله در شاخص CIPI دو کشور ریشه در سه مولفه ظرفیت تولید و صادرات کالاهای صنعتی، روزآمدی و تعمیق فناوریانه صنعتی و نفوذ جهانی در صنایع ترکیه در مقایسه با ایران دارد. با وجود آن که در دو دهه گذشته شاخص عملکرد رقابت صنعتی ایران بسیار پرنوسان و بی ثبات بوده است و مضافاً چشم انداز عملکرد رقابت صنعتی ایران مناسب ارزیابی نمی شود. چرا که بیم آن می رود با انواع محدودیت های فراروی اقتصاد صنعتی ایران بویژه با تشدید تحریم ها، چشم انداز عملکرد رقابت صنعتی ایران نامساعدتر شود. دستکم ۱۲ مولفه شامل استعداد، سیاست ها و زیرساخت های نوآوری، مزیت هزینه ای، سیاست های انرژی، زیرساخت های فیزیکی، چارچوب قانونی، بهره وری نیروی کار، شبکه تامین کنندگان، زیرساخت های آموزشی، نظام اقتصادی-تجاری-مالی و مالیاتی، جذابیت بازارهای محلی و نظام بهداشت، عملکردهای رقابت صنعتی، جابجایی و ارتقای رتبه CIPI کشورها تاثیرگذار بوده است. مجموعه عواملی که در جذب فناوری و نوآوری بالا، و افزایش عملکرد صادرات و رقابت تعیین کننده بوده، شامل عوامل تولید قابل دسترس، سیاست های دولت، کیفیت آموزش و نظام آموزشی و زیرساخت ها. است. بنابراین به منظور ارتقای شاخص CIPI ایران بایستی تمهیدات، تدابیر و سیاست های مناسب لازم در هر ۴ مجموعه عوامل فوق تואمان صورت پذیرفته و پیوسته اثربخشی آنها در ارتقای رقابت صنعتی کشور مورد رصد قرارگیرد. با نگاهی به تجربه توسعه کشورها نتیجه می شود اقتصادهایی که رشد سریعی را تجربه کرده اند، رشد صنعتی سریعی دارند و تجارت را به سمت کالاهای صنعتی هدایت کرده اند که موجب رشد بیشتری شده است. این امر ناشی از تغییر ساختاری است که به معنای انتقال منابع از بخش های کم بهره ور به بخش های با بهره وری بالاتر است و محرک اصلی رشد است. تحولات و روندها در دنیای امروز همراه با پیچیده تر شدن و جهانی شدن نظام های تولید، بنگاه ها راهبردهایی را برای سازماندهی مجدد زنجیره های ارزش اتخاذ می کنند که الگوهای مالکیت و جغرافیای تولید را متفاوت خواهد کرد. در نتیجه این تغییرات انتظار می رود فعالیت های صنعتی بیش از پیش تکه تکه و خرد شوند. در واقع کالاها در مراحل متعدد و در مکان های جغرافیایی متعددی تولید می شوند. مواد خام از یک محل تامین می شود، کالاهای واسطه ای مانند قطعات منفصله در مکان دیگری تولید می شوند و سپس به مکان جغرافیایی دیگری صادر می شوند تا در آنجا فرآیندهای نهایی و مونتاژ بر روی آن صورت گیرد. این امر به شدت در زمینه تولید و میزان صنعتی شدن کشورها موثر است. برای نمونه، هم اینک شرکت هایی هستند که محصولاتی تولید می کنند اما کارکنان آنها هرگز در فرآیند تولید کالای نهایی نقشی ندارند، چرا که مراحل مختلف این محصول در یک جغرافیای پراکنده تولید خواهد شد. از این رو است افزایش روزافزون تجارت جهانی در کالاهای واسطه ای طی دهه های گذشته

تجربه می‌شود. زنجیره‌های ارزش نقش اصلی را در فرآیند تولیدات صنعتی از گام اول در کارخانه تا رسیدن به دست مصرف‌کننده ایفا می‌کند. در واقع وقتی فرآیند تولید به صورت جهانی تکه‌تکه و خرد شده است، کشورهای توسعه‌یافته بر فعالیت‌ها و بخش‌هایی متمرکز می‌شوند که ارزش افزوده بیشتری خلق می‌کنند و برعکس کشورهای در حال توسعه بر بخش‌های کاربر تمرکز می‌یابند که ارزش افزوده کمتری ایجاد می‌کنند. مساله دیگر توسعه زنجیره‌های ارزش جهانی و همگرایی سریع مناطق جغرافیایی جدید در اقتصاد جهانی است که سبب شده فشار رقابتی روزافزونی بر کشورهایی که به‌طور سنتی در بخش صنعت فعال بودند، وارد شود. به‌طور خاص، چین، برزیل و هند رشد صادرات صنعتی بالایی داشته‌اند. این کشورها هم‌اینک تبدیل به کشورهای پیش‌تاز در تولید صنعتی رقابت‌پذیر شده‌اند. به عبارت بهتر، هند در تولید نرم‌افزار و خدمات مرتبط با فناوری اطلاعات، چین در زمینه محصولات صنعتی مهارت‌محور و برزیل نیز در زمینه محصولات کشاورزی. به‌علاوه آمریکای لاتین هم‌اینک نقش مهمی در تولید و تامین مواد خام و غذا در دنیا بازی می‌کند. مضافاً انتظار بر این است که نقش آفرینا در تولید مواد خام در آینده بیشتر شود.

در همین راستا برخی از برآوردها نیز وجود دارد که نشان می‌دهد در آینده مناطق جغرافیایی جدید اهمیت بیشتری خواهند یافت. پیش‌بینی‌ها در زمینه رشد اعضای بریکس؛ برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی نشان می‌دهد این کشورها تا نیمه‌های قرن تا ۲۰۵۰ به سهمی معادل سهم کشورهای جی ۷ (هفت کشور بزرگ صنعتی دنیا) از تولید ناخالص جهانی دست یابند. نهایتاً در نتیجه این روند، اگرچه به‌طور سنتی مناطق نوظهور اقتصادی در جهان به‌عنوان کارخانه‌های مونتاژ تصور می‌شوند اما روند جهانی نشان می‌دهد که این کشورها سرمایه‌گذاری سنگینی برای افزایش دانش فنی و ارتقای صنعتی انجام می‌دهند. در نتیجه این کشورها به‌طور روزافزون نقش مهم‌تری را به‌عنوان عرضه‌کنندگان و رقبای جهانی کشورهای صنعتی بازی کنند. در آسیا صنایع بزرگ مقیاس هم‌اینک بازیگران اصلی زنجیره جهانی ارزش هستند. این بخش از گزارش در ۶ قسمت تنظیم و ارایه می‌شود. در ادامه مقدمه، چارچوب نظری و روش پژوهش ارایه می‌شود. سپس تجارب و عملکرد رقابت صنعتی کشورها ارایه می‌شود و آنگاه نتایج با محوریت رقابت صنعتی ایران تبیین می‌شود. نهایتاً این گزارش با جمع‌بندی، توصیه‌ها و ملاحظات تکمیلی پایان می‌یابد. جدول (۱) ابعاد ۳ گانه و شاخص‌های ۸ گانه CIPI ایران و مقایسه آن با جایگاه نخست در جهان و منطقه مطابق جدیدترین اطلاعات آماری قابل دسترس را نشان می‌دهد. مطابق اطلاعات جدول نتیجه می‌شود که:

۱. **برترین رتبه‌ها در عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی:** نتایج شاخص ۲۰۱۸ CIPI برای ۱۵۰ کشور دنیا در گروه‌های ۴ گانه بالا، متوسط به بالا، متوسط به پایین و پایین با سطوح توسعه متفاوت رتبه‌بندی شده

است. بین سطوح متفاوت توسعه و رقابت‌پذیری صنعتی رابطه است. چراکه سطوح بالای شاخص CIPI تقریباً به اقتصادهای صنعتی شده تعلق دارد، حال آنکه اکثریت کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی در سطوح پایین شاخص CIPI تمرکز دارند. بااین وجود، برخی استثنائات نیز وجود دارد. رتبه نخست CIPI جهان با ۵۲۳۴٪ امتیاز به آلمان تعلق دارد. ژاپن با تفاوت معنی‌دار نسبت به آلمان، با امتیاز ۳۹۹۸٪ در رتبه ۲ قرار دارد. این کشور در ابعاد سه‌گانه شاخص پیش‌رو است. چین، آمریکا، کره جنوبی و سوئیس در رتبه ۳ تا ۶ قرار دارند.

۲. رتبه کشورها: در گزارش ۲۰۱۹ یونیدو با عنوان «عملکرد رقابت صنعتی ۲۰۱۸»، آلمان به‌عنوان بهترین کشور دنیا در CIPI ۲۰۱۸ را دارا است. این کشور توانسته از ابتدا از سال ۲۰۰۰ همه ساله جایگاه خود را به‌عنوان رقابت‌پذیرترین کشور جهان در حوزه صنایع حفظ نماید. در ادامه این رتبه‌بندی ژاپن، چین، ایالات متحده آمریکا، کره جنوبی و سوئیس به‌عنوان بهترین، آماده‌ترین و کارآمدترین کشورها در CIPI در رده‌های ۲ تا ۶ قرار دارند. بدین ترتیب، سه کشور شاخص جهان آلمان، ژاپن و چین، ۷ کشور شاخص از رهبران منطقه‌ای آمریکا، کره، سوئیس، مکزیک، تایلند، اسرائیل و آفریقای جنوبی؛ و گروه در حال توسعه از جمله ترکیه، را برشمرد.

۳. تغییر رتبه‌ها: در این رتبه‌بندی چین توانسته با افزایش ۲/۶ درصدی نمره جایگاه آمریکا را در رده سوم تصاحب کند. البته این جابه‌جایی را می‌توان تا حدی ناشی از افت عملکرد آمریکا دانست؛ تنها کشوری که در میان ۱۰ رتبه برتر، نمره آن کاهش یافته است. سایر ۱۰ کشور حتی تا رتبه ۳۰ کشور برتر این رتبه‌بندی با بهبود نمره، ولی بدون تغییر رتبه، جایگاه پیشین را حفظ کرده‌اند. در این گزارش برخی کشورها نسبت به سایرین عملکرد چشمگیری داشته‌اند. بر این اساس در میان ۳۵ رتبه نخست، بهترین بهبود با جهش ۳ پله‌ای، متعلق به پرتغال و اسلوانی است. بین رتبه‌های ۳۶ تا ۷۰، دو کشور بلغارستان و ویتنام توانسته با ۳ و ۲ پله ترقی رتبه ارتقا دهند، در مقابل دو کشور ونزوئلا و ایران به‌ترتیب با ۷ و ۵ پله تنزل، در رده‌های ۶۸ و ۵۸ قرار گیرند.

۴. برترین رتبه‌ها: در میان مناطق جهان، اروپا و اوراسیا عملکرد خود را به‌عنوان رقابت‌پذیرترین منطقه در حوزه عملکرد صنعتی حفظ کرده‌اند. ۱۷ کشور از ۳۰ رتبه برتر در این منطقه واقع‌اند. این منطقه یکی از غنی‌ترین منابع سه‌گانه بهبود CIPI را دارد و از زیرساخت‌های بهره‌وری، فناوری و نوآوری پیشگام بهره می‌برد.

۵. خاورمیانه و شمال آفریقا: اسرائیل، ترکیه و عربستان به‌ترتیب با احراز جایگاه ۱ تا ۳ در شاخص CIPI در منطقه منای پیشرو هستند. بیشترین تحول چشمگیر در CIPI کشورهای صادرکننده نفت، از جمله عربستان، امارات متحده عربی و عمان در دهه گذشته رخ داده است. در همان زمان، بحران سیاسی و اجتماعی در تعدادی از کشورهای منطقه منای CIPI را با کاهش مواجه کرده است برای نمونه در سوریه و یمن.

۶. **تغییر رتبه ایران:** به گزارش «یونیدو»، ایران از لحاظ CIPI، در جایگاه ۵۸ جهان و ۸ منطقه منا قرار دارد. شاخص CIPI ایران در جهان طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۹۰، با ۲۷ رتبه بهبود، به جایگاه ۵۸ ارتقا یافته است. در این بین، شاخص عملکرد رقابت پذیری صنعتی سه کشور امارات متحده عربی، عمان و ایران به ترتیب با ۴۳، ۳۴ و ۲۷ رتبه بهبود، به جایگاه ۴۱، ۶۶ و ۵۸ جهان ارتقا یافته است و در مقابل شاخص CIPI عراق، سوریه و الجزایر به ترتیب با ۲۴، ۱۵ و ۱۳ رتبه تنزل، به جایگاه ۱۴۶، ۱۱۲ و ۹۴ جهان سقوط کرده است.

۷. **رتبه منطقه ای ایران:** سه کشور اسرائیل، ترکیه و عربستان سعودی به ترتیب بهترین و در مقابل سه کشور عراق، یمن و سوریه ضعیف ترین جایگاه را در شاخص CIPI و ابعاد سه گانه آن در ۱۹ کشور منطقه منا به دست آورده اند. در این بین، ایران در میانه ۱۹ کشور منطقه منا در جایگاه ۸ در شاخص CIPI و ابعاد سه گانه آن قرار دارد. از سه مولفه کلیدی شاخص CIPI، ایران در مولفه نفوذ جهانی (رتبه ۴۲)، ظرفیت تولید و تجارت (رتبه ۷۸) و پیچیدگی و تعمیق فن آوری (رتبه ۸۲) را احراز کرده است.

۸. **رتبه تعدیل یافته عملکرد رقابت صنعتی ایران:** با ارزیابی مجدد شاخص CIPI با ملاحظات زیست محیطی^۱ امتیاز عددی و رتبه کشورها نیز دسوخوش تغییراتی شده است. در این بین رتبه تعدادی از کشورها، بهبود و رتبه برخی کشورها رو به افول گذاشته است. در این بین با تعدیل شاخص، امتیاز عددی شاخص عملکرد رقابت پذیری صنعتی ایران (۰/۴۵۷) به شاخص CIP تعدیل یافته (۰/۱۰۹) با ۷۶/۲۸ درصد کاهش مواجه شد و بنابراین شاخص CIP تعدیل یافته ایران با ۱۹ رتبه تنزل، جایگاه ایران از ۵۸ به ۷۸ افت می کند.

۹. **عوامل بهبود توسعه پایدار:** شاخص CIPI ۱۵۰ اقتصاد جهان که در مجموع بیش از ۹۸ درصد از تولید ناخالص داخلی و بخش صنعت جهان را پوشش می دهند بر مبنای عوامل و سیاست هایی که منجر به توسعه پایدار این بخش می شوند، در ۳ حوزه اصلی ۸ زیرشاخص مورد ارزیابی قرار می گیرد. بر این اساس ابزار مقایسه ای استراتژیک برای کسب و کارها و دولت ها محسوب می شود تا بخش صنایع را به طور پایدار و سازگار توسعه دهند. این مهم با امکان مقایسه و الگوبرداری از پیشرفت هایی که سایر کشورها در حوزه رقابت صنایع دارند و اطلاع از سیاست ها و سرمایه گذاری های آنها تحقق می یابد. ابعاد سه گانه شاخص CIPI

۱ ارزش افزوده صنعتی و انتشار CO₂: بر مبنای مطالعه روند ۱۵ ساله از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ رابطه بین دو متغیر ارزش افزوده صنعتی و انتشار CO₂ در گروه کشورهای جهان نتیجه می شود که در سه گروه کشورهای پایین، متوسط به پایین و متوسط، ارزش افزوده صنعتی به تناسب انتشار CO₂ پایین تری به دست می آید. حال آن که در گروه کشورهای متوسط به بالا، بین ارزش افزوده صنعتی و انتشار CO₂ رابطه تنگاتنگ مثبت وجود دارد. حال آن که در کشورهای توسعه یافته با رتبه برتر در جهان، رابطه ارزش افزوده صنعتی با انتشار CO₂ طی این دوره با رابطه ای منفی مواجه بوده است. در واقع در این گروه کشورها، تولیدات صنعتی کاملاً با ملاحظات زیست محیطی عجین بوده است. نهایتاً در این بین، چین یک استثنا است، به طوری که از ابتدای دوره تا ۲۰۱۰ ارزش افزوده صنعتی و انتشار CO₂ به موازات هم روبه افزایش بوده است، منتهی در دهه ۲۰۱۰ ارزش افزوده با ملاحظات زیست محیطی کاملاً آشکار است.

تحلیل می‌شود:

۱۰. **مولفه (۱): ظرفیت تولید و صادرات کالاهای صنعتی:** ایران با احراز رتبه ۷۸ در ظرفیت تولید و صادرات کالاهای صنعتی عملکرد ضعیفی دارد. دو نماگر تبیین‌کننده این مولفه نیز ضعیف ارزیابی می‌شود. (۱) نخست ارزش افزوده سرانه صنایع (دلار، به قیمت ثابت ۲۰۱۰) از ۷۴۶ دلار در سال ۲۰۱۰ به ۷۰۸ دلار در سال ۲۰۱۵ رو به کاهش گذاشته است. حال آن که در سال ۲۰۱۵ سوئیس با ۱۴۴۰۴ دلار و ترکیه با ۱۸۱۴ دلار جایگاه نخست در جهان و منطقه کسب کرده‌اند. عملکرد ایران در مقایسه با این دو کشور در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۴/۹ و ۳۹ بوده است و در واقع شکاف عظیمی بین آنچه هست و آنچه باید باشد، وجود دارد. (۲) دوم صادرات سرانه صنایع کارخانه‌ای (دلار، جاری) از ۳۷۹ دلار در سال ۲۰۱۰ به ۳۴۲ دلار در سال ۲۰۱۵ رو به کاهش گذاشته است. حال آن که در سال ۲۰۱۵ سنگاپور با ۲۷۴۷۶ دلار و ترکیه با ۱۵۴۹ دلار جایگاه نخست در جهان و منطقه کسب کرده است. عملکرد ایران در مقایسه با این دو کشور در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۱/۲ و ۲۲/۱ بوده است و در واقع شکاف بزرگی بین آنچه هست و آنچه باید باشد، وجود دارد. بی‌تردید با دستیابی ایران در هر دو شاخص به جایگاه نخست منطقه، ارزش افزوده و صادرات سرانه صنایع کارخانه‌ای ایران به ترتیب از ۲/۵ تا ۵ برابر قابل افزایش است. این میزان افزایش، مستلزم به‌کارگیری عوامل بنیادین بهره‌وری، فن‌آورانه و نوآورانه با حذف انواع موانع پیش‌رو به فعلیت یافتن ظرفیت تولید و صادرات صنایع ایران است.

۱۱. **مولفه (۲): روزآمدی و تعمیق فن‌آورانه صنعتی:** ایران با احراز رتبه ۸۲ در روزآمدی و تعمیق فن‌آورانه صنعتی، ضعیف‌ترین رکن شاخص CIPI را کسب کرده است. ۴ نماگر تبیین‌کننده آن ضعیف ارزیابی می‌شود. (الف) نخست سهم ارزش افزوده صنایع با فناوری بالا و متوسط از کل صنعت (%، دلاری جاری) از ۴۵/۷ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۳۹/۸ درصد در سال ۲۰۱۵ رو به کاهش گذاشته است. حال آن که در سال ۲۰۱۵ سوئیس با ۸۴/۸ درصد و ترکیه با ۲۹/۹ درصد جایگاه نخست در جهان و منطقه را کسب کرده است. عملکرد ایران در مقایسه با سوئیس و ترکیه در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۴۹/۵ و ۱۳۳/۳ بوده است. در واقع در این شاخص ایران از ترکیه پیشی گرفته است که ریشه در شکاف در اندازه صنایع دو کشور و ساختار صنایع و نوع تعریف صنایع با فناوری بالا و متوسط است. (ب) دوم شاخص ارزش افزوده صنایع از تولید ناخالص داخلی (GDP) (%، دلار به قیمت ثابت ۲۰۱۰) ایران از ۱۱/۸ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۱۲ درصد در سال ۲۰۱۵، بدون تغییر بوده است. حال آن که در سال ۲۰۱۵ چین با ۳۲/۲ درصد و ترکیه با ۱۵/۸ درصد جایگاه نخست را در جهان و منطقه کسب کرده است. عملکرد ایران در مقایسه با چین و ترکیه در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۳۷/۲۳ و ۷۶/۱، پایین بوده است. (ج) سوم سهم صادرات صنایع با فناوری بالا و متوسط از کل صادرات صنعت (%، دلار جاری) از ۲۳/۹ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۳۱/۷ درصد در سال ۲۰۱۵، ۵/۸ درصد رشد را شاهد بوده است. همان

طور که قبلاً یادآوری شد ریشه این افزایش در اندازه صادرات صنایع و ساختار صنایع و نوع تعریف صنایع با فناوری بالا و متوسط برمی‌گردد. حال آن که رقم این شاخص در سال ۲۰۱۵ برای کره ۷۶/۲ درصد و ترکیه ۴۱/۸ درصد بوده، که جایگاه نخست در جهان و منطقه را کسب کرده‌اند. عملکرد ایران در مقایسه با آن دو در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۴۱/۶ و ۷۵/۹ بوده است. (د) چهارم سهم صادرات صنعتی از صادرات (%، دلار جاری) از ۳۳/۶٪ در سال ۲۰۱۰ به ۱۹/۷٪ در سال ۲۰۱۵، ۱۰/۱- درصد رشد (منفی) را شاهد است. حال رقم این شاخص در سال ۲۰۱۵ برای کره ۹۷/۳ درصد و ترکیه ۸۴/۷ درصد، جایگاه نخست در جهان و منطقه را کسب کرده‌اند و عملکرد ایران نسبت به آن دو از ۱۰۰ به ترتیب ۲۰/۲۵ و ۲۳/۲۶ بوده است.

۱۲. مولفه (۳): نفوذ جهانی: ایران با احراز رتبه ۴۲ در نفوذ جهانی عملکرد به نسبت مناسبی را در مقایسه با دو مولفه دیگر CIPI کسب کرده است، هرچند این مولفه و دوناگر تبیین‌کننده در مقایسه با عملکرد مطلوب جهانی و منطقه‌ای مناسب ارزیابی نمی‌شود. نخست نفوذ کشور در ارزش افزوده صنایع جهان (%، دلار ثابت ۲۰۱۰) از ۵۳/۵ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۴۷/۰ درصد در سال ۲۰۱۵، با ۰/۰۶ درصد واحد با رشد ۲/۴- روبه کاهش گذاشته است. حال آن که در سال ۲۰۱۵ چین با ۲۳/۵ درصد و ترکیه با ۱/۲ درصد در جایگاه نخست جهان و منطقه کسب کرده‌اند. عملکرد ایران در مقایسه با چین و ترکیه در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۲/۰ و ۳۹/۵ بوده است. دوم نفوذ کشور در صادرات صنایع جهان (%، دلار جاری) از ۲۶/۰ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۲۰/۰ درصد در سال ۲۰۱۵، ۰/۰۶ درصد واحد روبه کاهش گذاشته است. حال آن که در سال ۲۰۱۵ چین با ۱۸/۳۵ و ترکیه با ۱/۰۱ درصد جایگاه نخست در جهان و منطقه را داراست. عملکرد ایران در مقایسه با چین و ترکیه در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۱/۱ و ۱۹/۸ بوده است. بی‌تردید با دستیابی ایران در هر دو شاخص به جایگاه نخست منطقه، نفوذ کشور در ارزش افزوده و صادرات صنایع جهان از ۲/۵ تا ۵ برابر قابل افزایش است.

جدول ۳. ابعاد اصلی سه‌گانه و زیرشاخص‌های شاخص ترکیبی عملکرد رقابت صنعتی ایران و مقایسه تطبیقی آن

شرح	تحولات ساختار صنعتی ایران			رتبه نخست جهان		نخست منطقه (ترکیه)		شاخص عملکرد ایران	
	۲۰۱۰	۲۰۱۵	شاخص و (رشد)	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	جهان	منطقه
مولفه (۱): ظرفیت تولید و صادرات کالاهای صنعتی	...	۷۸	-	...	ایرلند	-	۵۰		
شاخص (۱): ارزش افزوده سرانه صنایع کارخانه‌ای (دلار، قیمت ثابت ۲۰۱۰)	۷۴۶	۷۰۸	۹۴/۹ (-۱/۰۴)	سوئیس (۱۳۶۶۴)	سوئیس (۱۴۴۰۴)	۱۵۷۷	۱۸۱۴	۴/۹۲	۳۹/۰۳



شرح	تحولات ساختار صنعتی ایران			رتبه نخست جهان		نخست منطقه (ترکیه)		شاخص عملکرد ایران	
	۲۰۱۵	۲۰۱۰	شاخص و (رشد)	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۰	جهان	منطقه
شاخص (۲): صادرات سرانه صنایع کارخانه‌ای (دلار، جاری)	۳۷۹	۳۴۲	۹۰/۲ (-۲/۰۳)	سنگاپور (۳۲۲۲۲)	سنگاپور (۲۷۴۷۶)	۱۳۸۱	۱۵۴۹	۱/۲۴	۲۲/۰۸
مولفه (۲): روزآمدی و تعمیق فن‌آورانه صنعتی	...	۸۲	-	...	کره جنوبی	-	۴۱		
شاخص (۳): سهم ارزش افزوده صنایع با فناوری بالا و متوسط از کل صنعت (%، دلار جاری)	۴۵/۷	۳۹/۸	۸۷/۱ (-۲/۷۳)	سنگاپور (۸۴/۸)	سنگاپور (۸۰/۴)	۳۲/۳۲	۲۹/۸۶	۴۹/۵۰	۱۳۳/۲۹
شاخص (۴): سهم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای از GDP (%، دلار ثابت ۲۰۱۰)	۱۱/۸	۱۲/۰	۱۰۱/۷ (+۰/۳۴)	چین (۳۱/۹۵)	چین (۳۲/۱۵)	۱۵/۶۰	۱۵/۷۶	۳۷/۳۳	۷۶/۱۴
شاخص (۵): سهم صادرات صنایع با فناوری بالا و متوسط از کل صادرات صنعت (%، دلار جاری)	۲۳/۹	۳۱/۷	۱۳۲/۶ (+۵/۸۱)	کره جنوبی (۷۵/۸۵)	کره جنوبی (۷۶/۱۷)	۴۲/۵۰	۴۱/۷۹	۴۱/۶۲	۷۵/۸۶
شاخص (۶): سهم صادرات صنعتی از کل صادرات (%، دلار جاری)	۳۳/۶	۱۹/۷	۵۸/۶ (-۱۰/۱۳)	کره جنوبی (۹۶/۸۵)	کره جنوبی (۹۷/۲۶)	۸۷/۷۱	۸۴/۷۱	۲۰/۲۵	۲۳/۲۶
مولفه (۳): نفوذ جهانی	...	۴۲	-	...	چین	-	۲۲		
شاخص (۷): نفوذ کشور در ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای جهان (%، دلار ثابت ۲۰۱۰)	۰/۵۳	۰/۴۷	۸۸/۷ (-۲/۳۷)	چین (۱۸/۵۱)	چین (۲۳/۴۶)	۱/۱۰	۱/۱۹	۲/۰	۳۹/۵۰
شاخص (۸): نفوذ کشور در صادرات صنایع کارخانه‌ای جهان (%، دلار جاری)	۰/۲۶	۰/۲۰	۷۶/۹ (-۵/۱۱)	چین (۱۳/۹۸)	چین (۱۸/۳۵)	۰/۹۲	۱/۰۱	۱/۰۹	۱۹/۸۰
شاخص عملکرد رقابت پذیری صنعتی	۵۳	(۰/۰۴۸۲)۵۸	-۵	-	آلمان (۰/۵۲۳۴)	-	۲۹ (۰/۱۲۴۲)	۹/۲۱	۳۸/۸۱

ماخذ: گزارش یونیدو، ۲۰۱۹.

جمع بندی

ارزیابی از CIPI ایران، ابعاد سه‌گانه و ۸ زیرشاخص آن در مقیاس جهانی و حتی منطقه‌ای، گویای فاصله و شکاف بالا از آنچه که هست و آنچه که باید باشد، را نشان می‌دهد. در جمع‌بندی کلی نهایتاً باید گفت شکاف کارنامه/ شاخص و نمره/ امتیاز عددی CIPI ایران و ترکیه، دو همسایه در مجاورت یکدیگر بسیار فاصله دارد.



برای مثال، نمره عددی CIPI ترکیه تا ۲/۶ برابر ایران، و همچنین ترکیه با رتبه ۲۹ در مقایسه با ایران با رتبه ۲۹، ۵۸ رتبه در جایگاه برتر قرار دارد. این شکاف و فاصله در شاخص CIPI دو کشور ریشه در سه مولفه ظرفیت تولید و صادرات کالاهای صنعتی، روزآمدی و تعمیق فناوریانه صنعتی و نفوذ جهانی در صنایع ترکیه در مقایسه با ایران دارد. با وجود آن که در دو دهه گذشته شاخص CIPI ایران پرنوسان و بی ثبات بوده و چشم انداز آن مناسب ارزیابی نمی شود. چراکه بیم آن می رود با انواع محدودیت های فراروی اقتصاد صنعتی ایران بویژه با تشدید تحریم ها، چشم انداز CIPI ایران نامساعدتر شود. مجموعه عواملی که در جذب فناوری و نوآوری بالا، و افزایش عملکرد صادرات و رقابت پذیری تعیین کننده بوده، عبارتست از: عوامل تولید قابل دسترس، سیاست های دولت، کیفیت آموزش و نظام آموزشی و زیرساخت ها. به منظور ارتقای شاخص CIPI ایران تمهیدات لازم در هر ۴ مجموعه عوامل پیش گفته صورت پذیرد. برای بهبود وضعیت موجود، لازم است که سیاست ها و اقدامات موجود در کشور مورد بازبینی، و موضوعات ذیل اصلاح شود:

الف) بازبینی نقش و کارکردهای سازمان مالکیت معنوی در جهت توسعه دانش بنیان: برای دستیابی

به این هدف، لازم است تمهیداتی اندیشیده شود که قوه مجریه و بویژه بخش های متولی صنعت و فناوری در دولت، بتوانند برای تحقق اهداف و وظایف از این سازمان به عنوان مجرای اعمال حاکمیت در زمینه توسعه دانش بنیان استفاده کنند.

ب) اهرم سازی FDI برای توسعه فناوری: جذب FDI و جهت دهی آن به سمت توسعه زنجیره ارزش در

صنایع راهبردی، دانش بنیان و صادراتی از راهکارهایی است که می تواند به توسعه فناوری کشور منجر شود. جهت دستیابی به این هدف، تدوین و پیاده سازی برنامه هایی برای افزایش جذب FDI با کاهش ریسک و هزینه های سرمایه گذاری خارجی از طریق تسهیل رویه های کسب و کار، پیاده سازی مشوق های هدفمند جهت جذب FDI با رویکرد پیوستن صنایع ایرانی به زنجیره ارزش جهانی و هدفمندسازی مشوق های جذب FDI در جهت توسعه کانال های سرریز فناوری به بنگاه های داخلی می تواند مدنظر قرار گیرد.

ج) تقاضا محور کردن برنامه های دانشگاهی: برای نیل به این مهم، تدوین و پیاده سازی برنامه هایی

مانند «ایجاد بانک ملی اطلاعات عرضه و تقاضای علم و فناوری به منظور برقراری ارتباط بین نیازهای دستگاه های اجرایی با توانمندی های مراکز پژوهشی»، «حمایت از تقاضا محور کردن آموزش و پژوهش دانشگاهی به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی از طریق هدایت رساله ها، دوره های مشترک پسادکتر، فرصت های مطالعاتی، تحقیقات مشترک، کارورزی و نظایر آن»، «توسعه ی شبکه آزمایشگاهی بین دانشگاه ها با هدف تسهیل و رقابتی کردن ارائه خدمات آنها به بخش صنعت»، «تقویت فرآیند تجاری سازی در دانشگاه ها و رفع گلوگاه های آن» و «تعمیق بودجه ریزی عملیاتی در دانشگاه ها و تامین بخشی از بودجه آنها

از طریق ارتباط با صنعت؛ می‌تواند راهگشای ارتباط مناسب‌تر صنعت و دانشگاه در جهت توسعه فناوری در صنایع باشد.

د) پیاده‌سازی دقیق نظام‌نامه پیوست فناوری: انتقال فناوری‌های نوین به بنگاه‌های صنعتی از طریق پیاده‌سازی پیوست فناوری در قراردادهای بزرگ داخلی و بین‌المللی، از دغدغه‌های سیاست‌گذاران صنعتی است. البته دستیابی به این هدف، نیازمند افزایش سطح دانش و «ظرفیت جذب» شرکت‌های ایرانی از طریق تشویق انجام تحقیق و توسعه داخلی است. پیش‌بینی پذیرکردن تقاضای محصولات فناوری محور ارگان‌های دولتی و تضمین بخشی از فروش محصولات شرکت‌های دانش‌بنیان پیشرو در زمینه انتقال فناوری‌های نوین از دیگر راهکارهاست. برای شناسایی شرکت‌های واجد صلاحیت دریافت تضمین خرید دولتی، «سامانه پایش و ارزیابی تولیدکنندگان داخلی» راه‌اندازی شود.

ه) تقویت تنظیمات بخش مستقل: دستیابی به این هدف، مستلزم اصلاح ماده ۵۹ قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در جهت تعیین تکلیف نحوه تاسیس نهادهای تنظیم‌گرمستقل یا رگولاتورهای تخصصی بخشی است. «طراحی و راه‌اندازی نظام ارزیابی و رتبه‌بندی آنلاین» از دیگر مواردی است که به پیاده‌سازی قوانین ضدانحصار کمک کند.

و) نهایتاً ارتقای شاخص CIPI و ابعاد سه‌گانه آن برای ایران تا ۳۰ رتبه بهبود، مستلزم به‌کارگیری عوامل بنیادین بهره‌وری، فن‌آورانه و نوآورانه با حذف انواع موانع پیش‌رو فعلیت یافتن ظرفیت تولید و صادرات صنایع محقق می‌شود.

۴. تحلیل سیاست تجاری ایران با تاکید بر کارکرد مجوزها

۴-۱. سیاست تجاری ایران و سازمان جهانی تجارت

سازمان جهانی تجارت مهم‌ترین نهاد بین‌المللی است که بر فعالیت‌های اقتصادی و خصوصاً تجاری کشورها اثرگذار است. از آغاز سال ۱۹۹۵ سازمان جهانی تجارت جایگزین گات شد. هدف این سازمان ایجاد یک نظام قانونمند تجاری بین اعضا برای افزایش اشتغال، درآمد، تقاضای موثر و سطح زندگی در محیطی قابل پیش‌بینی، مطمئن و شفاف عنوان شده به طوری که توسعه تجارت روندی پایدار داشته و با حفظ محیط زیست مغایر نباشد. ایران از جمله کشورهایی است که هنوز به عضویت این سازمان در نیامده است.^۱ الحاق ایران به این سازمان یکی از چالشهای مهم فراروی حوزه تجارت خارجی است که از مدت‌ها پیش بسیاری از حوزه‌ها را تحت الشعاع خود قرار داده است.

۱. این سازمان در حال حاضر ۱۶۴ عضو دایم دارد و چند کشور نیز عضو ناظر هستند، ایران عضو ناظر این سازمان است که در نشست می (۲۰۰۵) شورای عمومی مطرح شده و ایران رسماً بعنوان عضو ناظر این سازمان پذیرفته شد که نخستین گام در جهت پیوستن کشور به این سازمان است.

از سه دهه گذشته، ایران گام‌های بلندی در جهت نزدیک کردن نظام تجاری خود با مقررات این سازمان که در هم‌اکنون به یکی از بزرگترین و مؤثرترین نهادهای بین‌المللی در زمینه سیاستگذاری تجارت جهانی تبدیل شده، آغاز کرده است. در این راستا و به منظور تعامل توسعه‌مند با اقتصاد جهانی و نظام تجاری چندجانبه، ایران طی سال‌های اخیر اقدامات مثبت و تاثیرگذاری را در عرصه تجارت و اقتصاد کشور انجام داده که از آن جمله می‌توان به اقداماتی نظیر حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن به معادل‌های تعرفه‌ای، تصویب قانون تجمیع عوارض وارداتی، حذف بیش از ۹۰ درصد مجوزهای ورود، تجدیدنظر در قانون مالیاتهای مستقیم، کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکتها، تصویب قانون سرمایه‌گذاری خارجی، تصویب قانون تجارت الکترونیک، اصلاح مقررات صادرات و واردات، تسهیل تجاری و راه‌اندازی مرکز اطلاع‌رسانی بازرگانی، ایجاد مدیریت و نظام تک‌نرخ ارز، مکانیزه کردن امور گمرکی، تدوین رژیم تجاری و پیگیری مذاکرات ترجیحی تجارت آزاد در سطح دوجانبه و منطقه‌ای و تنظیم برنامه‌های توسعه، اشاره کرد.

از اهداف برنامه‌های توسعه، تقویت برونگرایی در اقتصاد و استفاده از فرصت‌های جهانی شدن اقتصاد بوده که گسترش و توسعه مناسبات تجاری و اقتصادی با کشورها و سازمانهای بین‌المللی عضویت در شکل‌های منطقه‌ای، تنظیم تراز تجاری و نهایی نمودن گزارش رژیم تجاری از اهم اقدامات اساسی توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت (و قبل از آن وزارت بازرگانی) جهت تقویت برون‌گرایی بوده که در برنامه‌های توسعه نیز مورد تاکید قرار گرفته است. اگرچه وزارت خانه مذکور اقدامات قانونی خویش در چارچوب الحاق به WTO در برنامه‌های توسعه اجرا نمود، اما متأسفانه به علت وجود موانع سیاسی در طی مراحل الحاق به این سازمان و و متعاقباً تشدید تحریم‌های اقتصادی و تجاری چندجانبه شورای امنیت و ثانویه از جانب ایالات متحده آمریکا، هنوز فرایند الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت نهایی نشده است. در این بین، در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ با خروج آمریکا از برجام و متعاقباً تشدید و گسترش تحریم‌ها و فراگیری آن تحریم‌ها، نظام و رژیم تجاری ایران از ثبات و پیش‌بینی‌پذیری مناسب فاصله گرفته و اوج تلاطمات و بی‌ثباتی را در سیاست تجاری و تجارت بین‌الملل ایران در این مدت شاهد بودیم.

۲-۴. ناهماهنگی سیاست تجاری ایران و همسوی نبودن آن‌ها

از چالش‌های اساسی تجارت کشور، ناهماهنگی سیاستهای اقتصادی و همسوی نبودن آن‌ها، بویژه سیاست تجاری نامناسب، بی‌ثباتی ارز و نظام ارزی ناهماهنگ و نرخ بالای تورم است که مطالعات متعددی بر این موضوع صحنه گذاشته‌اند. در میان سیاستهای اقتصادی مرتبط با تجارت، سیاست‌های ارزی، پولی و مالی نقش برجسته‌ای ایفاء می‌نمایند. این سیاستها ضمن تاثیرگذاری بر یکدیگر آثار خود را بر پیشبرد یا متوقف‌سازی اثرات سیاست تجاری بر جای می‌گذارند. از این رو سازگاری بین سیاستها از پیچیده‌ترین



اقدامات اقتصادی در عرصه سیاستگذاری با توجه به اهداف برنامه‌های توسعه است. در سالهای پس از انقلاب و تاکنون، در بسیاری مقاطع رژیم ارزی کشور بر مبنای نظام چند نرخي استوار بود که همین امر شکاف بین دو نرخ ارز رسمی و بازار آزاد را در طول زمان افزایش می‌داد، به نحوی که اختلاف بین این دو نرخ در برخی ادوار به بالاترین حد رسیده است.^۱ به طوری که در دو دهه گذشته بویژه دومرحله درنیمه نخست و نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ رخ افتاد. آنچه در رژیم ارزی فعلی حائز اهمیت است، پایداری نرخ ارز و نحوه تعدیل یا مدیریت آن در شرایط تورمی است. حتی در شرایط تحقق درآمدهای مورد نیاز نفتی برای تثبیت نرخ ارز و در صورت عدم کنترل تورم داخلی، قیمت کالاهای داخلی در مقایسه با واردات افزایش یافته و در نهایت تقاضا برای واردات افزایش می‌یابد؛ و ضرورت کسب درآمداً ارزی بیشتری را بوجود می‌آورد. از دیگر سو، افزایش قیمت‌های داخلی منجر به افزایش هزینه تولید و بالا رفتن قیمت صادرات غیرنفتی، مشکلات رقابتی در عرصه بین‌المللی و کاهش صادرات در دهه ۱۳۹۰ منجر گردید.

بدین ترتیب با توجه به شرایط تورمی در جامعه، دو نگرش عمده وجود دارد؛ نگرش اول آن است که در چنین شرایطی سیاست افزایش نرخ برابری ارز که آثار آن در بهبود تراز پرداختها (افزایش صادرات و کاهش واردات) ظاهر خواهد گردید، دنبال شود. در مقابل مخالفین این سیاست معتقدند که حتی اگر در کوتاه‌مدت بهبود در تراز پرداخت صورت گیرد، پایدار نخواهد بود و در بلندمدت به وخیم‌تر شدن تراز پرداختها می‌انجامد به‌ویژه آنکه در حدود ۸۵ درصد واردات کشور را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهند و افزایش نرخ ارز منجر به افزایش قیمت کالاهای تولیدی و از جمله کالاهای صادراتی رقابت‌پذیر خواهد گردید.

با توجه به مجموعه مطالعات داخلی، کنترل تورم در مقایسه با تعدیل نرخ ارز از اولویت بالاتری برخوردار بوده و همین امر ضرورت اتخاذ سیاست پولی و مالی مناسب و سازگار با سیاست تجاری منطقی را به وجود می‌آورد. با این مقدمه و طرح کلی مسئله، در ادامه در خصوص تحلیل کارکرد مجوزهای مربوط به بازیگران تجارت: کارت بازرگانی، ثبت سفارش و نقش دولت در شکل‌گیری انحصار در حوزه تجارت پرداخته می‌شود. در واقع شرط دسترسی به بازار خارجی، منوط به داشتن کارت بازرگانی است. برخورداری از کارت بازرگانی لازم است یا نه؟

^۱ سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در چند دهه اخیر برای چندمین بار وضع شد. برای نمونه در سال ۱۳۸۱ نرخ ارز رسمی به ۸۰۰۰ ریال به ازاء یک دلار آمریکا افزایش یافت و رژیم ارزی رسماً به رژیم ارزی شناور مدیریت شده تبدیل شد. این نرخ برای ۱۳۸۲ با اتکاء به درآمدهای سرشار نفتی تثبیت شد. اما در سال ۱۳۸۳ به بعد به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی، افزایش تقاضای داخلی، و چالش‌هایی نظیر منازعات هسته‌ای ایران نرخ بازار آزاد با نرخ رسمی اعلام شده فاصله گرفت. با یکسان‌سازی نرخ ارز در ابتدای دهه ۱۳۹۰، متعاقباً در طول این دهه پیوسته بر شکاف نرخ رسمی و آزاد افزوده شد.



۳-۴. کارت بازرگانی

اینکه آیا می‌بایست برای دسترسی تجار به بازارهای خارجی شرط داخلی گذاشت یا نه، از جمله مباحث مورد اختلاف بخش خصوصی و دولتی است. اگر بر ضرورت شرط‌گذاری بر دسترسی به بازار خارجی، تفاهمی حاصل شد، اینکه کدام بخش می‌بایست امر شرط‌گذاری و یا سنجش شروط را بر عهده بگیرد، دغدغه بعدی در این خصوص است. اما نکته مهم در شرط‌گذاری، نحوه برخورد افرادی است که شرایط بر آنها تحمیل شده و ایشان ملزم به رعایت آنها می‌باشند. در برخی موارد این قبیل افراد، راه‌های در رو یا میانبری را برای دور زدن شروط و عدم رعایت آنها و یا رعایت آنها به نحوی که مورد دلخواهشان باشد، رخ می‌نماید که در این صورت شرط‌گذار را با چالش‌هایی برای رفع آنها مواجه می‌نماید. در این قسمت، وضعیت کارت بازرگانی به عنوان اصلی‌ترین شرط دسترسی تجار ایرانی به بازار خارجی بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

۴-۳-۱. تاریخچه کارت بازرگانی

پیش از انقلاب، لایحه تشویق صادرات و صدور پروانه بازرگانی خارجی در تاریخ ۱۳۳۱/۹/۳۰ در دو فصل مصوب شد.^۱ نخست، موضوع تشویق صادرات و فصل دوم موضوع صدور پروانه بازرگانی را مورد توجه قرار می‌دهد. براساس ماده ۸ قانون فوق، بازرگانانی که در ایران به تجارت می‌پردازند باید دارای پروانه مخصوص تجارت خارجی از وزارت اقتصاد ملی باشند. در عین حال با اعطای معافیتی محدود، ۷ شرط برای اعطای پروانه بازرگانی مشخص نمود. این قانون در واقع اقدام نخست در شرط‌گذاری دولت جهت دسترسی آحاد ملت به بازار خارجی است. در اعطای مجوز جهت ورود به بازار خارجی شروط مدنظر دولت عمدتاً موارد مرتبط با توانمندی، عدم تخلف و تعهد به پرداخت حقوق دولتی (مالیات) و تسویه پیمان ارزی توسط تاجر می‌باشد. درواقع این قانون آغازی بود بر اجباری شدن دریافت مجوز دولتی جهت ورود به حیطه بازرگانی خارجی. در سالهای پس از انقلاب، قانون مقررات صادرات و واردات در ۱۳۷۲/۷/۴ به تصویب رسید^۲ و براساس ماده ۳، "مبادرت به امر صادرات و واردات کالا به صورت تجاری مستلزم داشتن کارت بازرگانی است که توسط اتاق ایران^۳ صادر و به تأیید وزارت بازرگانی می‌رسد." و براساس تبصره ۱، ملاک تجاری بودن کالا و نیز نحوه صدور، تمدید و ابطال کارت بازرگانی مطابق آیین‌نامه اجرایی خواهد بود که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

طبق بند ۶ ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز^۴ مصوب ۹۲/۱۰/۳، وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) موظف شد با ایجاد سامانه یکپارچه اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اعتباری برای تجارت داخلی و خارجی،

۱. معاونت حقوقی ریاست جمهوری: qavanin.ir

۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: rc.majlis.ir

۳. اتاق بازرگانی، صنایع معادن و کشاورزی ایران ک باختصار اتاق ایران آورده شده است.

۴. معاونت حقوقی ریاست جمهوری: qavanin.ir



با همکاری ستاد و اتاق ایران و اتاق تعاون مرکزی ج.ا.ایران، صدور، تمدید و ابطال کارت بازرگانی را از طریق سامانه فوق با هدف پیشگیری از بروز تخلفات و قاچاق کالا و ارز ساماندهی نماید؛ منتها پیش از آن و در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۳۰، در اتاق ایران از سامانه یکپارچه کارت هوشمند بازرگانی رونمایی شده بود.^۱ در واقع، انجام تشریفات اولیه مربوط به صدور کارت بازرگانی با اتاق های بازرگانی بود و صدور نهایی از طرف وزارت اقتصاد وقت و سپس از طرف وزارت بازرگانی وقت به انجام می رسید.

۴-۳-۲. کاربردهای کارت بازرگانی

در ایران موارد کاربرد کارت بازرگانی محدود به تجارت نیست. از این کارت برای استفاده از (۱) تسهیلات بانکی، (۲) ثبت شرکت، (۳) ثبت علائم تجاری خارجی (غیرفارسی) در ایران، (۴) دریافت مالیات، (۵) تسویه حساب تأمین اجتماعی بازرگانان، (۶) ثبت سفارش و تخصیص ارز، (۷) مبادرت به حق العمل کاری در گمرک، (۸) صدور گواهی عضویت در اتاق ایران، (۹) صدور گواهی مبدأ، (۱۰) دریافت خدمات مشاوره حقوقی از اتاق، (۱۱) برخورداری از امکان حل و فصل اختلافات با مراجع دولتی و (۱۲) برخورداری از امکان دآوری در شرایط اختلاف با سایر فعالان اقتصادی برای دارندگان آن کاربرد دارد.

۴-۳-۳. اختلاف نظر در تعیین مرجع رتبه بندی

براساس نظر اتاق ایران موضوع رتبه بندی^۲ کاملاً به اتاق ایران واگذار شده است و ثانیاً امر رتبه بندی در اتاق در يك محیط کاملاً رقابتی انجام می شود درحالی که انجام رتبه بندی توسط وزارت صمت کاملاً انحصاری بوده و با سیاستهای کلی اصل ۴۴ و سیاستهای اقتصاد مقاومتی و ... مغایرت دارد.^۳ اما مرکز پژوهشهای مجلس براساس مستندات قانونی و بدون توجه به مبانی اقتصاد آزاد، معتقد است که مطابق با نص صریح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲ این امر به وزارت صمت واگذار شده و به نظر نمی رسد باعث ایجاد انحصار شود و به دلیل داشتن جنبه نظارتی و حاکمیتی، با قوانین و سیاستهای مطروحه نیز مغایرت ندارد.

^۱ <https://www.ilna.news/>

^۲ مطابق با بند ۶، ماده ۶، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: "وزارت صمت موظف است، با ایجاد سامانه یکپارچه اعتبارسنجی و رتبه بندی اعتباری برای تجارت داخلی و خارجی، با همکاری ستاد و اتاق ایران و اتاق تعاون مرکزی ج.ا.ایران صدور، تمدید و ابطال کارت بازرگانی را از طریق سامانه فوق با هدف پیشگیری از بروز تخلفات و قاچاق کالا و ارز ساماندهی نماید." اما در عمل این امر به اتاق واگذار شده که از منظر اصول تعارض منافع و قواعد رقابتی، واجد ایراد است. زیرا صرف نظر از دقت و انتخاب مناسب و درست این معیارها به نوعی به بازرگانان اجازه داده شده تا معیارهای رتبه بندی و اخذ امتیازات را خودشان تعیین و سپس خودشان در اتاق، رتبه بندی را انجام و از طرف دولت به خودشان امتیاز اعطا کنند

که این امر شبیه کژگزینی و اعطای رانت به برخی افراد را ایجاد می نماید

^۳ مرکز پژوهشهای مجلس، آسیب شناسی وضعیت صدور کارت بازرگانی و ارائه راهکارهای اصلاحی، تیر ۱۳۹۹.



۴-۳-۴. مشکلات مربوط به رویه فعلی صدور کارت بازرگانی:

با عنایت به امکان استفاده از حق توکیل در استفاده از کارت بازرگانی دیگران، مشکلاتی در استفاده از کارت بازرگانی توسط تجاری که مبادرت به خرید یا اجاره کارت بازرگانی دیگران می‌نمایند، پیش می‌آید.

الف. تشکیل بازار غیررسمی فروش و اجاره کارت‌ها:

برخی بازرگانان به منظور فرار از مالیات و عدم پرداخت حقوق گمرکی اقدام به استفاده از کارت بازرگانی افراد دیگر می‌نمایند. درواقع، به سبب سهولت بیش از حد شرایط دریافت کارت بازرگانی^۱، برخی بازرگانان با تطمیع اقشار کم‌درآمد جامعه و فریب ایشان، اقدام به دریافت کارت بازرگانی به نام این افراد نموده و سپس اقدام به تجارت با نام ایشان کرده و خود از پرداخت حقوق دولتی فرار می‌کنند. این افراد که عموماً در روستاهای دورافتاده زندگی کرده و از طریق درآمد حاصل از واگذاری کارت بازرگانی امرار معاش می‌نمایند، اغلب اطلاعی از تعهداتی که بر دوش آنها واگذار می‌شود، کمترین اطلاعی ندارند. دولت به‌هنگام رجوع به این افراد کم‌درآمد جهت دریافت حقوق دولتی، به سبب وضعیت بدمعیشتی این افراد، عموماً از دریافت حقوق منصرف می‌گردد.

از هنگامی که دولت، از ورود کالاهای با وضعیت‌ارزی نامشخص جلوگیری نموده، موضوع استفاده از کارت بازرگانی اجاره‌ای یا فروشی، پررنگ‌تر هم شده است. در بخش صادرات، بسبب تعهد صادرکنندگان به بازگشت ارز حاصل از صادرات، برخی از ایشان بسمت خرید یا اجاره کارت بازرگانی روی آورده‌اند. در مواقعی که دولت به دارندگان کارت بازرگانی منتخب جایزه می‌داد، انگیزه‌تجار به اجاره یا خرید کارت بازرگانی دیگران کاهش یافته بود.

ب. فرار از مالیات بر درآمد حاصل از تسعیر نرخ ارز

اخذ مالیات بر درآمد حاصل از تسعیر ارز طبق رای شورای عالی مالیاتی در سال ۱۳۷۵ لازم‌الاجرا شده است. هرچند این اقدام مخالف نص صریح قوانین برنامه‌ای سوم تا پنجم مبنی بر معافیت صادرات از هرگونه مالیات و عوارض می‌باشد؛ ج. عدم شفافیت در فضای اطلاعات بازرگانی کشور، د. افزایش انگیزه تخلف در بازرگانان به ویژه به شکل قاچاق کالا، و ه. عدم تعلق حقوق یا خدمات خاصی برای تجار از سوی اتاق‌های بازرگانی و صرف درآمدزایی ارایه کارت به تجار برای اتاق‌های بازرگانی.

۱. اغلب کشورهای دنیا الزامی به دریافت کارت بازرگانی ندارند و صرفاً اقدام به درج اطلاعات به جهت داشتن آمار لازمه می‌نمایند. منتها از صدور قوانین مانع‌زا در امر صادرات و واردات نیز خودداری می‌نمایند و این امر جلوی بروز فساد در میان تجار را از بین می‌برد. در ایران، دولت با صدور قوانین دست و پاگیر و مشکل‌ساز برای تجارت خارجی، خود زمینه بروز فساد را فراهم می‌نماید.



۴-۳-۵. نحوه مواجهه دولت با موضوع واگذاری کارت بازرگانی

رئیس سازمان توسعه تجارت در تاریخ ۱۳۹۶/۰۳/۱۶ اقدام به ارسال نامه به رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نمود و اعلام کرد نظر به اینکه برخی از اشخاص امتیاز کارت بازرگانی خود را بر خلاف مفاد ماده تبصره ۴ ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات به موجب وکالتنامه تام الاختیار جهت استفاده به غیر واگذار نموده و سبب فرار مالیاتی و حذف درآمدهای دولت می گردند و با عنایت به اینکه به موجب ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری "واگذاری امتیازات از جمله کارت بازرگانی" به صورت مبیعه نامه "وکالت" هبه "صلح و یا موارد مشابه مجاز نبوده، لذا نظر به شکایاتی که از سوی سازمان صمت استان ها، وزارت امورات اقتصادی و دارایی (سازمان امور مالیاتی کشور) ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دستگاه قضایی و اتاق بازرگانی واصل شده است، از این سازمان درخواست نموده تا به کلیه دفاتر اسناد رسمی کشور ابلاغ نماید که از تنظیم وکالتنامه و دیگر اسناد رسمی که بر خلاف ماده ۴ ماده فوق الذکر ماهیت آن واگذاری کامل امتیاز کارت بازرگانی (با عزل و بدون عزل وکیل) به غیر از دارنده آن می باشد، خودداری نمایند^۱. البته در همین نامه متذکر شده که قراردادهای خصوصی اشخاص در قالب وکالت نامه های محدود (کاری) که دارنده کارت (موکل) و ترخیص کار (وکیل) جهت ترخیص کالاهای متعلق به دارنده کارت بازرگانی طبق ماده ۶۰ قانون مدنی منعقد می گردد، همچنان به قوت خود باقی است.

هرچند در آیین نامه اجرایی قانون مزبور، چنین موضوعی مبنی بر عدم امکان واگذاری کارت بازرگانی به غیر، تصریح نشده است^۲. حتی در دو مورد اجازه های خلاف این موضوع به افراد ارایه شده است: "تبصره ۱، ماده ۲۱، کارگران و ایرانیان شاغل در خارج کشور که مشمول این ماده می باشند می توانند عاملیت واردات کالا را به تعاونی کارگران شاغل در خارج یا در صورت نبودن تعاونی به اشخاص دیگر واگذار کنند." و "بند ج، ماده ۲۷، واگذاری پروانه صادراتی به سایر واردکنندگان مجاز برای واردات کالاهای فوق بلامانع است." اما در ماده ۲ از قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری^۳ آمده است که: "هرکس بنحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می شود نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می شود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوء استفاده نماید و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم، و علاوه بر رد اصل مال به مجازات ۳ ماه تا ۲ سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد."

۱. سایت اطلاعات روز تجارت خارجی: <http://eplonline.ir/>

2. https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/115224

3. <https://salamatadari.ict.gov.ir/fa/ghavanin/low2->



۴-۳-۶. مجازات جرم استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر

تا قبل از الحاق ماده ۲۷۴ به قانون مالیاتهای مستقیم و جرم انگاری صریح استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر به قصد فرار از پرداخت مالیات، عمل مرتکبین این جرم به استناد ماده (۲) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاه برداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قابل تعقیب و مجازات بود؛ لیکن پس از تصویب آخرین اصلاحیه قانون مالیاتهای مستقیم جرم اشاره شده از جمله جرائم مالیاتی است که وفق مفاد ماده ۲۷۴ قانون مالیاتهای مستقیم مرتکب یا مرتکبان آن حسب مورد به مجازات درجه شش محکوم می شوند^۱. مستند به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازاتهای تعزیری به هشت درجه تقسیم می شود که مجازاتهای درجه شش عبارتند از: حبس بیش از شش ماه تا دو سال، جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال، شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت، محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال، انتشار حکم قطعی در رسانه ها، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال، ممنوعیت از صدور برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال.

بر اساس تبصره ماده ۳۶ قانون مذکور انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم مالیاتی که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر می شود. همچنین براساس بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی جرائم مالیاتی (جرائم مالیاتی که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد) مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی شوند. بر اساس ماده ۲۷۷ قانون مالیاتهای مستقیم، مرتکب یا مرتکبان جرائم مالیاتی علاوه بر مجازاتهای مقرر در مواد ۲۷۴ تا ۲۷۶ این قانون، مسئول پرداخت اصل مالیات و جریمه های متعلق قانونی که تا مهلت مقرر در ماده ۱۵۷ این قانون مطالبه نشده باشد و همچنین ضرر و زیان وارده به دولت با حکم مراجع صالح قضائی می باشند. با این توضیح که هر چند مهلت زمان مطالبه و تشخیص مالیات در مواردی که مکلفین به تسلیم طبق مقررات مکلف به تسلیم اظهارنامه در سر اظهارنامه از تسلیم آن خودداری نموده اند یا اموال رسید پرداخت مالیات نیستند، مطابق با مفاد ماده ۱۵۷ قانون مالیاتهای مستقیم حداکثر پنج سال از تاریخ سر رسید پرداخت مالیات می باشد لیکن براساس ماده ۲۷۷ قانون مذکور درخصوص مرتکب یا مرتکبان جرائم مالیاتی^۲، مطالبه اصل و جرایم مالیاتی بدون ملحوظ کردن این مهلت

۱. ریحانه عامری، سمیرا اصغری، فرزانه مجدآبادی و حسین علی پور، چالشهای استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر در نظام حقوق مالیاتی

ایران (با نگرشی به سیاستهای تقنینی و اجرایی)، پژوهشنامه مالیات، ش. ۴۳، پاییز ۱۳۹۸.

۲. قانونگذار، اشخاصی که با اعمال خود زمینه ارتكاب جرم یادشده را برای مرتکبین آن تسهیل می نمایند، معاون در جرم قلمداد نموده و در ماده ۲۷۶



قانونی مجاز شمرده شده است به عبارتی دیگر مطالبه مالیات در این خصوص فاقد مرور زمان است.

مضافاً حسب مفاد ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری هرکس به نحوی از انحاء امتیازاتی نظیر جواز صادرات و واردات را در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده نماید و یا به طور کلی مال یا وجهی تحصیل کند که طریق آن فاقد مشروعیت قانونی باشد مجرم است که در این خصوص مرکز تحقیقات فقهی-حقوقی قوه قضاییه نیز در پاسخ به استعلام بعمل آمده از سوی دفتر حقوقی سازمان امور مالیاتی اظهار داشته: ((مطابق ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، واگذاری امتیازاتی از جمله کارت بازرگانی به صورت وکالت یا موارد مشابه مجاز نبوده و مطابق این ماده جرم است.)) همچنین مطابق با تبصره ۴ بند ۳ ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات در صورت احراز واگذاری کارت، اتاق های ایران و تعاون ایران و وزارت صمت می توانند نسبت به تعلیق و یا ابطال کارت اقدام نمایند. به علاوه مستند به تبصره بند ۶، چنانچه در طول اعتبار کارت بازرگانی گزارشی مبنی بر رفتار سوء تجاری دارنده کارت دریافت شود، نهادهای یاد شده میتوانند تا زمان حصول رسیدگی توسط مراجع ذی ربط نسبت به تعلیق یا ابطال کارت بازرگانی اقدام نمایند. مضافاً در تبصره ۵ بند مزبور دارنده کارت بازرگانی و استفاده کننده از آن متضامناً مسئول رد و تسویه دیون دولتی و مالیات مقرر می باشند.

با این حال در این مورد از یک سو رئیس مجلس طی نظریه شماره ۵۴۱۴۰۲/ب مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۲، عنوان رئیس جمهور با این استدلال وضع هرگونه مالیات منوط به حکم قانون است و به موجب بند ۷ ماده ۲۷۴ الحاقی به قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۹۴ استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر «به منظور فرار مالیاتی» مستوجب تحمل مجازاتهای مندرج در صدر همین ماده الحاقی می باشد، بنابراین، تعیین مسئولیت تضامنی برای استفاده کننده از کارت بازرگانی دیگران از حیث نیازمند بودن به وضع قانون و خارج بودن تعیین چنین مسئولیتی از حوزه صلاحیت دولت و مالا مشتمل بودن بر توسعه شمول قانون، مغایر قانون دانسته است.

از سوی دیگر در موارد مشابه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی شماره ۹۳۲ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۱ در مواردی که بازرگان دارای کارت پیله وری بوده و به موجب وکالتنامه رسمی کلیه اختیارات بازرگانی را در جهت واردات کالا به دیگران اعطا نموده است، چنین اظهار داشته که با عنایت به اینکه کارت پیله وری به نام دارنده آن بوده و ایشان با اعطای وکالت به اشخاص دیگر مبادرت به استفاده از کارت مذکور در وارد نمودن کالا نموده اند، همچنین باتوجه به ماده ۶۷۴ قانون مدنی چون موکل مأخوذ به تعهدات وکیل خود

قانون مالیاتهای مستقیم در صورتی که این اشخاص حسابدار، حسابرس، مؤسسات حسابرسی، مأموران مالیاتی و کارکنان بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری باشند به حداقل مجازات مباشر جرم محکوم نموده و در غیر این صورت مجازات معاونت سایر اشخاص از جمله دارندگان کارت بازرگانی طبق قانون مجازات اسلامی تعیین می شود.



می باشد، مکلف به اجرای تعهدات وکیل خود در مقابل اشخاص ثالث می باشد و نظر به اینکه استفاده از کارت پیله وری قائم به شخص بوده و به همین دلیل قابل واگذاری به دیگری نیست و صرف انجام واردات توسط وکیل به منزله واگذاری آن تلقی نمی شود، کماکان مسئولیت پرداخت مالیات را برعهده دارنده آن دانسته است.

به موجب تبصره ۲ ماده ۲۷۴ قانون مالیاتهای مستقیم اعلام جرم و اقامه دعوا علیه مرتکبین جرائم مالیاتی در مراجع قضایی از طریق دادستان انتظامی مالیاتی و سایر مراجع قانونی صورت می پذیرد. باین وجود برخی از مراجع قضایی در شکایت های مطروحه از سوی اشخاص و یا ادارات حقوقی سازمان امور مالیاتی با این استدلال که متولی اعلام جرائم مالیاتی، دادستان انتظامی مالیاتی است از انجام رسیدگی قضایی خودداری نموده و اقدام به صدور قرار منع تعقیب می نمایند و یا برخی دیگر از مراجع قضایی ضمن مکاتبه، بر لزوم اعلام جرم توسط دادستان انتظامی مالیاتی در پرونده های مطروحه تأکید می نمایند. این درحالی است که مراجع قضایی در موارد اعلام جرم توسط هر شخصی مکلف به رسیدگی و صدور تصمیم مقتضی می باشند، مضافاً اینکه قسمت اخیر تبصره یادشده مبنی بر «سایر مراجع قانونی» مشتمل بر نهادهای قضایی و نظارتی درون و بیرون سازمانی است.

۴-۳-۶. علل تجار جهت سوءاستفاده از کارتهای بازرگانی یک بار مصرف

به دلیل ناکارآمدی ابزارهای وصول مالیات و بیمه، چاره ای جز استفاده از کارت بازرگانی در کشور برای مطالبه حقوق مذکور وجود ندارد^۱. در واقع هم اینک وزارتخانه ها و سازمان ها برای وصول مطالبات به جای استفاده از ابزارهای قانونی، کارت بازرگانی را به ابزاری برای دریافت مطالبات خود تبدیل کرده اند. از سوی دیگر فرآیند رسیدگی به پرونده های مالیاتی، تأمین اجتماعی، تعهدات ارزی، اختلافات گمرکی و... و دریافت گواهی های مربوطه سخت و طولانی و بعضاً پرهزینه است و فرآیند صدور یا تمدید کارت بازرگانی را نیز دچار وقفه می کند.

• مشکلات نظام مالیاتی

هرچند که هدف گروهی از بازرگانان از گرفتن کارت بازرگانی به نام دیگران، فرار مالیاتی است؛ اما اشخاص دیگری هم هستند که قصد پرداخت مالیات را دارند، اما پس از اینکه میزان مالیات (علی الحساب) را در ابتدای کار پرداخت می کنند، در ادامه کار و در جریان فرایند محاسبات مالیاتی، از سوی برخی مأمورین مالیاتی، مالیات بازرگانان (علی الرأس) می شود. در نتیجه برای این اشخاص شرایطی به وجود می آید که میزان مالیات پرداختی آنها افزایش یافته و در برخی موارد، فعالیت ایشان با سود اندک همراه می گردد. این

۱. پاسخ اتاق ایران به گزارش مرکز پژوهش های مجلس، منتشره در اقتصاد آنلاین به تاریخ ۱۳۹۹/۸/۲۹.



وضعیت، انگیزه بازرگان برای فعالیت اقتصادی شفاف را از بین می‌برد. علت چنین شرایطی نیز ممکن است محاسبه نادرست مالیات و کارشکنی‌هایی باشد که مأمورین مالیاتی انجام می‌دهند. از این رو بازرگانان ترجیح می‌دهند از کارت‌های بازرگانی یکسال مصرف (متعلق به دیگران) استفاده نمایند.^۱

• مشکلات نظام گمرکی

یکی از مشکلاتی که بازرگانان در فرایند انجام واردات از آن گله مند هستند مربوط به سازوکار گمرک در محاسبه حقوق گمرکی هنگام ترخیص کالاهای وارداتی است.^۲ بدین صورت که در هنگام ترخیص، یک برآورد کلی (نه به صورت دقیق) از ارزش کالاها صورت می‌گیرد و مطابق آن و بر اساس تعرفه‌های گمرکی، حقوق گمرکی کالاها محاسبه شده و مبلغی به عنوان علی‌الحساب از بازرگان دریافت می‌شود. اما طبق آیین‌نامه‌های گمرکی، گمرک می‌تواند تا چند سال بعد به آن شخص مراجعه نماید^۳ و برآورد دیگری از ارزش کالاهای وارد شده توسط شخص داشته باشد. بدین معنا که ممکن است گمرک محاسبه اولیه را غیردقیق تلقی نموده و بازرگان را مجبور به پرداخت مبالغ بیشتری به عنوان حقوق گمرکی نماید. این درحالی است که بازرگانان کالاهای وارداتی را متناسب با قیمت خرید، هزینه حمل و نقل و نیز هزینه گمرکی پرداخت شده و با در نظر گرفتن سود مشخصی برای خود قیمت‌گذاری کرده و کالا را به فروش می‌رسانند. اما با این اقدام گمرک، با شرایطی مواجه می‌شوند که می‌بایست هزینه گمرکی بیشتری را با عنوان مابه‌التفاوت حقوق ورودی پرداخت نمایند. بنابراین بازرگانان ترجیح می‌دهند که با استفاده از خلأ موجود در کارت بازرگانی یکسال مصرف که در آن آدرسها به ندرت صحت‌سنجی می‌شود، به هرطریق ممکن خود را از مواجهه با گمرک دور کنند.

به اعتقاد بازرگانان با توجه به وجود فساد گسترده در سازمان گمرک، در صورت عدم تبعیت تجار از اضافه پرداخت‌های تحمیلی مأمورین گمرک، ایشان اقدام به پرونده‌سازی علیه تجار نموده و آنها را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده و حتی آنها را ورشکسته می‌نمایند.

• مشکلات سازمان تأمین اجتماعی

یکی دیگر از انگیزه‌های استفاده از کارت بازرگانی یکسال مصرف، موضوع تسویه حساب با سازمان تأمین اجتماعی است.^۴ بازرگانی که متقاضی دریافت کارت بازرگانی است باید از سازمان تأمین اجتماعی برگه مفاسا حساب داشته باشد. تسویه حساب بازرگانان با سازمان تأمین اجتماعی عمدتاً در زمینه پرداخت سهمی

۱. ضیاء بیگدلی، صادق. گزارش بررسی مطالعات موجود راجع به کارت بازرگانی، ش. ۸، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مهرماه ۱۳۹۷.

۲. مرکز پژوهشهای مجلس، آسیب شناسی وضعیت صدور کارت بازرگانی و ارائه راهکارهای اصلاحی، تیر ۱۳۹۹.

۳. طبق آدرسی که شخص هنگام اخذ کارت بازرگانی ارائه نموده است.

۴. ماده ۳۷ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۰۴/۰۳ - وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی، همچنین شهرداریها و اتاق‌های اصناف و سایر مراجع ذیربط مکلفند در موقع تقاضای تجدید پروانه کسب یا هر نوع فعالیت دیگر مفاسا حساب پرداخت بیمه را از متقاضی مطالبه نمایند. در هر حال، تجدید پروانه کسب موکول به ارائه مفاسا حساب پرداخت حق بیمه می‌باشد.



از حق بیمه کارگران است و به بازرگانی که در فعالیت اقتصادی کارگرانی را به کار می‌گیرند مرتبط می‌شود. در حال حاضر از حق بیمه ۳۰ درصدی، ۷ درصد آن را کارگر و ۲۳ درصد را کارفرما پرداخت می‌کند. عمده این موارد مربوط به کارخانه‌دارانی است که مواد اولیه مورد نیاز برای تولیدات خود را وارد می‌کنند و برای این منظور نیاز به کارت بازرگانی دارند^۱. به این معنا که سازمان تأمین اجتماعی مفاصا حساب را بر اساس محاسبات دقیق صادر نمی‌کند و ابتدا مفاصا حساب را به صورت موقت صادر می‌کند تا بازرگان بتواند برای دریافت کارت بازرگانی اقدام نماید، اما پرونده متقاضی تا چند سال مفتوح می‌ماند. در این صورت، تأمین اجتماعی هر زمان که بخواهد می‌تواند با مراجعه به بازرگان، ادعای مبالغ بدهی بیشتری را نموده و از این طریق برای بازرگان مشکلاتی پدید آورد. همین امر انگیزه استفاده از کارت‌های بازرگانی یکسال مصرف را افزایش می‌دهد.

۴-۳-۷. جمع‌بندی و پیشنهادها

در راستای رفع مشکلات مربوط به تقاضای تجار برای استفاده از کارت‌های بازرگانی یکسال مصرف (اجاره‌ای و متعلق به دیگران)، پیشنهادات چندی می‌توان ارائه نمود که توجه دولت بدانها ممکن است حداقل بخش مهمی از نقایص فعلی را از بین ببرد.

حذف صدور کارت‌های بازرگانی و امتیازات متعلقه بدان، می‌تواند از بروز مشکلات به صورت گسترده جلوگیری نماید. هرچند این نظریه، در کشور مخالفان جدی‌ای دارد که شرایط ویژه کشور را بهانه و دستاویز لزوم توسل به الزام صدور کارت بازرگانی می‌نمایند. اما واقع قضیه آن است که این عده صرفاً به دنبال سیطره دولت بر اقتصاد و بخش بازرگانی خارجی کشور بوده و نمی‌خواهند حرکت‌های مربوط به آزادسازی اقتصادی و تجاری موفقیتی کسب نماید.

همانطور که از بررسی مشکلات به وجودآورنده در رابطه با صدور و تمدید کارت بازرگانی، قابل درک است، حتی در این مساله خرد ظهور پدیده کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای و تضییع حقوق دولت از جانب تجار که شامل فرار مالیاتی، قاچاق سازمان‌یافته، عدم انجام تعهدات ارزی و غیره می‌شود، این امر خود معلول عواملی دیگر از جمله سیاست‌های معیوب ارزی و تجاری، محیط کسب و کار نامناسب، محیط مقرراتی پیچیده و مبهم و امکان بهره‌برداری اشخاص از کارت سایرین در قالب وکالت‌نامه و صلح‌نامه، علیرغم نامه‌های رسمی دولت و اقدام انجام شده در این خصوص، است.

بنابراین اقدام‌های ضروری دولت برای ایجاد ثبات و بهبود محیط کسب و کار در سطح کلان از جمله

۱. در اینجا نیز مشکلاتی شبیه به آنچه که در گمرک و سازمان امور مالیاتی پیش می‌آید، وجود دارد.



اصلاح محیط کسب و کار، ثبات قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت اقتصادی و تجاری، اصلاح سیاست تجاری و ارزی، اصلاح رویه‌ها و فرآیندهای جاری در امر صادرات و واردات و کاهش زمان و هزینه تجارت فرامرزی و پیشنهادهایی عملیاتی در سطح خرد مانند اهلیت سنجی متقاضیان کارت بازرگانی، از اصلی‌ترین اقداماتی است که جهت پیشگیری از بروز چنین مشکلاتی لازم الاجرا می‌باشند.

اما با فرض ضرورت صدور و تمدید کارتهای بازرگانی و در واقع به عنوان ارایه راه حل بهینه دوم، تکمیل الکترونیکی کردن سامانه‌های مورد استفاده دستگاههای مختلف (به ویژه سازمانهای مالیات، گمرک و تامین اجتماعی) مرتبط با صدور و تمدید کارت بازرگانی، علاوه بر کاهش بروز فساد، گامی موثر در راستای کاهش زمان مورد نیاز جهت صدور و تمدید کارت بازرگانی با فراهم نمودن امکان محاسبات دقیق تر و به روزتر و نیز گرفتن استعلام به صورت بر خط می‌تواند بخشی از چالش‌های مرتبط با کارت بازرگانی را مرتفع کند.

۵. تحلیل الگو و ساختار تجارت خارجی ایران و نقش و مداخلات دولت

از دیرباز به نقش تجارت در افزایش سطح رفاه ملل و رفع نیاز ملت‌ها توجه شده است. در طی زمان، تجارت گوی سبقت را از تولید ربوده و این امر دلیل مهمی بر اهمیت روزافزون تجارت است. از این رو تحلیل تجارت هر کشوری، نقش همه جانبه و به سزایی را در تحقق اهداف اقتصادی و توسعه پایدار و همه جانبه دارا است. رابطه بین بخش تجارت و رشد در سطح جهان بعد از بحران مالی جهانی و حرکت اقتصادهای بزرگ به سمت حمایت‌گرایی و استفاده بیشتر از محتوای اقلام داخلی در توسعه صادرات، صحنه تجارت را با واقعیت‌های جدیدی روبرو ساخته است که کاهش سرعت تجارت و میزان رشد آن از نمودهای عینی آن است. در کنار این تغییرات، چند سال تحریم‌های یک و چند جانبه شدید علیه اقتصاد ایران اعم از زیرساخت‌های نظام‌های بانکی، بیمه‌ای و حمل و نقل، ساختار واردات و صادرات غیرنفتی را دچار تغییرات جدی کرده است. با چنین شرایطی در فضای بین‌المللی، بررسی و تحلیل ساختار رقابت تجارت خارجی ایران نشان می‌دهد که حجم کل تجارت کالایی غیرنفتی از منظر میزان، ارزش، ارزش واحد به خصوص رابطه مبادله روبه در یک دهه گذشته روبه افول است. این کاهش و افول چشمگیر در منافع تجارت خارجی ایران متأثر از ضعف کلی و خاص در ساختار رقابت تجارت خارجی ایران در سطوح، لایه‌ها، ابعاد و جنبه‌های مختلف و متنوعی دارد.

مطابق گزارش سالانه ۲۰۲۰ آنگتاد، در سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹) اندازه اقتصاد ایران با ۸ درصد رشد منفی به ۵۹۲٫۵ میلیارد دلار روبه کاهش گذاشت که سهم ایران از اقتصاد جهانی ۸۷٫۷ تریلیون دلاری، تنها ۰٫۶۷ درصد بوده است. از منظر درآمد سرانه، ایران اصلاً اوضاع مناسبی ندارد، چرا که در بین کشورهای منتخب منطقه در مجاورت ایران جزء رتبه‌های آخر است. ایران با درآمد سرانه ۷۱۴۶ دلار، نه تنها شکاف عظیمی با ۵ کشور عربی دارای نفت خام (شامل قطر ۶۶۹۸۵ دلار، عربستان ۲۲۴۲۳ دلار، کویت ۳۴۱۴۸ دلار، بحرین ۲۳۶۳۶ دلار،



عمان ۱۸۷۰۷ دلار) و حتی با ترکیه ۹۱۴۱ دلار فاصله دارد، بلکه حتی درآمد سرانه عراق جنگ زده با ۵۶۶۵ دلار نیز به درآمد سرانه ایران نزدیک می‌شود. در این بین اوضاع تجارت خارجی ایران بمراتب نامناسب‌تر نیز است، به طوری که نه تنها اندازه بخش خارجی اقتصاد و صادرات غیرنفتی کوچک‌تر شده است، بلکه همچنان صادرات غیرنفتی از مجموعه‌ای ضعف‌های بنیادین رنج می‌برد که در ادامه به اختصار ارایه می‌شود:

بسته‌تر شدن تجارت خارجی ایران: در سال ۲۰۱۹ (۱۳۹۸) ارزش صادرات کالایی ایران با ۶۵٫۷ میلیارد دلار، فقط ۳۵ درصد ارزش صادرات کالایی جهان (نصف سهم از اقتصاد جهانی) بوده است. در واقع گویای بسته‌تر شدن بخش خارجی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸ دارد. به طوری که اگر تا چندی پیش، تجارت ایران در منطقه جایگاه سه اقتصاد برتر را داشت، در سال ۱۳۹۸ دستکم ۵ کشور منطقه به ترتیب امارات متحده عربی ۳۱۵٫۹ میلیارد دلار، عربستان سعودی ۲۶۱٫۶ میلیارد دلار، ترکیه ۱۸۰٫۸ میلیارد دلار، عراق ۸۲٫۳ میلیارد دلار و قطر ۷۲٫۹ میلیارد دلار در ارزش صادرات کالایی از ایران پیشی گرفته‌اند و حتی کشور کوچک کویت با ۶۴٫۵ میلیارد دلار به مرز صادرات کالایی ایران رسیده است. بنابراین تجارت ایران در مقایسه با حتی کشورهای منطقه کوچک‌تر شده است و نسبت صادرات کالایی به اندازه اقتصاد ایران با ۱۱ درصد، بسته‌تر شده است.

فقدان مزیت رقابتی: تا چند دهه گذشته الگوی تجارت جهانی و بازیگران کلیدی آن مبتنی بر مزیت نسبی بود و اما هم‌اکنون در تبیین الگوی تجارت جهانی بویژه اقتصادهای توسعه‌یافته مزیت رقابتی مسلط‌تر شده است. این در حالی است که تجارت خارجی بویژه صادرات کالایی ایران، همچنان مبتنی بر مزیت نسبی است و مزیت رقابتی در تبیین الگوی تجارت ایران کم‌رنگ است، بنحوی که تحولات ساختاری، صرفه‌های مقیاس، نیروی انسانی با کیفیت، فناوری بالا، کارآفرینی و نظایر آن در تبیین الگوی تجارت ایران کم‌رنگ است.

فقدان تنوع کالایی: اصولاً شاخص تنوع کالایی در تجارت از اقتصادهای توسعه‌یافته به اقتصادهای با کم‌ترین درجه توسعه‌یافتگی روبه کاهش است. در این بین، شاخص تنوع کالایی در تجارت ایران در زمره اقتصادهای توسعه‌نیافته قرار دارد و تا دستیابی به تنوع کالایی بالاتر برای نمونه ترکیه، شکاف بالایی را شاهد است.

سهم نازل کالاهای صنعتی با فناوری بالاتر: از منظر درجه و به‌کارگیری فناوری، مبادله کالاها در تجارت خارجی به سه سطح پایین (کاربر)، متوسط (منابع بر) و بالا (دانش‌بنیان) طبقه‌بندی می‌شوند. صادرات کالایی ایران نه از فناوری پایین که به نفع طیف بزرگی از نیروی کار نفع برساند، برخوردار است و نه از فناوری بالا که مبتنی بر دانش‌بنیان باشد، برخوردار است. در واقع صادرات کالایی ایران بویژه صادرات غیرنفتی مبتنی بر فناوری متوسط، که اساساً منابع بر و سرمایه‌بر دولتی است، اتکا داشته است و منافع اقتصادی



درون‌زاو سرریز حداقلی مواجه است. در واقع در ساختار رقابت تجارت خارجی (و صادرات) ایران، دولت نقش پررنگ‌تری دارد، بویژه آنکه با تشدید تحریم‌ها و کوچک‌تر و بسته‌تر شدن تجارت، نقش مداخلات دولت پررنگ‌تر می‌شود.

فقدان تنوع شرکا: اصولاً شاخص تنوع شرکای تجاری متناسب با اندازه تجارت کشورها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در واقع کشوری با صادرات کالایی بیش از ۱ تریلیون دلار با تمام کشورهای جهان مبادله کالایی دارد و در مقابل کشوری با ۱ میلیارد دلار صادرات، شرکای تجاری محدودتری دارد. شاخص تنوع شرکای تجاری در تجارت ایران در زمره اقتصادهای توسعه‌نیافته قرار دارد و با وضع مجدد تحریم‌ها، شرکای تجاری در صادرات غیرنفتی ایران محدودتر نیز شده است. بنابراین شکاف بالایی از این جنبه با وضع مطلوب وجود دارد. در واقع هر میزان از ساختار رقابت در تجارت شکاف باشد، تنوع شرکای تجاری نیز محدودتر می‌شود.

تداوم افزایش هزینه مبادله و افول انواع رابطه مبادله (قیمتی و درآمدی) تجارت ایران: رابطه مبادله و انواع آن گویای آن است که اقتصاد کشورها در حوزه تجارت چقدر نفع می‌برند (شاخص منافع تجاری هر کشور) و روند آن در دوره زمانی بلندمدت روبه بهبود، و یا روبه نقصان است. از این منظر، تجارت خارجی ایران اوضاع مناسبی ندارد. وضع مجدد تحریم‌ها، منافع تجاری ایران را کاملاً تحت الشعاع قرار داده است. به طوری که با صادرات حداکثری به میزان تن، منافع حداقلی درآمد ارزی نصیب کشور شده است. از این منظر، اقتصاد ایران جزء نادر اقتصادهای گوشه‌گیر جهان است که منافع حداقلی از تجارت با جهان نصیب شده است.

در یک دهه منتهی به سال ۱۴۰۰ حوزه تجارت خارجی ایران دستخوش تحولات اساسی چند وجهی و چند لایه مختلف شده است که در ادامه به نکاتی چند پرداخته می‌شود. ارزش دلاری تجارت ایران از ۹۵٫۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۷۳٫۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ با شاخص عملکرد ۷۷٫۳ و نرخ رشد سالانه ۲٫۸- درصد طی این دهه روبه کاهش گذاشته است. ارزش تجارت ایران در سال ۱۳۹۹ نسبت به ۱۳۹۸ از ۸۵ میلیارد دلار به ۷۳٫۸ میلیارد دلار با ۱۳- درصد روبه کاهش گذاشته است. با خروج یکجانبه دولت آمریکا از برجام، تضعیف بنیان‌های تولیدی و به خصوص سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به دلیل استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی و سرکوب توان تولید داخلی، خروج سرمایه و جهش ارزی طی دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۷ و تداوم آن تا پایان نیمه نخست ۱۳۹۹ و اپیدمی ویروس کووید ۱۹، محیط تجارت ایران را با شرایط کاملاً متفاوتی مواجه کرده است. این مجموعه عوامل قدرت رقابت تولید داخلی را بیشتر کاهش داده و موجب از دست رفتن بازارهای صادراتی شده است؛ این امر در بلندمدت منجر به بدتر شدن رابطه مبادله و تضعیف تجارت ایران در سطح بین‌الملل و حتی منطقه‌ای شده است. گفتنی است اپیدمی کووید-۱۹ (کرونا) نیز در سال ۱۳۹۹ در کاهش



حجم تجارت ایران تاثیر به سزایی داشته است؛ چراکه کرونا سطح تقاضای کل جهانی را کاهش داده است (به طوری که ارزش تجارت جهانی از ۳۷٫۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۹ به ۳۴٫۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۰، ۸٫۰ درصد کاهش یافته است و از آنجا که ایران صادرکننده مواد خام اولیه و محصولات واسطه‌ای و نیمه‌ساخته بوده است، بنابراین صادرات و متعاقباً تجارت ایران متاثر از کاهش تقاضای جهانی، کاهش یافته است. از طرفی دیگر ریسک‌های عملیاتی نظیر تعطیلی کسب و کارها و گمرکات، سختی جابه‌جایی و تامین مالی و توقف حوزه خدمات پشتیبانی (لجستیک) و نظایر آن به‌ویژه در نیمه نخست سال ۱۳۹۹ مزید بر علت شده و از کانال افزایش قیمت جهانی اغلب محصولات به دلیل کاهش تولید و به تبع آن کاهش تقاضا، باعث کاهش تقاضا و ارزش تجارت ایران شده است. سهم ایران از تجارت جهانی با نوسان روبه کاهش و نرخ رشد تجارت ایران در دهه ۱۳۹۰ منتهی به سال ۱۳۹۹، ۶ سال طی این بازه با رشد منفی توأم با نوسان شدید مواجه شده است. با بررسی سهم جهانی تجارت ایران طی دهه ۱۳۹۰ نتیجه می‌شود سهم ایران از تجارت جهانی با نوسان روبه کاهش بوده و پس از سال ۱۳۹۷ وضعیت تجارت ایران بدتر شده و سهم ایران از تجارت جهانی در سال ۱۳۹۹ به ۲۱۴ درصد سقوط کرده است. از طرفی علی‌رغم افزایش حجم تجارت جهانی از ۳۲٫۱ تریلیون دلار در سال ۱۳۹۵ به ۳۴٫۶ تریلیون دلار در سال ۱۳۹۹، حجم تجارت ایران از ۸۷٫۷ میلیارد دلار به ۷۳٫۹ میلیارد دلار کاهش یافته است که بیانگر روند ضدادواری تجارت ایران در مقایسه با تجارت جهانی است. چنین روندی می‌تواند مبین ضعف زیرساخت‌های تجارت (لجستیک، ترانزیت، بیمه، بازاریابی، حفظ ماندگاری در بازار و نظایر آن)، فقدان استراتژی توسعه تجارت به‌ویژه راهبرد توسعه صادرات، ضعف دیپلماسی اقتصادی-تجاری فعال و پویا و توجه ناکافی به اهمیت تجارت در اقتصاد ایران باشد. برای نمونه توقف و تاخیر در پهلویگیری کشتی‌های ایرانی با شرکای تجاری، فقدان کشتی‌های یخچال‌دار استاندارد و بی‌توجهی به مشکلات صادرکنندگان و ذی‌نفعان تجارت از سوی دستگاه‌های متولی تجارت از جمله این موارد است.

حجم تجارت جهانی از ۳۷٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ به ۳۴٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ با کاهش ۳ تریلیون دلار، تا ۸٫۰ درصد کاهش مواجه گردید. این امر تاحدی به علت افزایش تنش‌های تجاری و جنگ تعرفه‌ای بین ایالات متحده آمریکا و چین بوده است، اما عوامل ساختاری و چرخه‌ای خاص کشورها از جمله تغییر مواضع سیاست پولی در اقتصادهای توسعه‌یافته، تکانه‌های بزرگ اقتصادی، نوسانات مالی و عدم اطمینان ناشی از برگزیت در اتحادیه اروپا نیز در این کاهش تجارت سهم داشته‌اند. بنابراین تغییرات ساختاری رابطه بین تجارت و رشد در سطح بین‌الملل بعد از بحران مالی جهانی و حرکت اقتصادهای بزرگ به سمت حمایت‌گرایی و استفاده بیشتر از اقلام داخلی در توسعه صادرات، صحنه تجارت را با واقعیت‌های جدیدی روبرو ساخته است که کاهش سرعت تجارت جهانی و میزان رشد آن از نمودهای عینی آن است. در



کنار این تغییرات، چند سال تحریم‌های یک و چندجانبه شدید علیه تجارت ایران اعم از نظام‌های بانکی، بیمه‌ای و حمل‌ونقل، ساختار واردات و صادرات غیرنفتی کشور را دچار تغییرات جدی کرده است. بنابراین با توجه به تحولات جهانی و تحریم‌های ایران که عمدتاً آثار آن از کانال تجارت بر کشور وارد می‌شود، بررسی عملکرد تجارت در یک دهه گذشته نشان می‌دهد که تحولات چشمگیر و قابل توجه روبه کاهشی در این بخش رخ داده که این موارد را می‌توان در کل تجارت، صادرات غیرنفتی، واردات و تراز تجاری کشور مشاهده کرد.

علی‌رغم اهتمام دست اندرکاران تجارت، همچنان صادرات ایران به‌ویژه صادرات غیرنفتی اندازه، سهم و رتبه نازلی در صادرات جهانی است و قسمت اعظم صادرات به‌نفت و گاز و مشتقات و فرآورده‌های آن اختصاص دارد؛ حتی قسمت اعظم صادرات غیرنفتی کالاهایی با منشأ منابع طبیعی، نفت و گاز و مشتقات آن، کشاورزی و سنتی است و بنابراین از وضع مطلوب صادرات صنعتی به‌ویژه تولیدات محصولات صنعتی‌های تک فاصله دارد. از طرفی، تراز تجاری کشور نیز عمدتاً از ثبات لازم برخوردار نبوده و این امر به‌نوبه خود اقتصاد ملی را نیز در مواقعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. صادرات مواد اولیه با ارزش افزوده نسبتاً پایین و متأثر از قیمت‌های جهانی، عدم تنوع سبد کالاهای صادراتی، محدودیت در بازاریابی و وجود تمرکز در جغرافیای صادراتی سبب شده تا تراز تجاری انعطاف لازم را در جبران و یا کاهش تکانه ناشی از نوسان قیمت در تجارت را داشته باشد.

۵-۱. الگو و ساختار کلی تجارت ایران

جدول (۴) نشان می‌دهد ارزش دلاری تجارت ایران از ۹۵٫۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۷۳٫۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ با شاخص عملکرد ۷۷٫۳ و نرخ رشد سالانه ۲٫۸- درصد طی این دهه روبه کاهش گذاشته است. ارزش تجارت ایران در سال ۱۳۹۹ نسبت به ۱۳۹۸ از ۸۵ میلیارد دلار به ۷۳٫۸ میلیارد دلار با ۱۳- درصد روبه کاهش گذاشته است. با خروج یکجانبه دولت آمریکا از برجام (توافق برنامه جامع اقدام مشترک) و اجرایی شدن تحریم‌های مالی و اقتصادی در چند مرحله بعد از خروج، محیط تجارت خارجی کشور با شرایط کاملاً متفاوتی مواجه شد. البته از دلایل اصلی افت تجارت ایران طی این سالها علاوه بر مسائل تحریم، تضعیف بنیان‌های تولیدی و به خصوص سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به دلیل استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی و سرکوب توان تولید داخلی، خروج سرمایه و جهش ارزی طی دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۷ و تداوم آن تا پایان نیمه نخست ۱۳۹۹ بوده است. جهش‌های نرخ ارز از طرفی موجب افزایش هزینه مبادله و افزایش هزینه تامین مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید شده است و هر میزان تولید داخلی به این نوع واردات وابستگی بالایی داشته باشد، قدرت رقابت تولید داخلی را بیشتر کاهش می‌دهد و موجب از دست رفتن بازارهای صادراتی می‌شود؛ از طرف دیگر جهش‌های ارزی با ایجاد نااطمینانی در وضعیت بازارها موجب بی‌ثباتی در



واردات نیز می‌شود (عدم تحقق شرط مارشال لرنر در تجارت ایران). این امر در بلندمدت منجر به بدتر شدن رابطه مبادله و تضعیف تجارت ایران در سطح بین‌الملل و حتی منطقه‌ای شده است. گفتنی است اپیدمی کووید-۱۹ (کرونا) در این سال‌ها در کاهش تجارت ایران تاثیر داشته است؛ چراکه کرونا سطح تقاضای جهانی را کاهش داده است (به طوری که ارزش تجارت جهانی از ۳۷٫۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۹ به ۳۴٫۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۰، ۸٫۰ درصد کاهش یافته است (نقشه تجارت جهانی، ۲۰۲۱) و از آنجا که ایران صادرکننده مواد خام اولیه و محصولات واسطه‌ای و نیمه‌ساخته است، بنابراین صادرات و متعاقباً تجارت ایران متاثر از کاهش تقاضای جهانی، کاهش یافته است. از طرفی دیگر ریسک‌های عملیاتی نظیر تعطیلی کسب و کارها و گمرکات، سختی جابه‌جایی و تامین مالی و توقف حوزه خدمات پشتیبانی (لجستیک) و نظایر آن مزید بر علت شده و از کانال افزایش قیمت جهانی اغلب محصولات به دلیل کاهش تولید و به تبع آن کاهش تقاضا، باعث کاهش تقاضا و ارزش تجارت ایران شده است. برای نمونه خشکسالی و یا افزایش بیکاری به دلیل کرونا، به کاهش توان تولید و قدرت خرید، و متعاقباً به کاهش تقاضا منجر شده است. سهم ایران از تجارت جهانی با نوسان روبه کاهش و نرخ رشد تجارت ایران طی این بازه با رشد منفی توأم با نوسان شدید مواجه بوده است.

جدول ۴. روندهای ارزش تجارت کالایی ایران و تجارت جهانی و سهم ایران از تجارت جهانی، میلیارد دلار و درصد

سال	صادرات (میلیارد دلار)	واردات (میلیارد دلار)	تراز تجاری (میلیارد دلار)	تجارت جهان (میلیارد دلار)	تجارت ایران* (میلیارد دلار)	سهم ایران از تجارت جهان	رشد تجارت ایران
۱۳۹۰ (۲۰۱۱)	۴۴٫۰	۶۱٫۸	-۱۷٫۸	۳۶۷۵۵٫۰	۹۵٫۶ (۱۰۵٫۸)	۰٫۲۸۸	...
۱۳۹۱ (۲۰۱۲)	۴۱٫۴	۵۳٫۵	-۱۲٫۰	۳۷۱۲۸٫۴	۸۶٫۰ (۹۴٫۹)	۰٫۲۵۶	-۱۰٫۳۰
۱۳۹۲ (۲۰۱۳)	۴۱٫۸	۴۹٫۷	-۷٫۹	۳۷۸۴۸٫۱	۸۱٫۳ (۹۱٫۶)	۰٫۲۴۲	-۳٫۵
۱۳۹۳ (۲۰۱۴)	۵۰٫۶	۵۳٫۶	-۳٫۰	۳۷۹۹۲٫۰	۹۰٫۱ (۱۰۴٫۱)	۰٫۲۶۶	+۱۳٫۶۵
۱۳۹۴ (۲۰۱۵)	۴۲٫۴	۴۱٫۵	+۰٫۹	۳۳۱۵۸٫۸	۷۷٫۱ (۸۴٫۰)	۰٫۲۵۳	-۱۹٫۳۱
۱۳۹۵ (۲۰۱۶)	۴۴٫۰	۴۳٫۷	+۰٫۴	۳۲۱۳۶٫۰	۸۰٫۴ (۸۷٫۷)	۰٫۲۷۳	+۴٫۴۰
۱۳۹۶ (۲۰۱۷)	۴۷٫۰	۵۴٫۵	-۷٫۵	۳۵۱۰۷٫۷	۹۴٫۴ (۱۰۱٫۴)	۰٫۲۸۹	+۱۵٫۶۲
۱۳۹۷ (۲۰۱۸)	۴۴٫۷	۴۳٫۲	+۱٫۵	۳۸۷۳۲٫۵	۸۲٫۷ (۸۷٫۸)	۰٫۲۲۷	-۱۳٫۴۱
۱۳۹۸ (۲۰۱۹)	۴۱٫۰	۴۴٫۱	-۳٫۱	۳۷۵۸۸٫۰	۸۵٫۱	۰٫۲۲۶	-۳٫۰۸
۱۳۹۹ (۲۰۲۰)	۳۵٫۰	۳۸٫۹	-۳٫۹	۳۴۶۱۱٫۴	۷۳٫۹	۰٫۲۱۴	-۱۳٫۱۶

ماخذ: نگارنده بر مبنای داده‌ها (۱) گمرک ج.ا. ایران؛ (۲) اطلاعات آمار تجاری (https://www.trademap.org/Country_SelProduct_TS.aspx)
(*) اعداد داخل پرانتز، ارزش تجارت کالایی (بدون احتساب نفت خام) ایران برگرفته از داده‌های گمرک ج.ا. ایران بوده است.



با بررسی سهم تجارت ایران از تجارت جهانی طی دهه ۱۳۹۰ نتیجه می‌شود سهم ایران از تجارت جهانی با نوسان روبه کاهش بوده و پس از سال ۱۳۹۷ وضعیت تجارت ایران بدتر شده و سهم ایران از تجارت جهانی در سال ۱۳۹۹ به ۲۱۴٪ درصد سقوط کرده است. از طرفی علی‌رغم افزایش حجم تجارت جهانی از ۳۲٫۱ تریلیون دلار در سال ۱۳۹۵ به ۳۴٫۶ تریلیون دلار در سال ۱۳۹۹، حجم تجارت ایران از ۸۷٫۷ میلیارد دلار به ۷۳٫۹ میلیارد دلار کاهش یافته است که بیانگر روند ضدادواری تجارت ایران در مقایسه با تجارت جهانی است. چنین روندی می‌تواند مبین ضعف ساختار رقابت کلی تجارت ایران از کانال‌هایی از جمله زیرساخت‌های تجارت (لجستیک، ترانزیت، بیمه، بازاریابی، حفظ ماندگاری در بازار و نظایر آن)، فقدان استراتژی توسعه تجارت به‌ویژه راهبرد توسعه صادرات، ضعف دیپلماسی اقتصادی-تجاری فعال و پویا و همچنین توجه ناکافی به اهمیت تجارت در اقتصاد ایران باشد. برای نمونه توقف و تاخیر در پهلویی‌گری کشتی‌های ایرانی در کشورهای شرکای تجاری، فقدان کشتی‌های یخچال‌دار استاندارد و بی‌توجهی به مشکلات صادرکنندگان و ذی‌نفعان حوزه تجارت از سوی دستگاه‌های متولی تجارت از جمله این موارد است (اتاق تهران، ۱۳۹۹).

۵-۱-۱. تحلیل الگو و ساختار تجارت غیرنفتی ایران

بنا بر گزارش نهادهای تخصصی بین‌المللی از جمله سازمان جهانی تجارت حجم تجارت جهانی از ۳۷٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ به ۳۴٫۶ میلیارد دلار با کاهش ۳ تریلیون دلار، تا ۸۰٪ درصد کاهش مواجه گردید. این امر تاحدی به علت افزایش تنش‌های تجاری و جنگ تعرفه‌ای بین ایالات متحده آمریکا و چین بوده است، اما عوامل ساختاری و چرخه‌ای خاص کشورها از جمله تغییر مواضع سیاست پولی در اقتصادهای توسعه‌یافته، تکانه‌های بزرگ اقتصادی، نوسانات مالی و عدم اطمینان ناشی از برگزیت در اتحادیه اروپا نیز در این کاهش تجارت سهم داشته‌اند. بنابراین تغییرات ساختاری رابطه بین تجارت و رشد در سطح بین‌الملل بعد از بحران مالی جهانی و حرکت اقتصادهای بزرگ به سمت حمایت‌گرایی و استفاده بیشتر از اقلام داخلی در توسعه صادرات، صحنه تجارت را با واقعیت‌های جدیدی روبرو ساخته است که کاهش سرعت تجارت جهانی و میزان رشد آن از نمودهای عینی آن است. در کنار این تغییرات، چند سال تحریم‌های یک و چندجانبه شدید علیه تجارت ایران اعم از نظام‌های بانکی، بیمه‌ای و حمل‌ونقل، ساختار واردات و صادرات غیرنفتی کشور را دچار تغییرات جدی کرده است. در ادامه باختصار ابعاد تجارت تحلیل می‌شود:

الف) حجم کل مبادلات (تجارت) کالایی غیرنفتی ایران از منظر میزان و ارزش به ترتیب با ۱۳۸۱- و ۱۳۸۳- درصد تغییر به ۱۴۷٫۴ میلیون تن و ۷۳٫۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ شدیداً کاهش یافت. این تغییر اساساً متأثر از شرایط خاص خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و متعاقباً اعمال تحریم‌های یک‌جانبه آن کشور و بعلاوه شیوع فراگیر جهانی ویروس کرونا (کووید-۱۹) به خصوص ماههای ابتدای سال ۱۳۹۹ بوده است.



ب) حجم صادرات کالا با احتساب میعانات گازی در سال ۱۳۹۹ از منظر میزان و ارزش صادرات به ترتیب با تغییرات ۱۵٫۱- و ۱۴٫۶- درصدی روبرو شد و به ۱۱۳٫۷ میلیون تن و ۳۵٫۰ میلیارد دلار شدیداً روبه کاهش گذاشت. در این سال رشد ارزش واحد کالاهای صادراتی با احتساب میعانات گازی تغییر محسوسی را شاهد نبوده است. باید توجه داشت که با کاهش ارزش پول ملی در سه سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ صادرات در ابتدا افزایش یافت. با این حال راه اندازی بازار ثانویه برای فروش ارز با قیمت های کمتر از بازار آزاد و اجبار صادرکنندگان به عرضه ارز در این بازار، اثر تضعیف پول بر افزایش صادرات در ادامه این سال محدودتر شد. در واقع سیاست های دولت در زمینه پیمان سپاری ارزی، برخی ممنوعیت های صادراتی و محدودیت های ناشی از تحریم های آمریکا اجازه نداد که کاهش ارزش پول ملی به تقویت صادرات منجر شود. بعلاوه شیوع فراگیر جهانی ویروس کرونا (کووید-۱۹) میزان و ارزش صادرات غیرنفتی را شدیداً با کاهش مواجه کرد.

ج) حجم واردات ایران در سال ۱۳۹۹ از ابعاد ارزشی، مقداری و ارزش واحد دست خوش تغییراتی شد؛ به نحوی که، ارزش و میزان واردات به ترتیب با ۵٫۸- و ۱۱٫۷- درصدی به ۳۳٫۷ میلیون تن و ۳۸٫۹ میلیارد دلار شدیداً روبه کاهش گذاشت. در این سال ارزش واحد کالاهای وارداتی با کاهش ۶٫۲- درصدی روبرو شد. این کاهش در ارزش واحد، در تغییر ساختار شرکاء ماهیت کالاهای وارداتی ایران (کالاهای ضروری) ریشه دارد.

جدول ۵. ارزش و میزان صادرات، واردات، تراز و رابطه مبادله تجارت غیرنفتی ایران طی دوره ۹۹-۱۳۹۵

شاخص	واحد	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	درصد تغییرات			
							۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
صادرات کالا (با میعانات گازی)	میزان (میلیون تن)	۱۲۹٫۹	۱۳۲٫۹	۱۱۷٫۲	۱۳۳٫۸	۱۱۳٫۷	۱٫۸	-۱۲	+۱۴	-۱۵٫۱
	ارزش (میلیون دلار)	۴۴۰۴۲	۴۶۹۸۲	۴۴۳۱۰	۴۰۹۹۶	۳۴۹۹۸	۶٫۶	-۵٫۷	-۷	-۱۴٫۶
	ارزش واحد (دلار به ازای تن)	۳۳۹٫۱	۳۵۳٫۶	۳۷۸	۳۰۶٫۴	۳۰۷٫۸	۴٫۲۸	۶٫۹	-۱۸٫۳	+۰٫۵
واردات	میزان (میلیون تن)	۳۳٫۴	۳۸٫۹	۳۲٫۱	۳۵٫۸	۳۳٫۷	۱۶٫۳۵	-۱۷٫۵	+۹	-۵٫۸
	ارزش (میلیون دلار)	۴۳۶۸۴	۵۴۴۵۹	۴۲۶۱۲	۴۴۰۵۸	۳۸۸۹۳	۲۴	-۲۲	+۱	-۱۱٫۷
	ارزش واحد (دلار به ازای تن)	۱۳۰۷٫۹	۱۴۰۱٫۴	۱۳۲۹٫۵	۱۲۳۰٫۷	۱۱۵۴٫۱	۷٫۱۵	-۵٫۱	-۶٫۹۷	-۶٫۲
کل مبادلات تجارت غیرنفتی	میزان (میلیون تن)	۱۶۳٫۳	۱۷۱٫۷	۱۴۹٫۳	۱۶۹٫۶	۱۴۷٫۴	۵٫۱۷	-۱۳	+۱۲	-۱۳٫۱
	ارزش (میلیون دلار)	۸۷۷۲۶	۱۰۱۴۴۱	۸۶۹۲۲	۸۵۰۵۴	۷۳۸۹۱	۱۵٫۴	-۱۴	-۳	-۱۳٫۱
	ارزش واحد (دلار به ازای تن)	۵۳۷٫۲	۵۹۰٫۷	۵۸۲٫۳	۵۰۱٫۵	۵۰۱٫۳	۹٫۹۴	-۱٫۴	-۱۳٫۷	-۰٫۰۰۴



شاخص	واحد	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	درصد تغییرات			
		۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
تراز تجاری (با میعانات گازی)	میزان (میلیون تن)	۹۶,۵	۹۵	۸۵,۲	۹۸,۳۳	+۸۰,۰	-۱,۵۱	-۱۰,۴	+۱۵	-۱۸,۶۳
ارزش (میلیون دلار)	ارزش (میلیون دلار)	۳۵۸	-۷۴۷۷	۱۶۹۸	-۲۴۰۷	-۳۸۹۵	-۲۱۵۹	۱۲۳	-۲۶۰	-۶۱,۸۲
رابطه مبادله	ارزش واحد صادرات به واحد واردات	۲۵,۹۳	۲۵,۲۳	۲۸,۴۳	۲۳,۰۳	۲۶,۶۷	-۲,۷۰	۱۲,۸	-۱۲,۱۱	+۱۵,۸۱

مأخذ: نتایج پژوهش بر مبنای داده‌های آماری سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۴۰۰-۱۳۹۵.

د) تراز تجاری کشور در سال ۱۳۹۹ حساب جاری کالایی (تراز تجاری) کشور رقمی معادل ۳,۹- میلیارد دلار کسری را نشان می‌دهد. این کسری در تجارت ایران در شرایطی که ارزش خارجی پول ملی در این سه سال شدیداً تضعیف شده، ریشه در عمق بحران در تجارت ایران دارد. چراکه علی‌رغم انقباض شدید میزان و ارزش تجارت کالاهای غیرنفتی ایران (کاهش چشمگیر میزان و ارزش صادرات غیرنفتی توأم با تغییر ساختار شرکا و ماهیت کالاهای وارداتی و کاهش میزان و ارزش آن کالاهای)، همچنان تراز تجاری با کسری مواجه است.

ه) شاخص باز بودن تجاری: درجه باز بودن یک اقتصاد مبین میزان مبادلات کالا و خدمات در اقتصاد یک کشور با دنیای خارج است. نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی و نرخ تعرفه گمرکی وضع شده برای واردات به عنوان شاخص‌هایی است که درجه باز بودن یک اقتصاد را نشان می‌دهند. در واقع چنانچه نسبت تجارت خارجی به اندازه اقتصاد داخلی بالا و روبه افزایش باشد و نیز نرخ متوسط تعرفه‌های گمرکی واردات پایین و روبه کاهش باشد، اقتصاد به شرایط رقابت و آزادی اقتصادی نزدیک‌تر و درجه باز بودن اقتصاد افزایش می‌یابد. شاخص باز بودن تجاری نقش‌آفرینی پایین تجارت در رشد اقتصادی و عدم رشد بالاتر تجارت در مقایسه با اندازه اقتصاد نشان از پایین بودن شاخص باز بودن تجارت کشور دارد. هم‌زمان با دور جدید تحریم‌ها از سال ۱۳۹۷ تاکنون این شاخص روندی نزولی داشته است، حتی سطح شاخص باز بودن اقتصاد بدون احتساب نفت (با احتساب قاقاق) در مقایسه با تجارت با نفت در سطح نازلی است.

و) زنجیره‌های ارزش جهانی: بررسی روند تجارت و زنجیره‌های ارزش جهانی حکایت از بروز تغییرات ساختاری ژرف در وضعیت تجارت جهانی دارد و ضرورت دارد این تغییرات در تحولات ساختاری تجارت کشور مورد توجه قرار گیرد. اخیراً زنجیره‌های ارزش پیچیده‌ای شکل گرفته و فرآیند جهانی شدن به نقطه عطف خود رسیده است. عوامل مهمی که در وقوع این تغییرات اثرگذار هستند شامل رشد سهم مصرف در بازارهای نوظهور، کاهش وابستگی اقتصادهای نوظهور به واردات کالاهای واسطه‌ای به دلیل ایجاد زنجیره‌های تأمین داخلی فراگیر و تأثیر فناوری نوین بر تغییر شکل زنجیره جهانی ارزش است. توسعه صادرات غیرنفتی نیازمند ظرفیت‌سازی در زنجیره‌های ارزش محصولات رقابت‌پذیر و بهبود فضای کسب‌وکار



است. ظرفیت سازی در زنجیره‌ها مستلزم حمایت از شرکت‌ها و پروژه‌های بزرگ صادراتی است. ایجاد و توسعه چنین پروژه‌هایی برای کسب تکنولوژی و دانش فنی، به جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی در این زنجیره‌ها نیاز است. بدیهی است مشارکت در زنجیره‌های ارزش و جذب سرمایه‌های خارجی، انتقال تکنولوژی و دانش فنی نیازمند توجه به دیپلماسی تجاری و تنش‌زدایی در روابط سیاسی و اقتصادی با جهان است. بر این اساس باید متذکر شد که اگرچه تجارت جهانی در کل به سمت ادغام و درهم‌تنیدگی بیشتری پیش رفته است، منتهی تجارت خارجی ایران در این سال‌ها به خصوص در سال ۱۳۹۹ در معرض عوامل محیطی بسیاری قرار گرفت و تمامی این تحولات با افزایش عدم قطعیت‌ها، نااطمینانی‌ها و ریسک تجاری، توسعه همکاری‌های اقتصادی و گسترش روابط تجاری ایران را با سایر کشورها کاملاً تحت الشعاع قرار داده است. برقراری روابط تجاری میان ایران و جهان، افزایش فرایندهای تجاری به علت افزایش زمان تجارت و هزینه مبادله و همچنین سخت‌تر شدن فرایندهای مالی و بانکی چالش‌های مهم تجارت ایران در این سال به واسطه تحریم‌ها بوده است. علاوه بر این در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ دولت سیاست‌هایی را به منظور مدیریت منابع ارزی و واردات کشور در پیش گرفت که این سیاست‌ها نیز آثاری را بر حوزه تجارت داشت. اهم این موارد شامل تخصیص دلار ۴۲۰۰۰ ریالی به واردکنندگان قانونی و جلوگیری از عرضه ارز توسط صرافی‌ها با هدف کاهش تقاضای ارز از طریق ممانعت از تبدیل دارایی به ارز، محدودیت استفاده از ارز متقاضی و ارز مورد نیاز واردات غیررسمی، ممنوعیت ثبت سفارش، اولویت‌بندی کالایی در چهار گروه مختلف، پیمان‌سازی ارزی و راه‌اندازی بازار ثانویه ارز، قیمت‌گذاری و نظارت بر توزیع کالا و نظایر آن بوده است.

۵-۱-۲. روند رابطه مبادله تجارت کالاهای غیرنفتی ایران

برای رابطه مبادله تعاریف و روابط مختلفی ارایه شده است که می‌توان آنها را در سه دسته طبقه‌بندی کرد: دسته نخست از تعاریف نمایانگر رابطه مبادله در مبادلات کالایی میان کشورها است که در این گروه می‌توان به رابطه تهاتری خالص، ناخالص و درآمدی اشاره کرد. گروه دوم از تعاریف رابطه مبادله، معطوف به رابطه مبادله میان منابع تولیدی است که از آن جمله می‌توان به رابطه مبادله مضاعف عوامل تولیدی اشاره کرد و بالاخره گروه سوم از تعاریف رابطه مبادله، منافع به دست آمده از تجارت را بر اساس تحلیل مطلوبیت مورد بررسی قرار می‌دهند. از این میان به رابطه مبادله هزینه واقعی و رابطه مبادله مطلوبیت اشاره کرد.^۱ نظر به طبقه‌بندی فوق، به اجمال تعاریف و مفاهیم رابطه مبادله مورد استفاده، کاربرد آن در تجارت ایران ارایه می‌شود:

۱ انواع تعاریف، روابط و اصطلاحات به‌ترتیب عبارت است از: TOTg (Gross Barter Terms of Trade)، TOTnb (Net Barter Terms of Trade)، TOTs (Single Factoral Terms of Trade)، TOTi (Income Terms of Trade) و TOTu (Utility Terms of Trade).

در سال ۱۳۹۹، صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی ایران (به استثنای نفت خام، نفت کوره، نفت سفید و همچنین بدون صادرات از محل تجارت چمدانی)، بالغ بر ۱۱۳٫۷ میلیون تن به ارزش ۳۵٫۰ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، وزنی ۱۵٫۱- درصد و ارزش دلاری ۱۴٫۶- درصد روبه کاهش گذاشته است. همچنین، واردات قطعی کالاهای ایران، بالغ بر ۳۳٫۷ میلیون تن به ارزش ۳۸٫۹ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، وزنی ۵٫۸- درصد و ارزش دلاری ۱۱٫۷- درصد روبه کاهش گذاشته است. بنابراین ارزش واحد صادرات و واردات کالایی ایران به ترتیب ۳۰۷٫۹ دلار به ازای یک تن و ۱۱۵۲٫۹ دلار به ازای یک تن بوده است. برای سال ۱۳۹۹، ارزش واحد واردات ایران ۳٫۷۴ برابر ارزش واحد صادرات بوده است. بدین ترتیب رابطه مبادله در تجارت کالایی ایران برای سال ۱۳۹۹، ۲۶٫۷۴ واحد بوده است و در واقع بازای هر ۳٫۷۴ واحد صادرات، تنها یک واحد واردات به دست آمده است. این عدد برای رابطه مبادله، پایین بودن رابطه مبادله برای این سال نشان می دهد. مضافاً، رابطه مبادله تجارت غیرنفتی در سال ۱۳۹۸ از ۰٫۲۸ واحد در سال ۱۳۹۷ به ۰٫۲۵ واحد در سال ۱۳۹۸، با ۱۲- درصد بشدت روبه کاهش گذاشت. بدین ترتیب با وجود ارقام بسیار نازل این شاخص برای ایران، همچنان روبه وخامت گذارد. این امر بر ضرورت توجه بیشتر در سیاست گذاری، تحولات بنیادین در ساختار تجارت ایران بویژه صادرات غیرنفتی و افزایش ارزش کالاهای صادراتی کشور تأکید دارد. در غیر این صورت، تجارت کشور در بلندمدت به زیان منافع تجاری تغییر کرده و خواهد کرد و کمترین عواید متوجه کشور خواهد شد. جدول فوق به شکلی واضح مبین ساختار نامطلوب تجارت خارجی ایران است. چراکه:

- نخست، در ابتدای دوره هر یک کیلوگرم محصول صادراتی ایران ۰٫۵۷ دلار ارزش داشت، حال آن که هر یک کیلوگرم محصول وارداتی ۱٫۶۱ دلار ارزش داشت؛ در واقع ارزش یک کیلوگرم محصول وارداتی نسبت به ارزش یک کیلوگرم محصول صادراتی ایران، ۲٫۸۲ برابر بوده است. این شکاف و تفاوت ریشه در بافت، ساخت، ترکیب و ماهیت کالاهای وارداتی در مقایسه با کالاهای صادراتی ایران ریشه دارد. در واقع کالاهای صادراتی ایران غالباً منابع بر با ارزش افزوده پایین و در ابتدای زنجیره ارزش صنایع ساخته شده بوده است، حال کالاهای وارداتی ایران سرمایه بر با ارزش افزوده بالاتر و در انتهای زنجیره ارزش این صنایع می باشد.

- دوم، طی بازه زمانی، قیمت هر کیلو کالای صادراتی کم شده و قیمت هر کیلو کالای وارداتی روندی نامنظمی داشته است که در مجموع اثر آن منجر به وخامت رابطه مبادله خالص شده است. در واقع کاهش ارزش هر کیلو کالای صادراتی و افزایش ارزش هر کیلو کالای وارداتی کشور طی دوره، نشان می دهد که صادرات ایران بر کالاهایی متمرکز شده است که ارزش افزوده کمتری داشته است

و بنابراین فناوری کمتری در آن نهفته و به تبع آن تجارت کشور، ارزآوری کمتر و ارزیابی بیشتری برای اقتصاد کشور در پی داشته است.

- سوم این که، تداوم رابطه مبادله کمتر از یک و کاهش آن نسبت به میانگین دوره، به معنای صادرات کالاهای خام و دارای ارزش افزوده پایین تر در مقابل واردات کالاهای با ارزش افزوده بیشتری است. بنابراین بسیار اهمیت دارد در سیاست های اقتصادی به صادرات کالا با ارزش افزوده بالاتر توجه ویژه ای صورت پذیرد.
- چهارم، این واقعیت به خوبی بیانگر عدم تحقق شرط مارشال - لرنر در تجارت خارجی ایران و متضرر شدن آن در نتیجه جهش های ارزی است که در ادبیات تجارت بین الملل از آن به «رشد قهقرا» نام برده شده است.

۲-۵. تحلیل الگو و ساختار صادرات غیرنفتی ایران

۲-۵-۱. ساختار صادرات به تفکیک بخش های عمده طی سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹

در جدول (۶)، ساختار صادرات غیرنفتی ایران به تفکیک بخش های عمده طی سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ ارایه شده است. ساختار صادرات کالایی ایران همچنان متکی بر مواد خام اولیه و مبتنی بر محصولات صنایع منابع بر و انرژی بر بوده است، به طوری که ارزش واحد صادراتی نازل بوده و پیوسته نازل تر نیز شده است. با دقت در آن نتیجه می شود در گام نخست، ارزش صادرات فصول مربوط به مشتقات نفتی و انرژی برها با وجود افزایش وزنی، ارزش واحد صادراتی روبه کاهش گذاشته است. در گام دوم، محصولات غذایی با منشاء کشاورزی قرار دارند و در مرحله بعد مواد اولیه خام از جمله نمک، خاک و سنگ قرار دارند. با دقت در ساخت، بافت و ترکیب صادرات کالاهای غیرنفتی ایران نتیجه می شود همچنان جای محصولات صنایع کارخانه ای با ارزش افزوده بالا به خصوص دانش بنیان، مبتنی بر تحقیق و توسعه با فناوری بالا کاملاً خالی بوده و همچنان جایگاهی نداشته است. بی تردید این ترکیب صادرات و تغییرات آنها که اساساً مبتنی بر منابع طبیعی و سوختی خدادادی است و نظر به فقدان پیچیدگی های محصولی، نمی توانند برای کشور به رشد درونزا منجر شود؛ در واقع تجارت رشد اقتصادی را حمایت نمی کند. مضافاً اشتغال زایی پایینی داشته و به بهبود اشتغال در بازار کار نیز منجر نمی شود. در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، ساختار صادرات غیرنفتی بر حسب گروه کالایی کاملاً به هم ریخته و ناشفاف و مبتنی بر تحلیل کارشناسی نبوده است؛ چراکه در حالی که در سال ۱۳۹۸ نزدیک نیمی از میزان و ارزش صادرات در ذیل گروه "سایر" آورده شده است، در سال ۱۳۹۹ نزدیک همان نسبت برای پتروشیمی و میعانات گازی لحاظ شده است.



جدول ۶. ساختار صادرات غیرنفتی کشور به تفکیک بخش‌های عمده طی دوره ۹۹-۱۳۹۷ (میلیون دلار، هزارتن، درصد)

بخش	۱۳۹۹		سهم						تغییرات نسبت به سال قبل					
	وزن	ارزش	۱۳۹۸		۱۳۹۷		۱۳۹۹		۱۳۹۸		۱۳۹۷		۱۳۹۹	
			وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش
صنعت (کلیه صنایع تولیدی به جز صنایع زیر)	۳۵۴۹	۳۵۴۶	۴۳	۳۹	۳۷,۴۹	۳۳,۰۱	۱۰,۱۳	۳,۱۲	۵	۳	-۱۴,۶۶	+۴,۱۸	+۱۱,۸	-۱۳,۰
(پتروشیمی و میعانات گازی)	۵۷۹۲۴	۱۷۵۰۴	۲۶	۱۹			۵۰,۰۱	۵۰,۹۶	-۲	-۴			-۷,۴	-۲۰,۳
معدن و صنایع معدنی	۴۳۳۲۲	۷۵۰۳	۳	۲۳	۳,۰۱	۱۶,۳۹	۲۱,۴۴	۳۸,۱۱	-۳۵	-۱۵	-۱۲,۲۷	-۱۰,۲۵	-۲۳,۷	-۱۰,۶
کشاورزی و صنایع غذایی	۸۸۳۸	۶۱۷۳	۸	۵	۹,۷۳	۴,۰۳	۱۷,۶۳	۷,۷۷	-۲	۹	+۱۹,۱۴	+۹,۹۳	+۲۶,۴	+۸,۲
فروش و صنایع دستی	۲۵,۰	۱۳۱,۰	۱	ناچیز	۰,۳۷	۰,۰۱	۰,۳۷	۰,۰۲	-۳۴	۳۵	-۴۶,۱۸	+۱۵,۳۸	+۶۶,۷	-۱۴,۹
سایر	۱۶,۰	۱۵۱,۰			۴۹,۱۰	۴۶,۳۰	۰,۴۳	۰,۰۱			+۶۳,۰۸	+۷۵,۰۳	-۹۹,۶	-۷۸,۵
مجموع*	۱۱۳۶۷۴	۳۴۹۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	-۴	-۹	-۲,۳۷	+۲۳,۷۵	-۱۵,۱	-۱۴,۶

مأخذ: وزارت صنعت، معدن و تجارت، آمار صادرات به تفکیک بخش‌ها بر اساس گروه‌بندی معاونت توسعه صادرات کالا و خدمات سازمان توسعه تجارت، طی سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰.

۲-۲-۵. ساختار صادرات غیرنفتی بر حسب اقلام عمده صادراتی

ساختار صادرات غیرنفتی بر حسب ۱۰ قلم عمده کالایی در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در جدول (۷) درج است. مطابق آن آمارها، در سال ۱۳۹۹، ۳۰ درصد از کل ارزش صادرات کالایی ایران مربوط به فصل ۲۷ و نزدیک ۷۰ درصد بقیه (۲۴,۵ میلیارد دلار) مربوط به سایر اقلام بوده است. در میان اقلام صادرات غیرنفتی ایران (بدون احتساب فصل ۲۷)، ارزش صادرات ارزش صادرات «پلی اتیلن گرید فیلم با چگالی کمتر از ۹۴٪» ۱,۵ میلیارد دلار و سهم ۶ درصد از ارزش صادرات ایران را دارد. متوسط قیمت صادراتی این محصول ۹۶۵ دلار به ازای هر تن بوده است. متانول و پسته به ارزش ۱,۲ و ۱,۱ میلیارد دلار و سهم ۴,۸ و ۴,۶ درصد در مراتب دوم و سوم قرار دارند. متوسط قیمت آن دو ۱۵۳ و ۶۲۲۶ دلار به ازای هر تن بوده است. همچنین در این دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ تمرکز ۱۰ قلم کالاهای صادراتی از ۲۰ درصد به ۳۴,۲ درصد، با ۱۴,۲ واحد درصد شدیداً روبه افزایش گذاشته است. در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ اقلام عمده صادراتی کشور عمدتاً وابسته به منابع نفت و گاز هستند. در این میان میعانات گازی و محصولات نیمه ساخته ابتدای زنجیره ارزش بخش مهمی از صادرات غیرنفتی را تشکیل



می‌دهند. ماهیت اقلام و ساختار تجاری با تمرکز بالا، قدرت چانه‌زنی پایین و آسیب‌پذیری بالای تجارت غیرنفتی ایران را نشان می‌دهد. «فقدان تنوع در اقلام صادراتی با ارزش بالا» و «ضعف عمومی در توانمندی بنگاه‌های صادراتی» از عمده علل توسعه‌نیافتگی در بازارهای هدف صادراتی است. سبد صادراتی دنیا ۸ هزار قلم کالا و سبد صادراتی ایران کمی بیش از نیمی از آن، ۴۳۷۶ قلم کالا است. جدا از این موارد، تعاملات تجاری با کشورها، تنش‌زدایی با دنیا، برقراری روابط کارگزاری بانکی با کشورهای هدف، ثبات اقتصادی به‌ویژه در سیاست ارزی، بهبود زیرساخت تجاری و نظام‌های آن سایر دلایل مهم تأثیرگذار بر ترکیب صادرات و رقابت‌پذیری کشور هستند.

جدول ۷. اقلام عمده صادرات غیرنفتی کالایی کشور ۱۳۹۸-۹۹. (میلیون دلار، هزارتن، درصد، دلار به ازای یک تن)

عنوان کالاها/سال	کد تعرفه	ارزش		وزن		سهم ارزشی		تغییرات ارزشی		تغییرات وزنی		قیمت ۱۳۹۹
		۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۹	
۱. پلی اتیلن گرید فیلم با چگالی کمتر از ۹۴ درصد	۳۹۰۱۱۳۰	۱۰۷۵	۱۴۶۰	۱۲۶۲	۱۵۱۳	۲٫۶	۶٫۰	-۱۵	+۳۵٫۸	+۷	۱۹٫۹	۱۵۱۳
۲. متانول	۲۹۰۵۱۱۰۰	۱۱۰۲	۱۱۷۶	۵۹۹۳	۷۶۸۸	۲٫۷	۴٫۸	-۱۸	+۶٫۷	+۳۹	+۲۸٫۳	۷۶۸۸
۳. پسته یا پوست تازه یا خشک	۰۸۰۲۵۱۰۰	۷۱۵	۱۱۲۹	۹۱	۱۸۱	۱٫۷	۴٫۶	+۱۲۰	+۵۷٫۹	+۱۱۷	+۹۸٫۹	۶۲۲۶
۴. شمش از آن و فولاد غیرمزوج	۷۲۰۶۱۰۰۰	۸۵۳	۹۴۰	۲۲۸۴	۲۳۴۰	۲٫۱	۳٫۸	+۶۳	۱٫۰	+۶۵	+۲٫۵	۴۰۲
۵. پلی اتیلن گرید فیلم با چگالی ۹۴ درصد یا بیشتر	۳۹۰۱۲۰۲۰	۷۷۵	۸۸۰	۹۱۷	۱۰۶۸	۱٫۹	۳٫۶	-۱۹	+۱۳٫۵	+۱۰	+۱۶٫۵	۸۲۴
۶. سایر محصولات نیمه تمام از آهن یا فولادهای غیرمزوج	۷۲۰۷۱۱۹۰	۸۰۸	۷۴۷	۲۱۲۷	۱۸۷۴	۲٫۰	۳٫۱	+۹۹	-۷٫۵	+۱۱۹	-۱۱٫۹	۳۹۹
۷. کاتد و قطعات کاتد از مس تصفیه شده	۷۴۰۳۱۱۰۰	۸۰۷	۷۱۹	۱۲۳	۱۱۱	۲٫۰	۲٫۹	+۱۴۱	-۱۰٫۹	+۷۸	-۹٫۸	۶۴۸۵
۸. اوره حتی به صورت محلول در آب	۳۱۰۲۱۰۰۰	۷۶۲	۷۰۵	۴۱۲۲	۳۸۶۹	۱٫۸	۲٫۹	-۹	-۷٫۵	+۱۷	-۶٫۱	۱۸۲
۹. محصولات نیمه تمام از آهن/ فولاد غیرمزوج	۷۲۰۷۱۲۹۰	۷۰۵	۶۷۹	۱۸۵۹	۱۵۹۸	۱٫۷	۲٫۸	-۲۰	-۳٫۷	-۱۱	-۱۴٫۰	۴۲۵
۱۰. میله‌های آهنی یا فولادی، گرم نورد شده دارای دندان	۷۲۱۴۲۰۰۰	۵۸۳	۶۴۴	۱۴۵۰	۱۴۴۶	۱٫۴	۲٫۶	+۵۳	+۱۰٫۵	+۸۹	-۰٫۰۳	۴۴۶
جمع ۱۰ قلم عمده		۸۱۸۵	۹۰۷۹	۲۰۲۲۹	۲۱۶۸۸	۲۰	۳۴٫۲	+۱۳	+۱۰٫۹	+۳۳	+۷٫۲	

مأخذ: سازمان توسعه تجارت ایران بر مبنای داده‌های گمرک ج. ا. ایران، طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰.



۵-۲-۳. تحلیل الگو و ساختار صادرات غیرنفتی برحسب مهم‌ترین شرکای صادراتی

در سال ۱۳۹۹، ۵ کشور چین، عراق، امارات متحده عربی، ترکیه و افغانستان عمده مقاصد صادرات کالایی (بدون احتساب نفت) ایران بوده اند به گونه‌ای که این ۵ کشور، نزدیک ۷۴٫۱ درصد از کل ارزش صادرات غیرنفتی را از آن خود دارند. چین با سهم ۲۶ درصدی بالاترین ارزش صادرات ایران در سال ۱۳۹۹ داشته و عراق با سهم ۲۱٫۳ درصد و امارات با ۱۳٫۱ درصد، در مراتب دوم تا سوم قرار دارند. در سال ۱۳۹۹ صادرات به ۴ کشور از ۵ کشور نخست نسبت به سال ۱۳۹۸ با کاهش همراه بوده و بیشترین کاهش نیز در صادرات به ترکیه با ۵۰ درصد رخ داده است. تنوع پایین در بازارهای هدف صادراتی از ویژگی‌های فعلی صادرات غیرنفتی است که با وضع مجدد تحریم‌ها از اردیبهشت سال ۱۳۹۷ متمرکزتر نیز شده است. عمده‌ترین شرکای صادراتی سال ۱۳۹۹ پنج کشور چین، عراق، امارات، ترکیه و افغانستان سهمی معادل ۷۴ درصد از صادرات غیرنفتی دارند که در مقایسه با سال قبل، ۶٫۳ واحد درصد متمرکزتر شده است. نزدیک سه چهارم از صادرات غیرنفتی منحصراً روانه این پنج بازار می‌شود که وابستگی بالای صادرات غیرنفتی کشور به بازار این پنج کشور را نشان می‌دهد. تمرکز بیش از حد مناطق هدف صادراتی ایران، آسیب‌پذیری صادرات کشور را افزایش می‌دهد و بدیهی است که در این حالت قدرت چانه‌زنی فعالان و تجار را در بازار این کشورها به مراتب کاهش می‌دهد. در حوزه صادرات غیرنفتی از بعد کشوری، تعداد پایین کشورهای مؤثر در جذب اقلام ایرانی، حذف بازارهای اروپایی از سبد صادرات، تمرکز بالا در مناطق راهبردی و حذف برخی بازارهای سنتی در منطقه آسیای شرقی از جمله واقعیت‌های اصلی این حوزه‌اند. ویژگی صادرات ایران، وابستگی بالای آن به منطقه و پیرامون است. در سال ۱۳۹۹ نسبت های تمرکز ۴، ۱۰ و ۲۰ کشوری از صادرات غیرنفتی به ترتیب ۶۷٫۷ و ۸۵٫۷ و ۹۳٫۲ درصد بوده است که نسبت به سال ۱۳۹۸ بازارهای عمده صادراتی ایران متمرکزتر شده است. در میان ۲۰ کشور نخست صادراتی ایران در سال ۱۳۹۹ کشورهای ترکیه، هند، اندونزی، تایلند، قطر، ازبکستان و عراق با کاهش رشد نسبت به سال ۱۳۹۸ مواجه شدند، و تنها کشورهای عمان، آذربایجان، ارمنستان و روسیه توانسته‌اند جایگاهشان را در صادرات با ایران ارتقا داده‌اند. در سال ۱۳۹۹ از بین ۲۰ کشور نخست هدف صادراتی، تنها آلمان با رتبه‌های ۱۵ از اتحادیه اروپا حضور دارند. باید توجه داشت، اگرچه یکی از تحولات اساسی که تجارت جهانی را در این سال تحت تأثیر قرار داد جنگ تجاری بین آمریکا و چین بود و ایران فرصت‌هایی را در جهت بهبود تجارت خود داشت با این حال، تحریم‌ها تا حدودی فرصت‌کنش‌های مقتضی را جهت توسعه صادرات و حضور در بازارهای جدید را محدودتر کرد. مضافاً در ماه‌های نخست ۱۳۹۹ با شیوع فراگیر کووید-۱۹ و محدودیت در فرایند ترخیص گمرکی، صادرات غیرنفتی با رکود جدی مواجه شد.



جدول ۸. ساختار و تمرکز صادرات کالاهای غیرنفتی ایران با شرکای تجاری دوره ۹۹-۱۳۹۶ (میلیون دلار، درصد)

ردیف	۱۳۹۶			۱۳۹۷			۱۳۹۸			۱۳۹۹		
	کشور	صادرات	سهم	کشور	صادرات	سهم	کشور	صادرات	سهم	کشور	صادرات	سهم
۱	چین	۹۰۶۵	۱۹,۳	چین	۹۲۱۸	۲۰,۸	چین	۹۵۲۰	۲۳,۰	چین	۹۰۷۱,۲۶	۲۶,۰۲
۲	امارات	۶۷۶۴	۱۴,۴	عراق	۸۹۶۱	۲۰,۲	عراق	۸۹۹۲	۲۱,۷	عراق	۷۴۳,۵۹	۲۱,۳۲
۳	عراق	۶۴۲۵	۱۳,۷	امارات	۵۹۵۵	۱۳,۴	ترکیه	۵۰۴۶	۱۲,۲	امارات	۴۵۶,۷۲	۱۳,۱۰
۴	کره جنوبی	۴۳۸۰	۹,۳	افغانستان	۲۹۲۷	۶,۶	امارات	۴۵۰۱	۱۰,۹	ترکیه	۲۵۳,۳۹	۷,۲۷
۵	ترکیه	۳۹۹۱	۸,۵	کره جنوبی	۲۵۶۸	۵,۸	افغانستان	۲۳۶۱	۵,۷	افغانستان	۲۲۹۵,۹۲	۶,۵۹
۶	افغانستان	۲۷۹۲	۵,۹	ترکیه	۲۳۶۹	۵,۳	هند	۱۵۷۹	۳,۸	هند	۱۲۸,۰۶	۳,۶۷
۷	هند	۲۷۳۵	۵,۸	هند	۲۰۴۳	۴,۶	پاکستان	۱۱۰۸	۲,۷	پاکستان	۱۰۱۵,۸۶	۲,۹۱
۸	پاکستان	۹۳۱	۲	پاکستان	۱۲۴۷	۲,۸	اندونزی	۹۱۴	۲,۲	اندونزی	۶۷۳,۷۳	۱,۹۳
۹	تایلند	۷۳۱	۱,۶	اندونزی	۷۸۷	۱,۸	تایلند	۶۳۴	۱,۵	ج آذربایجان	۵۱۰,۸۲	۱,۴۷
۱۰	اندونزی	۶۴۵	۱,۴	عمان	۷۲۹	۱,۶	عمان	۵۲۷	۱,۳	روسیه	۵۰۳,۴۸	۱,۴۴
۱۱	تایوان	۵۷۳	۱,۲	تایلند	۷۱۰	۱,۶	روسیه	۴۵۸	۱,۱	تایلند	۴۹۳,۰۸	۱,۴۱
۱۲	عمان	۵۲۱	۱,۱	آذربایجان	۴۱۱	۰,۹	آذربایجان	۴۳۰	۱,۰	عمان	۴۳۸,۱۳	۱,۲۶
۱۳	ژاپن	۴۲۵	۰,۹	ترکمنستان	۴۰۰	۰,۹	ارمنستان	۳۷۶	۰,۹	ارمنستان	۳۵۲,۵۲	۰,۸۷
۱۴	ایتالیا	۴۲۳	۰,۹	روسیه	۲۸۱	۰,۶	ترکمنستان	۲۹۰	۰,۷	سنگاپور	۲۹۰,۱۴	۰,۸۳
۱۵	ترکمنستان	۴۱۸	۰,۹	تایوان	۲۷۹	۰,۶	ج. کره	۲۸۷	۰,۷	آلمان	۲۳۲,۵۴	۰,۶۷
۱۶	هنگ کنگ	۳۷۹	۰,۸	ایتالیا	۲۷۶	۰,۶	قطر	۲۳۴	۰,۶	غنا	۱۷۸,۲۴	۰,۵۱
۱۷	ویتنام	۳۶۴	۰,۸	آلمان	۲۵۴	۰,۶	ازبکستان	۲۳۲	۰,۶	قزاقستان	۱۶۷,۸۷	۰,۴۸
۱۸	آلمان	۳۶۰	۰,۸	کویت	۲۵۳	۰,۶	آلمان	۲۰۰	۰,۵	قطر	۱۶۷,۲۸	۰,۴۸
۱۹	سوریه	۳۲۶	۰,۷	مالزی	۲۴۷	۰,۶	مالزی	۱۸۹	۰,۵	ازبکستان	۱۶۳,۵۸	۰,۴۷
۲۰	آذربایجان	۳۲۴	۰,۷	ژاپن	۲۴۱	۰,۵	کویت	۱۸۶	۰,۵	میانمار	۱۵۹,۵۸	۰,۴۶
جمع ۴ کشور	۲۶۶۳۴	۵۶,۶۹	۴ کشور	۲۷۰۶۱	۶۱,۰۷	۴ کشور	۲۸۰۵۹	۶۷,۸۲	۴ کشور	۲۳۶,۹۶	۶۷,۷۱	۰,۱۱
جمع ۱۰ کشور	۳۸۴۵۹	۸۱,۹	۱۰ کشور	۳۶۸۰۴	۸۲,۹	۱۰ کشور	۳۲۳۵۴	۸۵,۰	۱۰ کشور	۲۹۸۸۳,۳۷	۸۵,۷۲	۰,۷۲
جمع ۲۰ کشور	۴۲۵۷۲	۹۰,۷	۲۰ کشور	۴۰۱۵۶	۹۰,۶	۲۰ کشور	۳۸۰۶۳	۹۲,۰	۲۰ کشور	۳۲۴۷۸,۳۳	۹۳,۱۷	۰,۱۷
جمع کل	۴۶۹۸۲	جمع کل	۴۴۳۱۰	جمع کل	۴۱۳۷۰	جمع کل	۳۴۸۶۰,۸۴	جمع کل	۱۵۷۳	جمع کل	۱۵۷۳	جمع کل

مأخذ: محاسبات بر مبنای داده های آماری گمرک ج. ا. ایران، طی سال های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰.

نظر به این که هم اینک کالاهای صادراتی با قیمت و ارزش واحد نازل جایگاه مسلط در صادرات غیرنفتی ایران دارند، به نظر می رسد حداقل بخش مهمی از مسیر توسعه از تحولات و اصلاحات ساختاری صادرات ایران می گذرد. طی دوره صادرات ایران به اتحادیه اروپا از لحاظ ارزش واحد صادراتی حداقل دو برابر سایر مناطق و



بلوک‌ها بوده است. این ارزش واحد بالای صادراتی به اتحادیه اروپا ریشه در ماهیت و ساختار صادرات دارد. مضافاً از دیدگاهی می‌توان عنوان داشت که ارتباط تجاری با اتحادیه اروپا نظر به بازاری کاملاً متمایز، همیشه می‌تواند به نفع ایران باشد. در واقع تجارت با اتحادیه اروپا آثار سرریز و ابعاد جانبی مثبت بالاتری دارد.

۵-۳. واردات ایران

۵-۳-۱. ساختار واردات برحسب نوع مصرف

جدول (۹) ساختار ارزش واردات به تفکیک نوع مصرف طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ نشان می‌دهد. همان طوری که طی دوره کل واردات از ۶۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۳۸٫۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹، با ۳۸٫۵- درصد شدیداً روبه کاهش گذاشته است، ارزش و ساختار واردات به تفکیک نوع مصرف نیز تأثیر پذیرفته است، به طوری که ارزش واردات کالاهای واسطه‌ای از ۴۴٫۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۲۷٫۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ با ۳۸٫۴- درصد، ارزش واردات کالاهای سرمایه‌ای از ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۵٫۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹، با ۴۴- درصد و ارزش واردات کالاهای مصرفی از ۸٫۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۵٫۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹، با ۳۶٫۳- درصد بشدت روبه کاهش گذاشته است.

سهم واردات کالاهای واسطه‌ای در کل واردات همواره بیشترین سهم از واردات بوده است، به طوری که طی دوره میانگین سهم سالانه آن ۶۹ درصد بوده است و حد پایین و بالای آن ۶۵ درصد در سال ۱۳۹۵ و ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۱ بوده است. واردات کالاهای واسطه‌ای می‌تواند با تأمین مواد اولیه مورد نیاز بخش تولید، برخی صنایع در داخل رقابتی‌تر کند، البته افزایش فزاینده سهم آن، میزان وابستگی صنایع داخلی به تأمین مواد اولیه از خارج را نشان می‌دهد. این امر فرایند تولید برخی کالاهای واسطه‌ای مانند قطعه‌سازان را با مشکل مواجه می‌کند.

طی دوره، میانگین سهم سالانه واردات کالاهای مصرفی از کل واردات ۱۳٫۵ درصد بوده است که حد پایین و بالای آن ۱۱٫۰ درصد در سال ۱۳۹۱ و ۱۸٫۵ درصد در سال ۱۳۹۶ بوده است. بررسی ترکیب واردات کالاهای مصرفی مبین سهم بالای کالاهای اساسی بوده و مبین امنیت غذایی پایین به دلیل وابستگی به تأمین کالاهای اساسی کشاورزی به واردات است. در تایید این ادعا، ۱۰ قلم عمده کالاهای وارداتی مصرفی از آن ذرت دامی، برنج، کنجاله، سویا، گندم، دانه‌های روغنی، جو، شکر خام و نظایر آن است که طی دوره سهم متغیری دارند. بعلاوه، طی دوره، میانگین سهم سالانه واردات کالاهای سرمایه‌ای از کل واردات ۱۶٫۰ درصد بوده است که حد پایین و بالای آن طی دوره ۱۴٫۳ درصد در سال ۱۳۹۸ و ۲۰٫۲ درصد در سال ۱۳۹۵ بوده است.

به طور کلی با بررسی ساختار واردات به تفکیک نوع مصرف کالاهای، مشخص است که طی دوره سهم



واردات کالاهای سرمایه‌ای (۱۶٫۰ درصد) همواره بیش از سهم واردات کالاهای مصرفی (۱۳٫۵ درصد) است، به استثنا سال ۱۳۹۶. بعلاوه واردات کالاهای واسطه‌ای همواره سهم بیشتری نسبت به واردات کالاهای مصرفی و سرمایه است. در مجموع طی دوره، سالانه ۸۵ درصد واردات از آن واسطه‌ای و سرمایه‌ای است.

روند کاهشی واردات کالاهای سرمایه‌ای توأم با روند افزایشی نسبی واردات کالاهای مصرفی طی دوره، زنگ خطری برای کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش تولید داخلی و تضعیف بنیان‌های اقتصادی کشور است که از دلایل آن از جمله تثبیت نرخ ارز اسمی طی آن سال‌ها می‌باشد. البته از تشدید فشار تحریم‌ها و متعاقباً سیاست‌های مخل تولید نمی‌توان غافل شد؛ چراکه طی دوره سرمایه‌گذاری خارجی از رقم ۴٫۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۱٫۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ روبه کاهش گذاشت.

ترکیب واردات برحسب نوع مصارف نشان می‌دهد که ساختار مصرفی واردات متأثر از تحریم‌های اخیر، دستخوش تغییراتی اساسی شده است. از بهار سال ۱۳۹۷ با وضع تحریم‌ها در واردات هر سه نوع کالا ابتدا کاهش قابل توجهی ایجاد گردید؛ به نحوی که کالاهای واسطه‌ای ۱۵٫۸ درصد، کالاهای مصرفی ۳۰٫۴ درصد و کالاهای سرمایه‌ای ۱۹٫۲ درصد با کاهش مواجه شدند و اما در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ واردات واسطه‌ای و مصرفی افزایش، و واردات سرمایه‌ای روبه کاهش گذاشته است. همچنین در گروه «سایر»، بخش قابل توجهی از اقلام ممنوعه و لوکس بود که با کاهش قابل توجه در واردات در هر دو سال روبرو شده است. بنابراین کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای یکی از کانال‌های اثرگذاری بر کاهش تولید و رشد صنعتی است، که تا حدی در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ جبران شد. بعلاوه، با توجه به محدودیت‌های ارزی در تأمین مالی واردات و سیاست تجاری در این حوزه مبنی بر رصد و پایش کالاهای وارداتی، واردات اقلام مصرفی با وجود کاهش بیش از ۳۰ درصد در سال ۱۳۹۷ و تداوم کاهش آن در دوسال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ تهدیدکننده است.

جدول ۹. ساختار واردات ایران به تفکیک نوع مصرف کالاها طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۹ (میلیارد دلار، درصد)

شرح	واسطه‌ای			سرمایه‌ای			مصرفی			طبقه‌بندی نشده		کل واردات	
	ارزش	سهم	رشد	ارزش	سهم	رشد	ارزش	سهم	رشد	ارزش	سهم	ارزش	رشد
۱۳۹۰	۴۴٫۰	۷۱٫۰	-	۱۰٫۰	۱۶٫۱	-	۸٫۰	۱۲٫۹	-	...	...	۶۲٫۰	-
۱۳۹۱	۴۰٫۰	۷۴٫۱	-۹٫۱	۸٫۰	۱۴٫۸	-۲۰٫۰	۶٫۰	۱۱٫۰	-۲۵٫۰	...	...	۵۴٫۰	-۱۲٫۹
۱۳۹۲	۳۶٫۰	۷۳٫۴	-۱۰٫۰	۷٫۰	۱۴٫۳	-۱۲٫۵	۶٫۰	۱۲٫۲	۰٫۰	...	...	۴۹٫۰	-۹٫۳
۱۳۹۳	۳۵٫۰	۶۸٫۶	-۲٫۸	۹٫۰	۱۷٫۷	+۲۸٫۶	۷٫۰	۱۳٫۷	+۱۶٫۷	...	...	۵۱٫۰	+۴٫۱
۱۳۹۴	۲۷٫۰	۶۹٫۲	-۲۲٫۹	۷٫۰	۱۸٫۰	-۲۲٫۲	۵٫۰	۱۲٫۸	-۲۸٫۶	...	...	۳۹٫۰	-۲۳٫۵



شرح	واسطه‌ای			سرمایه‌ای			مصرفی			طبقه‌بندی نشده		کل واردات	
	ارزش	سهم	رشد	ارزش	سهم	رشد	ارزش	سهم	رشد	ارزش	سهم	ارزش	رشد
۱۳۹۵	۲۶,۰	۶۵,۰	-۳,۷	۸,۰	۲۰,۰	+۱۴,۳	۶,۰	۱۵,۰	+۲۰,۰	...	...	۴۰,۰	+۲,۶
۱۳۹۶	۳۲,۰	۵۹,۳	+۲۳,۱	۸,۰	۱۴,۸	۰,۰۰	۱۰,۰	۱۸,۵	+۶۶,۶	۷,۴	۴,۰	۵۴,۰	+۳۵,۰
۱۳۹۷	۲۷,۰	۶۲,۸	-۱۵,۶	۷,۰	۱۶,۳	-۱۲,۵	۷,۰	۱۶,۳	-۳۰,۰	۴,۷	۲,۰	۴۳,۰	-۲۰,۴
۱۳۹۸	۳۱,۰	۷۳,۶	+۱۴,۸	۶,۰	۱۴,۳	-۱۴,۳	۵,۰	۱۱,۹	-۲۸,۶	۰,۲	۰,۱	۴۲,۱	-۲,۱
۱۳۹۹	۲۷,۱	۷۱,۴	-۱۲,۶	۵,۶	۱۴,۶	+۲,۱	۵,۱	۱۳,۳	+۲,۰	۰,۷	۰,۳	۳۸,۱	-۹,۵
میانگین دوره	۳۲,۵	۶۸,۷	-۳۸,۴	۷,۶	۱۶,۰	-۴۴,۰	۶,۵	۱۳,۵	-۳۶,۳	...	...	۴۷,۲	-۳۸,۵

ماخذ: بانک اطلاعاتی سری زمانی بانک مرکزی (<https://tsd.cbi.ir/display/content.aspx>)

در حوزه واردات افزایش تمرکز درمبادی وارداتی و حرکت از واردات مستقیم به سمت واردات غیرمستقیم با واسطه، پیش افتادن منطقه آسیای شرقی با هزینه حمل بالا و کاهش واردات از منطقه با مزیت آسیای مرکزی، و جنوب غربی، از مهمترین تغییرات بوده است. چنانچه نگاهی به ساختار وارداتی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه انداخته شود، مشاهده می شود که بخش عمده ای از واردات از کشورهای توسعه یافته را عموماً اقلام واسطه ای تشکیل می دهد که صرف تولید کالاهای مصرف داخلی و نیز صرف صادرات می شود. بنابراین سهم عمده ای از واردات را اقلام واسطه ای تشکیل داده اند. باید توجه داشت که کاهش واردات واسطه ای و سرمایه ای نشانی از رکود بخش صنعت دارد. در نتیجه تحریم ها و ضرورت جانشین سازی برخی اقلام فاقد امکان واردات، واردات واسطه ای از منطقه آسیای جنوب غربی به سمت منطقه آسیای شرقی جابه جا شده است

۵-۳-۲. تحلیل الگو و ساختار واردات برحسب اقلام عمده وارداتی

ساختار واردات کالایی از شرایط تحریم ها و تنگنای ارزی ناشی از آن متاثر بوده است. با دقت در آن نتیجه می شود ارزش واردات اقلام کالاهای مربوط به امنیت غذایی از جمله غلات، چربی ها و روغن ها افزایش یافته است. در مرحله بعد مواد اولیه و قطعات صنایع کارخانه ای از جمله ماشین آلات، کاغذ و مقوا و محصولات دارویی روبه افزایش بوده است. در واقع مدیریت واردات به سمت سویی حرکت کرده که در گام نخست نیازهای وارداتی ضروری حداقل معیشت را فراهم آورده، در مرحله دوم، ارزش واردات حوزه نیازهای سلامت و بهداشت با محوریت محصولات دارویی بوده و در مرحله بعد مبتنی بر مواد اولیه صنعت است.

در سال ۱۳۹۹ ارزش واردات ذرت دامی با ۲,۵ میلیارد دلار و سهم ۶,۵ درصد رتبه نخست از آن خود دارد. گوشی تلفن همراه و برنج نیمه سفید شده با سهم ۶,۳ و ۲,۴ درصد در مراتب دوم و سوم قرار دارند. ترکیب



واردات برحسب اقلام کالاهای مهم وارداتی در سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که ۱۰ قلم کالای مهم وارداتی سهم ۲۵٫۴ درصدی از کل واردات دارد که نسبت به سال ۱۳۹۸، ۲٫۵ واحد درصد بهبود یافته است. بخش قابل توجهی از اقلام مورد اشاره اقلام کالاهای حساس و ضروری و مواد اولیه کشاورزی مرتبط با امنیت غذایی و معیشت جامعه، قطعات منفصله صنایع تولید خودرو و وسایل نقلیه و اقلام گلوگاهی در زنجیره تولید محصولات پایه فلزی است. بنابراین، تحریم‌ها سبب شده است تا اقلام حیاتی و ضروری در صدر واردات کشور قرار گیرند.

جدول ۱۰. ساختار واردات برحسب اقلام عمده وارداتی در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ (میلیون دلار-درصد)

ردیف	کد تعرفه	شرح	ارزش			% سهم		
			۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
۱	۱۰۰۵۹۰۱۰	انواع ذرت (۱۰۰۵)	۲۰۹۹	۲۲۰۳	۲۵۰۶	۴٫۹	۵٫۰	۶٫۵
۲	۸۵۱۷۱۲۱۰	دستگاههای تلفن (۸۵۱۷)	۷۵۶	۱۸۳۸	۲۴۳۶	۱٫۸	۴٫۲	۶٫۳
۳	۱۰۰۶۳۰۰۰	برنج (۱۰۰۶)	۱۵۸۱	۱۶۷۰	۹۲۵	۳٫۷	۳٫۸	۲٫۴
۴	۲۳۰۴۰۰۰۰	کنجاله سویا (۲۳۰۴)	۶۲۸	۹۴۳	۷۹۴	۱٫۵	۲٫۲	۲٫۰
۵	۱۲۰۱۹۰۱۰	دانه لوبیای سویا تراریخته (۱۲۰۱)	۱۱۵۶	۸۳۹	۷۱۰	۲٫۷	۱٫۹	۱٫۸
۶	۱۰۰۱۹۹۰۰	سایر مخلوط‌های گندم غیرمذکور در جای دیگر			۶۲۰			۱٫۶
۷	۱۵۱۲۱۱۰۰	روغن دانه آفتابگردان، روغن گلرنگ یا زعفران کاذب			۵۳۵			۱٫۴
۸	۸۵۴۵۱۱۰۰	الکترودهای زغالی برای کوره‌ها	۶۳۸	۱۳۹۲	۴۶۷	۱٫۵	۳٫۲	۱٫۲
۹	۱۰۰۳۹۰۰۰	جو به جز بذر (۱۰۰۳)	۵۹۶	۱۰۰۷	۴۶۵		۲٫۳	۱٫۲
۱۰	۱۷۰۱۱۳۰۰	شکر تصفیه نشده			۳۷۱			۱٫۰
۱۱	۷۲۰۸۵۱۱۰	محصولات از آهن و فولاد غیرممزوج			۳۰۱			۰٫۸
۱۲	۱۵۱۱۹۰۱۰	پالم اوایل در ظروف ۲۰۰ لیتری و بیشتر			۲۹۵			۰٫۸
		داروها (۳۰۰۴)	۱۰۹۷	۸۳۷		۲٫۶	۱٫۹	
		قطعات منفصله خودروهای سواری (۹۸۸۷)	۲۶۳۴	۷۳۷		۶٫۲	۱٫۷	
		لاستیک رویی خودرو (۴۰۱۱)	۳۱۵	۷۱۱			۱٫۶	
		جمع ده قلم	۱۱۹۸۰	۱۲۱۷۷		۲۸٫۲	۲۷٫۹	

مأخذ: محاسبات نگارنده بر مبنای داده‌های آماری سازمان توسعه تجارت ایران، طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰.



۵-۳-۳. تحلیل الگو و ساختار واردات برحسب مهم‌ترین مبادی وارداتی

در سال ۱۳۹۹ پنج کشور چین، امارات، ترکیه، هندو آلمان عمده مبادی وارداتی ایران بودند. چین با سهم ۲۵ درصدی بالاترین ارزش واردات ایران را داشته و امارات و ترکیه با سهم ۲۵٫۰ و ۱۱٫۳ درصد در مراتب دوم و سوم قرار دارند. در این بین، به جز واردات ایران از امارات که ۹٫۵ درصد نسبت به سال ۱۳۹۸ افزایش یافته، واردات از بقیه کشورها در سال ۱۳۹۹ با کاهش همراه بوده است. بدین ترتیب عمده مبادی وارداتی ایران در سال ۱۳۹۹ به ترتیب چین، امارات و ترکیه (جایگزین کره جنوبی)، هند و آلمان، که ۷۲ درصد از کل واردات سهم دارند که نسبت به سال ۱۳۹۸ (۶۵٫۸ درصد)، ۶٫۲ واحد درصد متمرکزتر شده است (جدول ۱۱). تشدید تحریم‌ها بر روند تجارت با شرکای تجاری آثاری ملموس و متفاوتی را به همراه داشته است. واردات از عمده کشورها در این سال‌ها با کاهش روبرو شد. با این حال، واردات از ترکیه، هند و چین روبه افزایش گذاشت.

جدول ۱۱. ساختار و تمرکز وارداتی ایران با مهم‌ترین مبادی وارداتی طی دوره ۹۹-۱۳۹۶ (میلیون دلار-درصد)

ردیف	۱۳۹۶				۱۳۹۷				۱۳۹۸				۱۳۹۹			
	کشور	واردات	سهم	رشد	کشور	واردات	سهم	رشد	کشور	واردات	سهم	رشد	کشور	واردات	سهم	رشد
۱	چین	۱۳۲۳۶	۲۴٫۳	۱۰۳۱۵	۲۴٫۲	-۲۲	چین	۱۱۲۱۱	۲۵٫۶	۸	۹۸۴۵٫۵	۲۵٫۳۱	۱۲٫۱۸	چین	۹۸۴۵٫۵	۲۵٫۳۱
۲	امارات	۱۰۰۵۹	۱۸٫۵	۶۵۶۷	۱۵٫۴	-۳۵	امارات	۸۹۱۳	۲۰٫۴	۳۵	۹۷۴۰٫۶	۲۵٫۰۸	۹٫۴۴	امارات	۹۷۴۰٫۶	۲۵٫۰۸
۳	کره ج	۳۷۱۹	۶٫۸	۲۶۱۷	۶٫۱	-۱۹	ترکیه	۴۹۹۶	۱۱٫۴	۹۰	۴۳۹۹٫۲۶	۱۱٫۳۱	-۱۱٫۹۴	ترکیه	۴۳۹۹٫۲۶	۱۱٫۳۱
۴	ترکیه	۳۲۲۲	۵٫۹	۲۵۹۵	۶٫۱	۱۵	هند	۳۶۷۶	۸٫۴	۳۳	۲۱۴۰٫۵۲	۵٫۵۰	-۴۱٫۷۷	هند	۲۱۴۰٫۵۲	۵٫۵۰
۵	آلمان	۳۰۹۴	۵٫۷	۲۴۷۲	۵٫۸	-۲۰	آلمان	۲۱۰۳	۴٫۸	-۱۵٫۰	۱۸۵۱٫۰۶	۴٫۷۶	-۱۱٫۹۸	آلمان	۱۸۵۱٫۰۶	۴٫۷۶
۶	هند	۲۲۵۸	۴٫۱	۲۱۰۵	۴٫۹	-۳	روسیه	۱۱۷۱	۲٫۷	-۱۴	۱۰۷۰٫۲۶	۲٫۷۵	-۸٫۶۰	روسیه	۱۰۷۰٫۲۶	۲٫۷۵
۷	سوئیس	۲۱۶۰	۴٫۰	۲۰۵۰	۴٫۸	-۴۵	سوئیس	۱۱۲۵	۲٫۶	-۴۷٫۰	۱۰۳۳٫۱۲	۲٫۶۶	-۴٫۱۷	انگستان	۱۰۳۳٫۱۲	۲٫۶۶
۸	فرانسه	۱۷۷۱	۳٫۳	۱۳۴۳	۳٫۲	۸۵	انگلیس	۱۰۷۸	۲٫۵	-۵٫۶	۹۳۳٫۹۳	۲٫۴۰	-۱۶٫۹۸	سوئیس	۹۳۳٫۹۳	۲٫۴۰
۹	هلند	۱۴۴۰	۲٫۶	۱۱۵۹	۲٫۷	-۱۹	ایتالیا	۹۸۷	۲٫۳	-۱۳٫۸	۸۸۹٫۵۹	۲٫۲۹	-۹٫۱۳	هلند	۸۸۹٫۵۹	۲٫۲۹
۱۰	ایتالیا	۱۴۳۷	۲٫۶	۱۱۴۵	۲٫۷	-۲۰	هلند	۹۷۹	۲٫۲	-۱۵٫۵	۶۸۷٫۲۸	۱٫۷۷	-۳۰٫۳۷	ایتالیا	۶۸۷٫۲۸	۱٫۷۷
۱۱	بریتانیا	۱۱۰۵	۲٫۰	۱۰۴۶	۲٫۵	-۴۱	کره ج	۷۸۱	۱٫۸	-۶۱٫۹	۵۹۰٫۸۹	۱٫۵۲	-۱۱٫۲۸	سنگاپور	۵۹۰٫۸۹	۱٫۵۲
۱۲	سنگاپور	۹۵۱	۱٫۷	۱۰۲۱	۲٫۴	-۸	برزیل	۵۵۶	۱٫۳	...	۵۸۶٫۱۷	۱٫۵۱	-۲۴٫۹۵	کره ج	۵۸۶٫۱۷	۱٫۵۱
۱۳	روسیه	۷۲۸	۱٫۳	۹۱۱	۲٫۱	-۴	سنگاپور	۵۳۱	۱٫۲	-۴۱٫۷	۴۳۳٫۹۷	۱٫۱۲	...	عمان	۴۳۳٫۹۷	۱٫۱۲
۱۴	بلژیک	۶۸۸	۱٫۳	۵۵۴	۱٫۳	۶۴	فرانسه	۴۳۵	۱٫۰	-۵۸٫۴	۳۳۳٫۷۱	۰٫۸۶	۳۹٫۹۸	برزیل	۳۳۳٫۷۱	۰٫۸۶
۱۵	برزیل	۶۷۵	۱٫۲	۴۸۹	۱٫۱	-۲۷	پاکستان	۴۱۰	۰٫۹	...	۳۲۶٫۰۰	۰٫۸۴	-۱۶٫۴۱	اتریش	۳۲۶٫۰۰	۰٫۸۴
۱۶	ژاپن	۶۶۸	۱٫۲	۴۳۳	۱٫۰	۱۰۰	اتریش	۳۹۰	۰٫۹	-۲۹٫۴	۲۸۸٫۳۳	۰٫۷۴	-۵٫۵۶	مالزی	۲۸۸٫۳۳	۰٫۷۴
۱۷	مالزی	۴۹۰	۰٫۹	۴۳۲	۱٫۰	-۳۵	مالزی	۳۰۵	۰٫۷	-۲۳٫۰	۲۸۴٫۱۱	۰٫۷۳	...	فرانسه	۲۸۴٫۱۱	۰٫۷۳



ردیف	۱۳۹۶			۱۳۹۷			۱۳۹۸			۱۳۹۹		
	کشور	واردات	سهم	کشور	واردات	سهم	کشور	واردات	سهم	کشور	واردات	سهم
۱۸	اسپانیا	۴۴۶	۰٫۸	اسپانیا	۴۱۶	۱٫۰	اسپانیا	۲۷۶	۰٫۶	اسپانیا	۲۴۵٫۰۲	۰٫۶۳
۱۹	اتریش	۳۳۷	۰٫۶	مالزی	۳۹۶	۰٫۹	بلژیک	۲۶۵	۰٫۶	آرژانتین	۱۵۹٫۱۳	۰٫۴۱
۲۰	عمان	۲۱۷	۰٫۴	بلژیک	۳۹۴	۰٫۹	تایلند	۲۳۲	۰٫۵	عراق	۱۳۴٫۵۱	۰٫۳۵
جمع ۴ کشور	۳۰۲۳۶	۵۵٫۵۲	۲۲۰۹۴	۵۱٫۸۵	۳۶۷	۴	۲۸۷۹۶	۶۵٫۸۴	۱۳۲۹۹	۴	۲۶۱۳۸٫۸۹	۶۷٫۲۱
جمع ۱۰ کشور	۴۲۳۹۶	۷۷٫۸	۳۲۳۶۸	۷۵٫۹	۱۰۹	۳۶۲۵۶	۸۲٫۹	۷٫۰	۱۰	۳۶۲۱۳	۸۳٫۸۴	۰٫۹۴
جمع ۲۰ کشور	۴۸۷۰۱	۸۹٫۲	۳۸۴۶۰	۹۰٫۱	۰٫۹	۲۰	۴۰۴۱۸	۹۲٫۰	۱٫۹	۲۰	۳۵۹۵۰٫۶۷	۹۲٫۵۳
جمع کل واردات	۵۴۴۵۹	جمع	۴۲۶۱۲	۲۱٫۷۵	جمع	۴۳۷۳۵	۲٫۶۴	جمع	۳۸۸۹۰٫۲۸	۱۱٫۰۸	جمع	

مأخذ: محاسبات بر مبنای داده‌های آماری گمرک ج.ا. ایران، طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰.

سهم کشورهای عضو اتحادیه اروپا در بین شرکای عمده وارداتی ایران با وضع مجدد تحریم‌های ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۹۷، در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ روبه کاهش گذاشت؛ به طوری که علی‌رغم این که ۷ کشور از ۲۰ کشور نخست شرکای وارداتی ایران از اتحادیه اروپا هستند، اما ارزش، رشد ارزش، سهم و رتبه کشورهای مطرح اروپایی از جمله آلمان، فرانسه، هلند، سوئیس، انگلیس، ایتالیا، اتریش و اسپانیا روبه کاهش گذاشته است. نسبت‌های تمرکز ۴، ۱۰ و ۲۰ کشوری از واردات کالایی ایران از جهان به ترتیب ۶۷٫۲، ۸۳٫۸ و ۹۲٫۵ درصد بوده است که گویای متمرکزتر شدن شرکای وارداتی ایران دارد. در مجموع ۶۷٫۲، ۸۳٫۸ و ۹۲٫۵ درصد نیازهای وارداتی ایران در سال ۱۳۹۹ از ۴، ۱۰ و ۲۰ کشور تامین می‌شود که آسیب‌پذیری بالای تجارت کشور را آشکار می‌کند. همچنین، وابستگی بالای تولیدات در داخل به واردات انواع مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای از مجاری است که با اعمال تحریم‌ها اقتصاد ایران را در معرض تهدیدات بالقوه‌ای قرار می‌دهد. سهم بیش از ۸۰ درصدی این کالاها از کل واردات گواهی بر این مدعا است. ضمن آنکه لازم است تبعات غیرمستقیم تحریم در تأمین نهاده‌های اولیه و واسطه‌ای از مبادی که از کیفیت پایینی برخوردار بودند را نیز مورد توجه قرار داد. در حالی که تأمین نهاده‌های تولید از کشورهای پیشرفته به دلیل اثرات سرریز آن سبب انتقال بهره‌وری در کیفیت محصول نهایی تولید شده در کشور می‌شوند، تأمین نهاده‌های تولید از سایر مبادی، سبب کاهش کیفیت محصول نهایی و آسیب‌پذیری تولید داخل می‌شود. برای نمونه کاهش کیفیت تولید دارو و خودرو از مصادیق آن هستند. بنابراین ممکن است ترکیب واردات تغییر چندانی نداشته باشد اما تغییر مبادی، کیفیت کالاهای وارداتی و محصول نهایی را نیز متأثر می‌سازد.

۵-۳-۴. تحلیل تمرکز بالای شرکای تجاری خاص در مبادلات تجاری (صادرات و واردات)

تمرکز بالا بر شرکای تجاری خاص در صادرات و واردات از چالش‌های فراروی تجارت کشور است. در مقابل

این، متنوع‌سازی شرکای تجاری می‌تواند فرصتی برای توسعه تجارت کشور تلقی شود. مطابق نظریه‌های تجارت نوین از جمله نظریه‌های رشد درونزا، عواملی همچون گوناگونی تولید و یا صادرات را که نشأت گرفته از علایق مصرف‌کنندگان در سراسر جهان است، می‌توان عاملی برای رشد اقتصادی و بهبود در بهره‌وری دانست^۱. مطالعات انجام شده در این خصوص نشان می‌دهد که، تنوع مبادلات تجاری در دوره پس از انقلاب دارای نوسان بوده که بیشترین کاهش آن در سال‌های جنگ رخ داده است و از سال‌های برنامه اول توسعه به بعد تقریباً در اطراف سال پایه نوسان ملایمی داشته است. اما تنوع در صادرات در مقایسه با تنوع مبادلات تجاری نوسان بیشتری داشته است. رابطه میان تنوع صادرات و تنوع مبادلات تجاری با رشد اقتصادی، حاکی از آثار مثبت و معنی‌دار تنوع مبادلات تجاری بر رشد اقتصادی بود. هرچند تنوع صادرات دارای آثار مثبت معنی‌داری است. ولی، ضریب برآوردی آن در مقایسه با ضریب برآوردی تنوع مبادلات به مراتب کوچکتر است که نشان از اهمیت بیشتر تنوع مبادلات در مقایسه با تنوع صادرات بر رشد اقتصادی است. با عنایت به یافته‌ها، پیشنهادهای زیر جهت سیاست‌گذاری، ارائه می‌گردد:

بمنظور کاهش بی‌ثباتی عملکرد اقتصاد، سیاست‌گذاری‌ها باید به گونه‌ای باشد که نوسانات زیاد در تنوع تولید و صادرات را کاهش داده و حتی المقدور در آنها هماهنگی و نظم نسبی فراهم نماید. جهت‌گیری به سیاست‌های تنوع تولید به همراه عواملی همچون سرمایه فیزیکی و انسانی می‌تواند آثار مهم و چشمگیری را بر رشد اقتصادی و بهره‌وری کل عوامل تولید داشته باشد. پس در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، علاوه بر اهمیت دادن به سرمایه فیزیکی به عوامل دیگر سرمایه‌ی انسانی، تنوع تولید و یا تغییرات فناوری توجه شود. تنوع در مبادلات تجاری بر بهره‌وری کل عوامل تولید آثار مثبت معنی‌داری دارد، بنابراین لازم است که در مبادلات به تنوع در ترکیب کالاهای وارداتی و صادراتی و نیز در ترکیب شرکای تجاری مورد توجه قرار گیرد.

۴-۵. تحلیل الگو و ساختار تجارت غیررسمی (قاچاق)

قاچاق کالا و ارز، فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات مربوط به ورود و خروج قانونی کالا و ارز به کشور می‌شود و به دلیل عدم پرداخت حقوق ورودی و مالیات‌های مصوب دولت و ترک تشریفات ورود قانونی به کشور، به تولید و تجارت رسمی کشور، سلامت جامعه، بخش رسمی اقتصاد و سیاست تجاری

۱. نظریات متعددی وجود دارد که گوناگونی در تولید و مصرف را عامل پویایی و رشد می‌دانند ولی این مدل‌ها اذعان دارند که تأثیر مثبت تنوع بر رشد اقتصادی بایستی همراه با عواملی همچون فناوری، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی باشد. از دیدگاه این تئوری‌ها، عامل اساسی و موثر که قادر است تأثیرات مثبتی بر رشد و بهره‌وری داشته باشد، تحقیق و توسعه و نوآوری است که بازارها را به شرایط رقابت انحصاری ارتقاء می‌دهد و تنوع بیشتری از محصولات را فراهم می‌کند. مدل کاربردی این پژوهش براساس نظریات رومر، گروسمن و هلمپن و جونز است که با کمی تغییر آن را برای بررسی اثرات متنوع‌سازی بر رشد اقتصادی به کار می‌برند. روش محاسبه شاخص تنوع مبادلات تجاری به عنوان جانشینی برای تنوع تولیدات، از روش به‌کار برده شده توسط فنسترا است.

آسیب می‌رساند. نظر به وظیفه ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و امارات کشفیات مشاهده می‌شود که حجم قاچاق کالا و ارز طی سال‌های مختلف نسبت به تجارت رسمی کشور قابل توجه است. جدول (۱۲)، روند تجارت غیررسمی (قاچاق) ورودی و خروجی در مقایسه با تجارت رسمی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ و تغییرات آن را نشان می‌دهد. اطلاعات آماری مندرج در جدول نشان می‌دهد نسبت ارزش کل قاچاق به تجارت رسمی کشور از ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۶ درصد در ۱۳۹۹، به طور متوسط سالانه ۹ درصد کاهش یافته است. این نسبت بیانگر این واقعیت است که به دلیل افزایش نرخ ارز طی دوره و افزایش بهای عمومی کالاهای وارداتی میزان قاچاق کالاهای ورودی به واردات کالاها از ۳۵ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۳۲ درصد در ۱۳۹۹ کاهش، و طی دوره تجارت غیررسمی از تجارت ۱۸٫۳ درصد بوده است. با توجه به سهم قابل توجه قاچاق از تجارت و نظر به گستردگی ورود کالاهای مختلف از این کانال، که بر اساس امارات کشفیات قابل بررسی است، ضرورت دارد در این مورد آسیب شناسی انجام شود. در واقع اقلام کالاهای متعدد از این کانال بیانگر این مهم است که نخست محیط تجارت رسمی تسهیل، و از تغییر مکرر قوانین و درخواست مجوزهای متعدد برای ورود کالا از مسیر قانونی جلوگیری شود و دوم، تلاطمات بازار و نوسان‌های نرخ ارز کنترل شود.

جدول ۱۲. روندهای تجارت غیررسمی (قاچاق ورودی و خروجی کالا) از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ (ارقام به میلیارد دلار و درصد)

شاخص (نرخ رشد)	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	شرح
(-۵٫۱) ۶۹٫۲	۱۱٫۹	۱۲٫۵	۱۲٫۱	۱۲٫۰	۱۲٫۱	۱۴٫۵	۱۵٫۷	۱۷٫۲	قاچاق ورودی
(-۸٫۵) ۵۳٫۸	۴٫۲	۴٫۶	۲٫۹	۰٫۹	۰٫۵	۱٫۰	۴٫۱	۷٫۸	قاچاق خروجی
(-۶٫۱) ۶۴٫۴	۱۶٫۱	۱۷٫۱	۱۵٫۰	۱۲٫۹	۱۲٫۶	۱۵٫۵	۱۹٫۸	۲۵٫۰	کل قاچاق
(-۳٫۸) ۷۶٫۳	۳۷٫۴	۴۳٫۰	۴۳٫۰	۵۴٫۰	۴۳٫۰	۴۱٫۰	۵۳٫۰	۴۹٫۰	واردات
(+۲٫۴) ۱۱۷٫۷	۳۶٫۵	۴۲٫۱	۳۹٫۰	۳۹٫۰	۳۶٫۰	۳۵٫۰	۳۶٫۰	۳۱٫۰	صادرات
(-۱٫۱) ۹۲٫۴	۷۳٫۹	۸۵٫۱	۸۲٫۰	۹۳٫۰	۷۹٫۰	۷۶٫۰	۸۹٫۰	۸۰٫۰	کل تجارت
(-۱٫۴) ۹۰٫۹	۳۱٫۸	۲۹٫۰	۲۸٫۰	۲۲٫۰	۲۸٫۰	۳۵٫۰	۲۹٫۰	۳۵٫۰	نسبت قاچاق ورودی به واردات
(-۹٫۰) ۵۱٫۶	۱۶٫۰	۱۴٫۷	۱۸٫۰	۱۴٫۰	۱۶٫۰	۲۰٫۰	۲۲٫۰	۳۱٫۰	نسبت کل قاچاق به تجارت رسمی

ماخذ: برگرفته از گزارش براساس داده‌های سری زمانی بانک مرکزی ج.ا.ایران به آدرس www.cbi.ir، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سایت بانک جهانی برای سال ۱۳۹۹ آمار قاچاق ورودی و خروجی و همچنین کل قاچاق، براساس میانگین رشد سالانه قاچاق ورودی (۵٫۰- درصد) و قاچاق خروجی (۸٫۰- درصد) برآورد صورت گرفته است.

در حوزه تجارت غیررسمی مشخصه‌های محیط اقتصادکلان در حوزه نوسان‌های نرخ ارز، سیاست تجاری

بویژه انواع محدودیت تجاری غیرتعرفه‌ای خلق‌الساعه، افزایش اختلاف قیمت داخلی و خارجی، افزایش هزینه تولید و هزینه مبادله در تجارت چالش‌های مهم پیش‌رو شناخته می‌شوند. با این وجود در سال ۱۳۹۹ مانند افزایش تعرفه برخی کالاهای وارداتی با هدف حمایت از تولیدات داخلی و وضع ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها برای ثبت سفارش و ورود کالا و برخی نوسان‌های ارزی به افزایش قاچاق منجر شد و ضرورت دارد سیاست‌هایی برای تسهیل و بهبود رویه در ابزار سیاست تجاری و روش حمایت از تولید داخلی مدنظر قرارگیرد.

۵-۵. تحلیل الگو و ساختار صادرات (تنوع کالایی و ترکیب بنگاه‌های صادراتی: خصوصی و دولتی)

سبد صادراتی ایران در سال ۱۳۹۷ مجموعاً شامل ۴۳۷۶ تعرفه را شامل می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تنها تعداد ۰/۲ درصد از کل اقلام صادراتی (۹ ردیف تعرفه) ارزشی معادل ۱۲/۷ میلیارد دلار (با سهم ۲۹ درصدی در صادرات) را در اختیار دارند که این میزان تنها توسط سه شرکت دولتی صادر می‌شوند. در عین حال، هیچ شرکت خصوصی بیش از یک میلیارد دلار صادرات نداشته است. «فقدان تنوع در اقلام صادراتی با ارزش بالا» و «ضعف عمومی در توانمندی بنگاه‌های صادراتی» از عمده علل توسعه نیافتگی بازارهای صادراتی ایران است. آمارها نشان می‌دهد سبد صادراتی دنیا ۸ هزار قلم کالا و سبد صادراتی ایران ۴۳۷۶ قلم از این کالاها است. جدا از این موارد، تعاملات تجاری با منطقه و کشورها دوست، تنش‌زدایی با دنیا، برقراری روابط کارگزاری بانکی با کشورهای هدف، ثبات اقتصادی به‌ویژه در سیاست ارزی، بهبود زیرساخت نرم و سخت تجاری و نظایر آن سایر دلایل مهم تأثیرگذار بر ساختار و الگوی صادرات و رقابت‌پذیری تجارت کشور است.

جدول ۱۳. ساختار صادرات از دو بعد تنوع کالایی و ترکیب شرکت‌ها (خصوصی و دولتی) در سال ۱۳۹۷

ظرفیت صادرات سالانه	اقلام کالاها (HS ۸ رقمی)		ارزش صادرات		شرکت‌ها	
	ردیف تعرفه	سهم (درصد)	میلیارد دلار	سهم (درصد)	تعداد	میلیارد دلار (سهم درصد)
بالای ۱ میلیارد دلار	۹	۰/۲	۱۲/۷	۲۹	۳ (دولتی)	۱۰ (۲۲/۸)
بالای ۱۰۰ میلیون دلار	۷۲	۱/۶	۳۲	۷۳	۵۲	۲۵/۲ (۵۸)
بالای ۵۰ میلیون دلار	۱۱۷	۲/۷	۳۵/۶	۸۱	۹۶	۲۸/۳ (۶۴/۴)
بالای ۱۰ میلیون دلار	۳۷۶	۶/۸	۴۱/۳	۹۴	۴۴۸	۳۵/۶ (۸۱)
جمع کل	۴۳۷۶	۱۰۰	۴۳/۹۵	۱۰۰		۱۰۰

مأخذ: سازمان توسعه تجارت ایران (۱۳۹۸).

۶. تحلیل آثار سرمایه مستقیم خارجی بر ساختار تجارت خارجی

آنچه در سر فصل ۴ به تفصیل مرتبط با ساختار تجارت خارجی ایران ارایه گردید، گویای آن است که الگو و ساختار تجارت ایران به خصوص در دهه ۱۳۹۰ عملکرد و کارنامه مناسب و قابل دفاعی نداشته است. از عوامل کلیدی در عقب ماندگی تجارت ایران، عدم تعامل توسعه ایران با جهان و فقدان جذب سرمایه گذاری مولد و کارآمد بوده است. دولتهای بسیاری از کشورهای در حال توسعه به طور فزاینده‌ای در جستجوی بهترین سیاستها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند و این امر به دلیل آثار مثبت مرتبط با آن است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در عین این‌که می‌تواند آثار مثبتی نظیر دسترسی به بازار، دستیابی به فن‌آوری مدرن، تامین مالی و غیره داشته باشد، اما می‌تواند اثرات منفی نیز به همراه داشته باشد. بعلاوه، آثار مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور خودکار برای کشور میزبان تسری نمی‌یابد و بستگی به سیاستهای اتخاذ شده توسط کشورها در زمان و مکان مناسب، و دیگر عوامل دارد. در واقع، حجم بالایی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به خودی خود برای برآوردن اهداف ایجاد رشد اقتصادی و کاهش فقر (که هر دو از مهمترین دغدغه‌های کشورهای در حال توسعه هستند) کافی نمی‌باشد. این‌که هر کشور باید چه سیاستی را اتخاذ نماید بستگی به ویژگیهای خاص آن کشور، اهداف کشور از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و استراتژی اتخاذ شده دارد. البته عوامل مشترکی نیز برای تمامی کشورها موجود است. سیاستهای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیبی از سیاستها است که باید متناسب با استراتژی توسعه کشور اتخاذ شود تا حصول اهداف معینی امکان‌پذیر باشد. در ارزیابی کلی، سیاستهای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در دو گروه سیاستگذاری (۱) سیاست صنعتی خاص و (۲) سیاست اقتصادکلان تفکیک کرد و برحسب آن‌که آیا آنها برای (۱) جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، (۲) ارتقاء سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا (۳) گسترش ارتباطات و آثار انتشاری (سرریزی) بر روی بنگاههای داخلی به‌کارمی‌روند تفکیک نمود.

در ادامه در جدول (۱۴)، مجموعه شاخص‌های اقتصاد کلان از جمله تجارت و FDI منبخی از کشورهای آسیایی عضو سازمان همکاری‌های شانگهای ارایه شده است. با دقت در اطلاعات آماری آن جدول نتیجه می‌شود اندازه اقتصاد ۱۲ کشور عضو SCO ۲۰۱ تریلیون دلار معادل ۲۲٫۹ درصد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۹ است. چین با اندازه اقتصاد ۱۴٫۲ تریلیون دلار (۷۰٫۶ درصد از اندازه اقتصاد این سازمان)، جایگاه کاملاً مسلط را دارد. هند، روسیه، ایران، پاکستان و قزاقستان به‌ترتیب با سهم ۱۵٫۲، ۸٫۵، ۲٫۶، ۱٫۳ و ۰٫۹ درصد از اندازه اقتصاد SCO، در مراتب ۲ تا ۶ قرار دارند. این ۶ کشور جمعاً ۹۹٫۱ درصد از اندازه اقتصاد این سازمان را از آن خود دارند. مابقی سهم اندازه اقتصاد SCO با کمتر از ۱٪ به ۶ عضو کوچک SCO تعلق دارد. در این سال، کمترین رشد اقتصادی (۸٫۰- درصد) به ایران تعلق داشته است. صادرات و واردات کالایی اعضای SCO در سال ۲۰۱۹ به‌ترتیب ۳٫۴۵ و ۳٫۰۳ تریلیون دلار بود، که ۱۵٫۷ و ۱۸٫۳

درصد از صادرات و واردات کالایی جهان است. تراز تجارت کالایی س SCO با رقم چشمگیر ۱۵۷٫۱+ میلیارد دلار مثبت بود. بین اعضای SCO، چین با ۲٫۵ و ۲٫۱ تریلیون دلار صادرات و واردات، به ترتیب ۷۲٫۵ و ۶۸٫۶ درصد از صادرات و واردات SCO را تشکیل داده است. کشورهای هند، روسیه، ایران، قزاقستان و بلاروس به ترتیب در صادرات و واردات کالایی در مراتب دوم تا ششم حضور دارند. تراز تجارت کالایی ۴ کشور چین، روسیه، ایران و قزاقستان با رقام قابل ملاحظه مثبت (مازاد تراز تجارت کالایی)، در مقابل تراز تجارت کالایی ۴ کشور هند، بلاروس، قرقیزستان و افغانستان منفی (کسری تراز تجارت کالایی) قرار دارند. کمابیش این تحلیل برای تجارت (صادرات و واردات) خدمات و تراز حساب جاری اعضای این سازمان موضوعیت دارد.

در سال ۲۰۱۹، جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (SCO FDI) ۲۳۶٫۸ میلیارد دلار بود که ۱۵٫۴ درصد از جریان ورودی FDI در جهان را تشکیل می‌دهد. چین با ۱۴۱٫۲ میلیارد دلار جریان ورود FDI و ۵۹٫۶ درصد جریان ورودی FDI این سازمان، رتبه نخست را دارد. ۵ کشور هند، روسیه، قزاقستان، پاکستان و ایران به ترتیب با ۲۱٫۴، ۱۳٫۴، ۱٫۳، ۰٫۹ و ۰٫۶ درصد در مراتب ۲ تا ۶ جریان ورودی FDI سازمان قرار دارند.

از شاخص‌های مهم اقتصاد کلان که معیاری مهمی بر ثبات محیط اقتصاد کلان محسوب می‌شود، نرخ تورم است. در شرایطی که ۱۰ عضو SCO تورم کمتر از ۱۰ درصد را در سال ۲۰۱۹ تجربه می‌کنند، ایران با تورم ۳۹٫۹ درصد بالاترین نرخ تورم نه تنها در منطقه، بلکه حتی در جهان شاهد بوده است.

تجارت خدمات در مقایسه با تجارت کالا در SCO سهم پایین‌تری از تجارت جهانی را دارد. حال SCO در تجارت کالایی با تراز تجاری کالایی کاملاً مثبت (مازاد تراز تجارت کالایی) مواجه بود، اما در تجارت خدمات با تراز تجارت خدمات کاملاً منفی (کسری تراز تجارت خدمات) مواجه بوده است. در واقع اعضای این سازمان با محوریت چین، اقتصادهای تولید صنعتی صادرات محور هستند تا اقتصادهای مبتنی بر خدمات محور. از ارزیابی شاخص‌های کلیدی اقتصادی کشورهای منتخب SCO نتیجه می‌شود بازیگر نخست، چین است. از جنبه اندازه اقتصاد، تجارت و سرمایه‌گذاری هند، روسیه، ایران، پاکستان، قزاقستان و بلاروس در مراتب ۲ تا ۶ قرار دارند. در این بین، رشد اقتصادی، جریان سرمایه‌گذاری خارجی و نرخ تورم ایران در مقایسه با کشورهای منتخب SCO نامناسب ارزیابی می‌شود.

جدول ۱۴. شاخص‌های کلیدی اقتصادی - تجاری بین‌المللی ایران و کشورهای منتخب، سال ۲۰۱۹

شرح	تجارت کالایی			تجارت خدمات		حساب جاری	اندازه اقتصاد			جریان FDI		تورم	جمعیت
	صادرات	واردات	رابطه مبادله	صادرات	واردات		GDP	GDP سرانه	رشد	خروجی	ورودی		
	\$B	\$B	۱۰۰=۲۰۱۵	\$B	\$B		\$B	دلار	درصد	\$M	\$M	درصد	
(۱) چین	۲۴۹۹٫۵	۲۰۷۸٫۴	۹۳	۲۸۳٫۲	۵۰۰٫۷	+۱۴۱٫۳	۱۴۲۲۷٫۴	۹۹۲۳	۶٫۱	۱۱۷۱۲۰	۱۴۱۲۲۵	۲٫۹	۱۴۳۳٫۸
(۲) روسیه	۴۱۹٫۹	۲۵۴٫۶	۱۰۹	۶۲٫۷	۹۸٫۸	+۶۵٫۳	۱۷۰۱٫۱	۱۱۶۶۲	+۱٫۳	۲۲۵۳۰	۳۱۷۳۵	۴٫۵	۱۴۵٫۸۷
(۳) قزاقستان	۵۷٫۳	۳۷٫۶	۱۱۵	۷٫۸	۱۱٫۴	-۶٫۵	۱۷۷٫۶	۹۵۷۵	+۴٫۵	-۲۵۹۲	۳۱۱۸	۵٫۲	۱۸٫۵۵
(۴) قرقیزستان	۲٫۰	۴٫۹	۱۱۱	۱٫۲	۱٫۰	-۰٫۹	۸٫۴	۱۳۱۵	+۴٫۵	۳	۲۰۹	۱٫۱	۶٫۴۲
(۵) تاجیکستان	۱٫۲۵	۳٫۳۵	۱۱۰	۰٫۲۴	۰٫۴۹	-۰٫۱۹	۳٫۷	۳۹۸	۷٫۵	۲۳	۲۱۳	۷٫۸	۹٫۳
(۶) ازبکستان	۱۴٫۰	۲۱٫۹	۱۰۶	۳٫۱	۵٫۴	-۰٫۱۹	۵۵٫۸	۱۶۹۱	۵٫۶	۳	۲۲۸۶	۱۴٫۵	۳۳٫۰
(۷) هند	۳۲۴٫۳	۴۸۶٫۱	۹۶	۲۱۴٫۴	۱۷۹٫۲	-۲۹٫۸	۳۰۵۹٫۴	۲۲۳۹	+۵٫۳	۱۲۱۰۴	۵۰۵۵۳	۷٫۷	۱۳۶۶٫۴
(۸) پاکستان	۲۳٫۳	۵۰٫۳	۱۰۹	۵٫۴	۹٫۳	-۷٫۱	۲۵۸٫۴	۱۱۹۳	+۱٫۹	-۷	۲۲۱۸	۱۰٫۶	۲۱۶٫۶
(۹) ایران	۶۵٫۷	۴۱٫۸	۱۱۵	-	-	...	۵۲۹٫۴	۷۱۴۶	-۸٫۰	۸۵	۱۵۰۸	۳۹٫۹	۸۲٫۹
(۱۰) مغولستان	۷٫۶	۶٫۱	۱۲۶	۱٫۴	۳٫۰	-۲٫۲	۱۳٫۵	۴۲۱۳	+۴٫۹	۱۲۷	۲۴۴۳	۷٫۳	۳٫۲
(۱۱) افغانستان	۰٫۹۸	۷٫۳	۱۰۸	۰٫۷	۱٫۳	-۳٫۸	۱۹٫۹	۵۲۴	+۲٫۴	۲۶	۳۹	۲٫۳	۳۸٫۰
(۱۲) بلاروس	۳۳٫۰	۳۹٫۵	۱۰۱	۹٫۶	۵٫۸	+۱٫۲	۶۲٫۱	۶۵۷۰	+۱٫۲	-۷	۱۲۹۰	۵٫۶	۹٫۴۵
جمع کل اعضا	۳۴۴۸٫۸	۳۰۳۱٫۹	...	۵۸۹٫۷	۸۱۶٫۴	۱۵۷٫۱	۲۰۱۱۶٫۸	...	...	۱۵۲۰۲۱	۲۳۶۸۳۷	...	۲۳۶۲٫۴۹
سهم از جهان (%)	۱۸٫۳	۱۵٫۷	...	۹٫۶	۱۴٫۰	۳۵٫۵	۲۲٫۹	...	...	۱۱٫۶	۱۵٫۴	...	۴۳٫۶۱
جهان	۱۸۸۳۳٫۰	۱۹۲۶۳٫۲	۱۰۱	۶۱۴۴٫۰	۵۸۲۶٫۳	+۴۴۲٫۸	۸۷۷۱۰۲۱	۱۱۳۷۱	+۲٫۶	۱۳۱۳۷۰	۱۵۳۹۹۰۰	۳٫۱	۷۷۱۳٫۵

مأخذ: نتایج یافته‌های تحقیق حاضر بر مبنای داده‌های خام آماری UNCTAD, HANDBOOK OF STATISTICS, ۲۰۲۱، ۸۶-۹۷

نتایج مطالعات سرمایه‌گذاری خارجی با تاکید بر ایران^۱ نتیجه می‌شود کشورهایی که در توسعه تجارت موفق بوده‌اند، در جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز موفق عمل کرده‌اند. در واقع کشورهای نوظهور و تازه صنعتی شده موفق، به تناسب سهم از تجارت جهانی، سهم از جریان FDI جهانی دارند و بالعکس. در این بین، ایران در بین کشورهای منتخب و در افق زمانی بلندمدت منتهی به ۲۰۲۱ کارنامه و عملکرد ناموفقی در جریان تجارت و FDI داشته است. نظر به اینکه رویکرد اصلی این بخش از گزارش که مبتنی بر گریز ناپذیری الحاق ایران به فرآیند جهانی شدن و بهره‌گیری از مزایا و حداقل رساندن هزینه ناشی از آن است، رهنمودهای کلی در چارچوب و قالب "جهانی بیندیشیم و به گونه‌ای سازگار با آن در داخل عمل نماییم" تجلی می‌یابد. در این راستا پیشنهادهای زیر ارایه می‌شود وضع قوانین و مقررات را به گونه‌ای سازگار با فعالیت در عرصه جهانی

- فراهم ساختن زمینه برای جلب سرمایه و انتقال تکنولوژی خارجی
 - تقویت سیاست تنش زدایی و زمینه‌های همگرایی
 - حضور فعال در پیمان‌های منطقه‌ای و جندجانبه جهانی و همکاری با مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای
 - تسهیل و تسریع در خصوصی سازی، لغو انحصارات و اصلاح قوانین و مقررات
 - حمایت از آسیب‌دیدگان از مشارکت در فرآیند جهانی شدن
 - همکاری با کشورهای در حال توسعه در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی
 - جلوگیری از بروز شوک‌های اقتصادی
 - بهره‌گیری از فرصت‌های زودگذر با ساختار اجرایی، مدیریتی و سیاستگذاری کارآمد و منعطف
- کشورها باید اقدام به ظرفیت‌سازی (تحقیق و توسعه، آموزش، و غیره) و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی نمایند. ظرفیت داخلی برای منتفع شدن از سرمایه‌گذاری خارجی نیز ضروری است. شواهدی وجود دارد مبنی بر این‌که در بسیاری از کشورهای با درآمدپائین اولویت ایجاد ظرفیت داخلی به فراموشی سپرده می‌شود، و لذا سبب پائین آمدن جریان سرمایه‌گذاری و کاهش ظرفیت جذب برای دستیابی به آثار انتشاری (سرریز) می‌شوند. پیشنهادها ارایه می‌شود باید سیاست اقتصاد کلان رقابتی و شفافیت برقرار باشد. شواهد و ادبیات موضوع نشان می‌دهد که فساد دولتی موجب کاهش جریانهای رو به داخل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود.

- تشویق گسترش نهادهای چندملیتی، و تشویق سیاستهای رقابتی

^۱ اگرچه این موارد به طور عام مطرح شده، اما بسته به شرایط خاص کشور، تعدیل پذیرند. برای نمونه، باید تعیین شود که آیا سرمایه‌گذاری خارجی با استراتژی توسعه سازگار است یا خیر، و اگر چنین است چه نوع سرمایه‌گذاری باید انتخاب شود؟ آیا سرمایه‌گذاری خارجی ابزار مؤثر و کارآمدی برای حصول به اهداف فعلی و آینده است؟ مثلاً کشوری که سطح دستمزدهای بالا و منابع فراوان داخلی است، نیازی به جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت پوشاک ندارد، بلکه ترجیحاً به سرمایه‌گذاری با فن‌آوری بالا روی می‌آورد. برعکس کشوری فقیر در مرحله نخست و برای شروع کار نیازی به سرمایه‌گذاری در حیطه فن‌آوری بالا ندارد.

- جهت جذب سرمایه خارجی بیشتر، به زیرساخت‌های قانونی، تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی، کارایی و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت‌ها و تحقیق و توسعه، بهره‌وری و سطح مهارت نیروی کار توجه کافی بشود.
- نهایتاً، مجموعه این اقدامات توأم با افزایش ثبات سیاسی به جذب سرمایه خارجی و ارتقای آن منجر می‌شود.

۷. ساختار رقابت در تجارت خارجی ایران و ارتباط سیاست تجاری با سیاست‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی کشور از منظر رقابت

جدول ۱۵. جمع‌بندی ساختار رقابت تجارت خارجی ایران از منظر “چالش‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها” و اهم راهکارها و توصیه‌های سیاستی

ردیف	چالش‌ها و تهدیدها	فرصت‌ها	راهکارها و توصیه‌های سیاستی
۱	رقابت پذیری پائین اقتصاد ملی در شرایط جهانی شدن	...	بسته سیاستی جامع جهت ارتقای توان رقابت ملی با محوریت اصلاح مقررات تجاری، بانکی، سرمایه‌گذاری، ارزی، مالیاتی، مدیریت قوی، علمی و آینده‌نگر و تعامل توسعه‌مند
۲	ناهماهنگی سیاست‌های اقتصادی مناسب و همسو نبودن آن‌ها	هماهنگی سیاست‌های اقتصادی با سیاست تجاری مناسب	اعمال سیاست‌های اقتصادی مناسب و هماهنگی میان آن سیاست‌ها از جمله سیاست تجاری مناسب، ثبات نرخ ارز و کاهش نرخ تورم
۳	اقتصاد تک محصولی، تکانه‌های نفتی، بیماری هلندی: بی‌ثباتی ورکود صادرات غیرنفتی	جهش صادراتی	بسته سیاستی جامع جهت جهش صادراتی در سه حوزه: ظرفیت‌سازی، مقررات و نهادسازی، و سیاست‌های مناسب و هماهنگ
۴	عدم عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت	تمهیدات لازم الحاق به سازمان جهانی تجارت	بسته سیاستی بهره‌مندی از فرصت‌ها و کاهش تبعات منفی چالش‌ها در بخش‌ها با محوریت ظرفیت‌سازی، تسهیل تجارت، اصلاح قوانین، تعامل توسعه‌مند با جهان، و رفع موانع سیاسی
۵	تشدید و تعمیق کسری تراز تجاری بدون نفت و سهم ناچیز صادرات صنعتی بالاخص با فن‌آوری بالا	تجربه نیم قرن صنعتی شدن	جهش صادراتی با محوریت ظرفیت‌سازی، اصلاح مقررات و سیاست‌های مناسب و هماهنگ، ایجاد فضای کسب و کار رقابتی، بسترسازی برای جذب FDI، ارتقای دانش و مهارت، توجه به R&D
۶	بی‌ثباتی و وخامت رابطه مبادله تجاری ایران	وجود توان بالقوه بنیان‌های صنعتی	کاهش تنش‌ها، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب، هماهنگ و باثبات، متنوع‌سازی و تمرکززدایی و ارتقای صادرات صنعتی
۷	تمرکز بالا بر شرکای تجاری خاص در مبادلات تجاری	متنوع‌سازی شرکای تجاری	کاهش بی‌ثباتی عملکرد اقتصادی، سیاست‌های تنوع تولید و ارتقای TFP از طریق سرمایه انسانی و تغییرات فن‌آوری



ردیف	چالش ها و تهدیدها	فرصت ها	راهکارها و توصیه های سیاستی
۸	سنتی بودن شیوه و روش های تجاری	به کارگیری شیوه و روش های نوین تجاری	استفاده از تیم مدیریتی قوی و حمایت همه جانبه از آن، هماهنگی دیگر سیاستها با سیاست تسهیل تجاری، به کارگیری سیستم های پشتیبانی کننده تجارت
۹	ضعف در نهادهای پشتیبانی کننده تجارت: تشکل های صادراتی و کوچک بودن واحدهای صادراتی	تجربه دیرینه نهاد سنتی آن	اتخاذ راهبرد بلندمدت تجاری، ابزارهای تشویقی و توسعه ای دولت از این تشکل ها، ایجاد اطلاعات تجاری جامع و به هنگام
۱۰	کیفیت پایین نیروی انسانی	وجود نیروی انسانی متخصص و استفاده از آن	اتخاذ راهبرد بلندمدت صادرات، توجه کافی به R&D و ارتقای بهره وری نیروی انسانی
۱۱	ضعف در جذب سرمایه خارجی	وجود زمینه های مناسب برای جذب FDI	اتخاذ سیاست اقتصاد کلان رقابتی و شفاف، الزامات مناسب زیرساختی و قانونی
۱۲	عدم عضویت موثر در ترتیبات اقتصادی منطقه ای	عضویت فعال در PTA، FTA و RTA	برقراری PTA، FTA و RTA دوجانبه و منطقه ای با جمع بندی براینده آثار و ملاحظات همه جانبه
۱۳	مناطق آزاد تجاری	زیرساختها و موقعیت مناسب مناطق	کارآمدی سیستم مدیریت مناطق و هماهنگی دیگر ارگانها با آن، ثبات قوانین مرتبط و شفاف آن
۱۴	عدم تحقق جایگاه ممتاز ترانزیتی ایران در منابع هیدروکربن منطقه CIS	جایگاه ممتاز ترانزیتی ایران در انتقال منابع هیدروکربن منطقه CIS	رفع موانع سیاسی و تعامل توسعه مند با جهان
۱۵	عدم تحقق جایگاه ممتاز جهانگردی/گردشگری	وجود امکانات گردشگری فراوان و منحصر بفرد	بسته سیاستی جامع جهت ارتقای جایگاه گردشگری با محوریت زیرساختی، آموزشی، بازاریابی و اطلاع رسانی
۱۶	پدیده قاچاق	...	هدفمندی یارانه ها، مدنظر قراردادن قیمت های نسبی در قیمتگذاری، تسهیل تجارت، اصلاح سیاست تجاری
۱۷	وجود قیمت شکنی (دامپینگ) در کالاهای وارداتی ایران	...	تدوین مقررات ضد قیمت شکنی، حضور جدی تشکلهای اصناف در طرح دعاوی، تهیه اطلاعات تجاری جامع و به هنگام
۱۸	تنگناهای موجود در دیپلماسی تجاری	دیپلماسی فعال و توسعه مند تجاری	توجه خاص و اهمیت بالا به ملاحظات اقتصادی در تصمیم سازی های سیاسی
۱۹	تحریم اقتصادی - تجاری	...	داشتن برنامه اضطراری، متنوع سازی شرکا، امکان سنجی جایگزینی واردات از داخل و سایر شرکاء
۲۰	سیاسی شدن بیش از حد روابط اقتصادی و عدم بهره گیری از فرصت های تجاری	...	ایجاد وحدت رویه در موضع گیری مقامات در امور بین الملل و توجه خاص و اهمیت بالا به ملاحظات اقتصادی در تصمیم سازی های سیاسی
۲۱	بهره وری پایین بخش بازرگانی	...	بهینه سازی سیستم توزیع و ایجاد فضای رقابتی در مکانیسم بازار از طریق سرمایه گذاری در زیرساخت ها، توجه به قیمت های نسبی و اتخاذ سیاستهای اقتصادی مناسب: نرخ پائین تورم و ثبات نرخ ارز



ردیف	چالش ها و تهدیدها	فرصت ها	راهکارها و توصیه های سیاستی
۲۲	انحصارات در بازار داخلی و تنظیم بازار داخلی کالاهای ضروری اساسی	...	اصلاح قوانین مرتبط، حذف انحصارات، هماهنگی سیاستهای تنظیم بازار (برقرای قیمت های نسبی توام با نرخ پائین تورم)، تسهیلات برای سرمایه گذاری در زیرساخت ها و استفاده از شیوه های نوین مبادله
۲۳	زیرساخت های نرم و سخت (بنادر، پایانه ها، راهها، حمل و نقل و انبارداری)	...	افزایش تسهیلات/ سرمایه گذاری های لازم در زیرساخت ها، حذف انحصارات و ارتقا و نوسازی سیستم پشتیبانی کننده توزیع
۲۴	حجم هنگفت یارانه ها در اقتصاد ایران و هدفمند نبودن آن	هدفمند کردن یارانه ها و حمایت از اقشار آسیب پذیر	هدفمند نمودن یارانه ها، تصمیم سازی واحد، منطقی کردن مصرف کالاهای یارانه ای و برقرای نظام جامع تامین اجتماعی

ماخذ: برگرفته و مستخرجه از مروری بر ادبیات موضوع ساختار رقابت تجارت ایران "چالش ها و فرصت های بازرگانی ایران" توسط نگارندگان.



منابع و مآخذ

۱. اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی تهران (۱۴۰۰). تجارت کالایی بدون نفت خام ایران طی سال ۱۳۹۹، واحد گردآوری و تحلیل آمارهای اقتصادی: معاونت بررسی های اقتصادی، فروردین، ۱۴ ص.
۲. حسینی، میرعبداله (۱۳۷۵). تعیین قدرت انحصاری بازار جهانی خشکبارو جایگاه خشکبار ایران در آن، فصلنامه اقتصادکشاورزی و توسعه: نشریه ش. ۲، مقالات برگزیده سمینار کشاورزی ایران و بازارهای جهانی، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، تابستان (۱۷ و ۱۸ شهریور)، جلد اول، صص ۹۷-۱۲۲.
۳. حسینی، میرعبداله و همکاران (۱۳۸۹). رقابت پذیری اقتصاد ایران و راهکارهای بهبود آن در جهان، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۵۱۴ ص.
۴. حسینی، میرعبداله و همکاران (۱۳۸۴). گزارش تجارت و تراز بازرگانی خارجی ج. ا. ایران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی خارجی.
۵. علمی، محمد (۱۳۸۹). عوامل موثر در رقابت پذیری اقتصادو بازرگانی و شاخص ها، سازمان توسعه تجارت ایران.
۶. سازمان توسعه تجارت ایران (۱۴۰۰). دفتر خدمات اطلاعات تجاری معاونت توسعه صادرات کالاو خدمات.
۷. گمرک ج. ا. ایران (۱۴۰۰). سالنامه آمار تجارت خارجی کشور در سال ۱۳۹۹، دفتر آمارو پردازش اطلاعات گمرکی.
۸. مرکز پژوهشها مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰). تحلیلی بر عملکرد بخش خارجی اقتصاد، معاونت مطالعات اقتصادی، تهیه، تدوین و ناظر (گروهی جمعی)، ۲۰ مهر، کدموضوعی ۲۲۰، ش. مسلسل ۱۷۷۹۵، ۴۸ ص.
۹. وزارت صمت (۱۴۰۰). صنعت، معدن و تجارت به روایت آمارو اطلاعات (عملکرد مقدماتی ۱۳۹۹)، دفتر مدیریت داده، آمارو فناوری اطلاعات: معاونت طرح و برنامه، گزارش ش. ۷۷، اردیبهشت، صص ۱۰۸-۱۰.
۱۰. پاسخ اتاق ایران به گزارش مرکز پژوهش های مجلس، منتشره در اقتصادآنلاین به تاریخ ۱۳۹۹/۸/۲۹.
۱۱. ریحانه عامری، سمیرا اصغری، فرزانه مجدآبادی و حسین علی پور (۱۳۹۸). چالشهای استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر در نظام حقوق مالیاتی ایران (بانگرشی به سیاستهای تقنینی و اجرایی)، پژوهشنامه مالیات، ش. ۴۳، پاییز.



۱۲. سایت اطلاعات روز تجارت خارجی: <http://eplonline.ir>
۱۳. ضیاءبیگدلی، صادق (۱۳۹۷). گزارش بررسی مطالعات موجود راجع به کارت بازرگانی، طرح تدوین سند سیاست تجاری ایران، گزارش پشتیبان شماره ۸، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مهرماه.
۱۴. ماده ۳۷ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۰۴/۰۳
۱۵. مرکز پژوهشهای مجلس، آسیب شناسی وضعیت صدور کارت بازرگانی و ارائه راهکارهای اصلاحی، تیر ۱۳۹۹.
۱۶. qavanin.ir: معاونت حقوقی ریاست جمهوری
۱۷. Bruce Scott. (۱۹۸۹) US Competitiveness in the World Economy. Harvard Business School Press. Chaps ۲ & ۱.
۱۸. World Economic Forum (۲۰۲۰-۲۰۰۸) The Global Competitiveness Report ۲۰۱۹-۲۰۱۰. Geneva: World Economic Forum
۱۹. UNCTAD, HANDBOOK OF STATISTICS, ۹۷-۸۶, ۲۰۲۱.
۲۰. https://irica.ir/web_directory/۹۹-۷۴۰۷۸.html
۲۱. https://www.trademap.org/Country_SelProduct_TS.aspx
۲۲. <https://tsd.cbi.ir/display/content.aspx>.
۲۳. <https://www.ilna.news/>.
۲۴. https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/۱۱۵۲۲۴
۲۵. <https://salamatedari.ict.gov.ir/fa/ghavanin/low۲>



مؤسسه مطالعات پژوهش های بازرگانی

پژوهشکده توسعه بازرگانی

تهیه کننده:

دکتر میرعبده حسینی

همکار طرح:

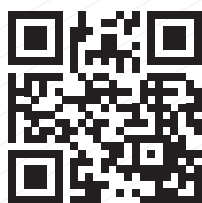
محمدرضا عابدین

ناظر:

امین مالکی

تاریخ انتشار:

اسفند ماه ۱۴۰۱



www.itsr.ir